

# ایستادہ می میری

نقش مؤمنان در اوج بحران



احمد صابری تولای







شبکه ملی  
تولیدکنندگان  
محتوای تبلیغی

شبکه ملی  
تولیدکنندگان  
محتوای تبلیغی



# ایستاده می میریم

وظایف امت در شرایط پرمشقت

# ایستاده می میریم

وظایف امت در شرایط پرمشقت

- به سفارش: اتاق جنگ تولید محتوای تبلیغی
- کاری از: مؤسسه تبلیغی به سوی ملکوت
- نویسنده: احمد صابری تولایی
- پژوهشگران: علی علیزاده، عباس جهانی، محمد ایزدی، مصطفی رئوف، حسین کرامتی، محمد امامی، سید علی مقدم، ابوالفضل فرزین، هادی عجمی
- صفحه‌آرا: موسی محمدآبادی
- نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۴



موسسه تبلیغی به سوی ملکوت  
www.bsmalakut.ir  
کانال هم‌قلم در ایستا  
https://eitaa.com/Hamghalam

|    |                                    |
|----|------------------------------------|
| ۹  | <b>مقدمه</b>                       |
|    | <b>جلسه اول</b>                    |
| ۱۳ | <b>مدیریت خبر</b>                  |
| ۱۵ | مقدمه                              |
| ۱۵ | راهکار اول (دستورات فقهی و اخلاقی) |
| ۱۶ | راهکار دوم (توجه به منبع خبر)      |
| ۱۷ | راهکار سوم (اهمیت صحت خبر)         |
| ۱۸ | راهکار چهارم (تحقیق و بررسی)       |
| ۱۹ | راهکار پنجم (درباوری)              |
| ۲۱ | راهکار ششم (توجه نکردن به شایعات)  |
|    | <b>جلسه دوم</b>                    |
| ۲۳ | <b>انسجام اجتماعی</b>              |
| ۲۵ | مقدمه                              |
| ۲۶ | گسست مردم و غربت مرجعیت            |
| ۲۶ | اهمیت انسجام اجتماعی در قرآن       |
| ۲۷ | راهکارهای تحقق انسجام اجتماعی      |
|    | <b>جلسه سوم</b>                    |
| ۳۳ | <b>تواضع</b>                       |
| ۳۵ | مقدمه                              |
| ۳۷ | عرصه‌های تواضع                     |
|    | <b>جلسه چهارم</b>                  |
| ۴۷ | <b>خودباوری در تقابل خودباختگی</b> |
| ۴۹ | مقدمه                              |
| ۵۰ | راه‌های تقویت خودباوری             |
|    | <b>جلسه پنجم</b>                   |
| ۶۱ | <b>زمان‌شناسی</b>                  |
| ۶۳ | مقدمه                              |



۶۴ نقش زمان و اولویت

۶۷ ابعاد زمان شناسی

#### جلسه ششم

#### ۷۷ عاقبت اندیشی

۷۹ مقدمه

۷۹ مکانیزم و فلسفه دور اندیشی

۸۲ انگیزه‌های عاقبت اندیشی و آینده نگری؟

۸۴ عرصه‌های دور اندیشی

۸۵ آثار دور اندیشی در کلام علوی

#### جلسه هفتم

#### ۸۹ غیرت‌ورزی

۹۱ مقدمه

۹۲ عرصه‌های غیرت‌ورزی

#### جلسه هشتم

#### ۱۰۷ مسئولیت‌پذیری

۱۰۹ مسئولیت‌پذیری در لغت

۱۱۰ مسئولیت‌پذیری در قرآن و روایات

۱۱۲ مبنای مسئولیت‌پذیری

۱۱۵ گستره مسئولیت‌پذیری

#### جلسه نهم

#### ۱۲۱ مواسات اجتماعی

۱۲۴ اهمیت مواسات

۱۲۵ سختی مواسات

۱۲۶ سطوح مواسات

۱۲۷ آثار مواسات

#### جلسه دهم

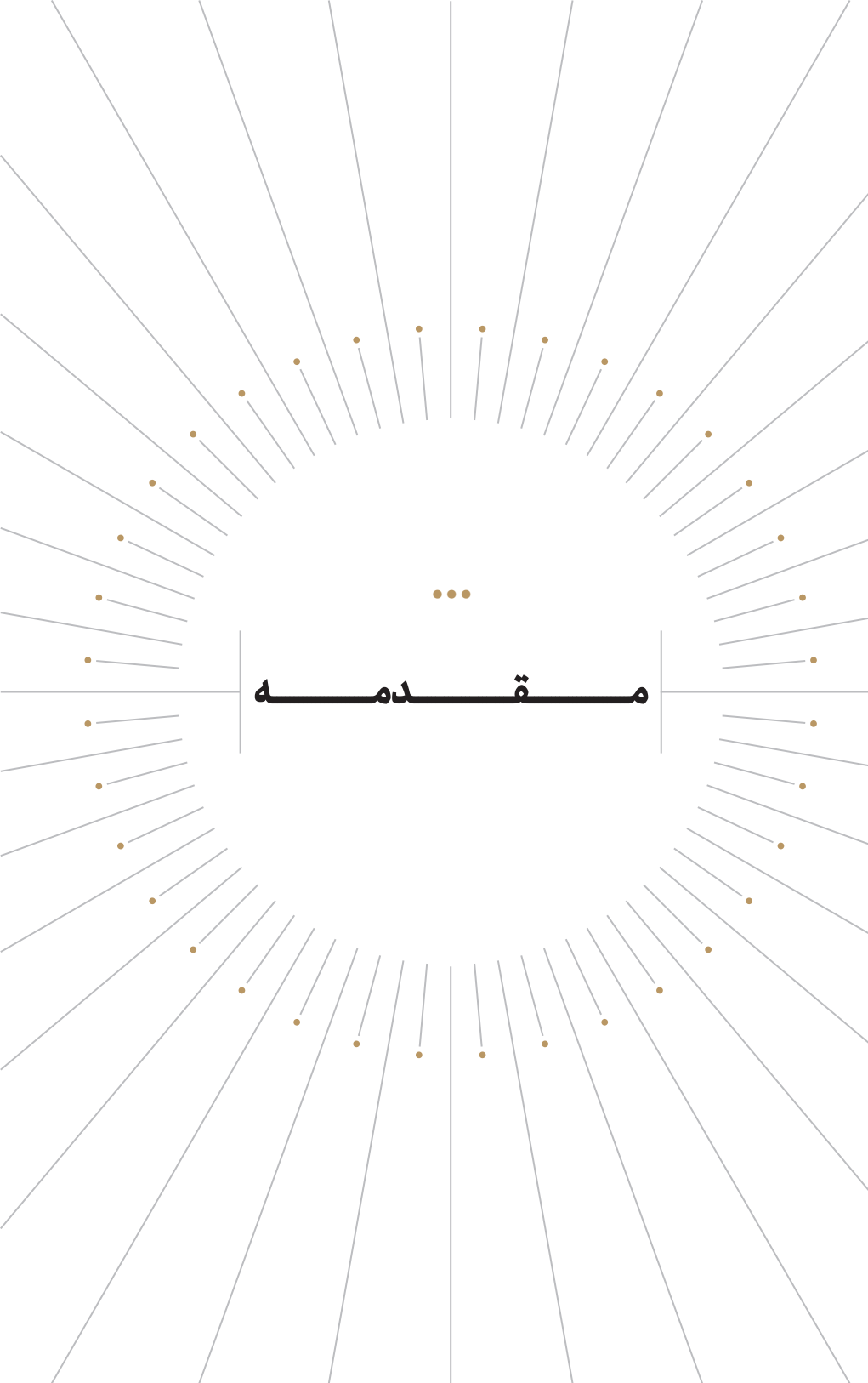
#### ۱۳۱ مدیریت بحران

۱۳۳ مقدمه

۱۳۴ مفهوم شناسی بحران

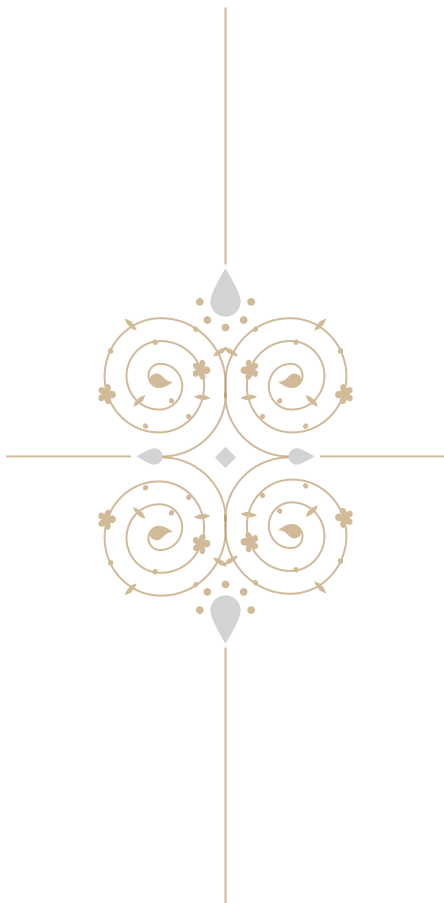
۱۳۶ اقدامات بنیادین و مشترک در بحران‌های زندگی





...

مقدمة





از آنجائی که بحرانهای طبیعی از قبیل سیل و زلزله و جنگ عموم مردم را به خود درگیر کرده و طبیعتاً تفکیکی بین اقشار و اصناف قائل نمی‌شود لازم است که مواجهه با آن نیز توسط تمامی مردم یک جامعه تحقق یابد تجربه ثابت کرده که قدرتمندترین کشورها با مدیریت برترین رهبران، بدون همراهی مردم نخواهند توانست بحرانهای عمومی را مدیریت کنند اما ضعیفترین کشورها با کمترین امکانات و حتی ناتوان ترین مسئولین ولی با حضور و نقش آفرینی مردم توانسته اند بزرگترین بحرانها را مدیریت کرده و تلفات و خسارتها را به حداقل برسانند

در برهه ای از زمان قرار گرفته ایم که جنگها دیگر مانند گذشته بین دو لشکر اسلحه به دست سامان نمی‌ابد بلکه جنگها توسط موشکهای غول پیکر و پرتابه‌های هوشمند با کمترین سطح دخالت انسان رخ می‌دهد

در چنین شرایطی افراد کمی درگیر جنگ نظامی خواهند بود لیکن تبعات جنگ و ابعاد دیگر نبرد مردم را به خود مشغول کرده و آنها را به قربانگاه می‌کشاند

شرایط اقتصادی، بحرانهای روانی، مبارزات رسانه ای در دوران جنگ می‌تواند برای همه خطر ساز باشد و اگر مردم هوشیار نبوده یا به‌خاطر



چهل نسبت به مسئولیتها یا به‌خاطر روحیه مسئولیت‌گریزی و...  
به وظایف خود عمل نکنند کوچکترین جنگ، بزرگترین بحرانهای  
اجتماعی را رقم خواهد زد

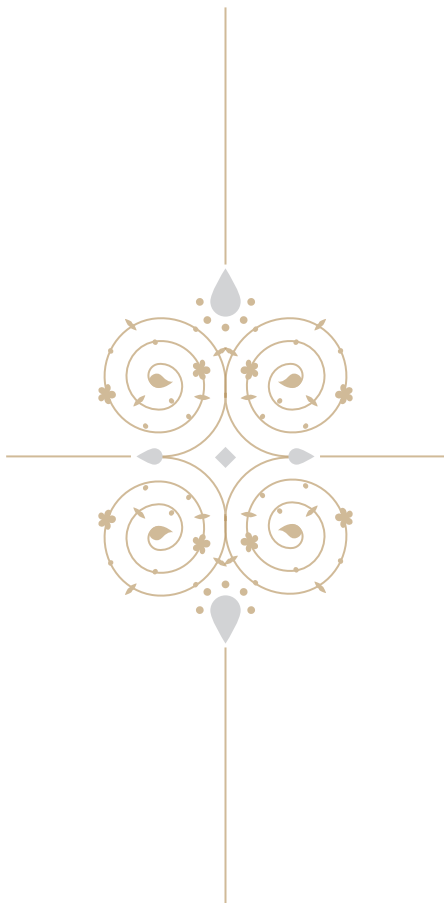
در این مجال به ده وظیفه مهم امت در شرایط پرمشقتی مانند جنگ  
پرداخته‌ایم

امید است با تبیین این وظایف، مردم مانند همیشه حماسه بیافرینند  
و از این بحران نیز به سلامتی عبور کنیم



جلسه اول

مدیریت خبر



## مقدمه

از مهمترین مسائل در هنگام وقوع جنگ مواجهه صحیح با این پدیده است و از جمله مهارت‌های لازم جهت مواجهه درست با وضعیت جنگی مدیریت خبر است چرا که در این وضعیت اخبار نقش موثری در زندگی مردم دارند و معمولاً توجه بیشتری به اخبار صورت می‌گیرد به شکلی که دائم مردم اخبار، کانال‌ها و منابع خبری را چک می‌کنند که ما کجا به دشمن آسیب زده و یا دشمن کجا به ما آسیب وارد کرده است و....

### راهکار اول (دستورات فقهی و اخلاقی)

در زمان جنگ تعریف از دشمن به هر نحوی چه بیان تسلیحات و توانمندی‌ها و چه می‌زان عده و عده او و از طرفی تضعیف جبهه خودی و نقاط ضعف مسلمانان حرام است.

یکی از مسائل لازم برای هر جمعیت و ملّتی، حفظ قدرت و توان خویش در قبال بیگانگان است. هر ملّتی این را می‌فهمند که نباید در جهت تضعیف خودشان و تقویت دشمنان گام بردارند؛ مخصوصاً امتی که خود را حق می‌شناسد و دشمنان بسیاری دارد، این واقعیت باید همیشه مراعات گردد آنچه اصالت دارد این است که تضعیف روحیه مسلمانان و تقویت روحیه دشمنان مذموم و ممنوع است.



تضعیف روحیه خودی و تقویت روحیه دشمن یک روز با ریش سفید و سیاه بوده، و یک روز با رواج شایعه می‌شود (مثل شایعه شهادت رسول خدا ﷺ در جنگ احد) و یک روز با بزرگ کردن ضعفها در داخل، و یک روز با نادیده گرفتن قوتها و یک روز با بزرگ کردن مشکلات و یک روز با انجام توطئه‌هاست.<sup>۱</sup>

خلاصه اینکه باید از انتشار هر عکس یا فیلم یا خبری که منجر به تضعیف جبهه خودی و تضعیف روحیه مردم و یا تقویت جبهه دشمن شود مثل می‌زان خسارتی که در اثر حمله دشمن اتفاق افتاده. یا اتهام به نیروهای مسلح و نظامی که فلان شخص خیانت کرده و... پرهیز شود.

تضعیف نیروهای مسلح، تضعیف امنیت کشور است و کسی که به پاسگاه پلیس یا پایگاه بسیج حمله می‌کند یا در سخنان خود به ارتش یا سپاه طعنه می‌زند، به امنیت کشور حمله می‌کند.<sup>۲</sup>

### راهکار دوم (توجه به منبع خبر)

یکی از مهم‌ترین اقداماتی که باید انجام دهیم، توجه به منبع خبری است که برای ما نقل شده است. اگر منبع خبر معتبر نباشد، باید بدانیم که ممکن است در تله محاسباتی دشمن گرفتار شویم. این موضوع در شرایط کنونی که اخبار از منابع مختلف و گاه ناموثق منتشر می‌شود و جامعه با بمباران خبری مواجه است و گاه خبری در کمتر از چند دقیقه در جهان پخش می‌شود، بسیار اهمیت دارد.

این شبکه. کانال. گروه. سایت. نشریه یا برنامه یا شخص داخل کشور است یا خارج. چه طیف فکری پشت این منبع خبری است. هزینه‌هایش از کجا تامین می‌شود. سابقه فعالیتش چگونه است؟ کارشناسانی که دعوت می‌کند چه کسانی هستند و....



## ایران اینتر نشنال، صدای دوم اسرائیل

یک نمونه از شبکه‌هایی که همیشه در پی ناامید سازی مردم ایران بوده و نقش موثری در پیگیری پروژه‌های براندازی در ایران را ایفا کرده است شبکه ایران اینتر نشنال است.

این شبه رسانه با بزرگنمایی اعتراضات و مشکلات اقتصادی، تصویری سیاه و ناامیدکننده از وضعیت کشور ارائه می‌دهد تا مردم را نسبت به هرگونه راه حل دیپلماتیک و اصولاً هرگونه راه حل بدبین و مایوس کند. نکته مهم در خصوص این شبکه، تغییرات در حامیان مالی آن است. ایران اینتر نشنال که پیش‌تر به صورت غیرمستقیم از سوی دربار عربستان سعودی تأمین مالی می‌شد، اکنون با تغییر معادلات منطقه‌ای و ازسرگیری روابط ایران و عربستان، بخش عمده حمایت مالی خود را از دست داده است. در نتیجه، این شبکه به سمت حمایت مالی از سوی اسرائیل حرکت کرده و به «صدای دوم اسرائیل» در فضای رسانه‌ای فارسی‌زبان تبدیل شده است. این تغییر جهت مالی و سیاسی، زمینه‌ساز جهت‌گیری‌های مغرضانه‌تر و هماهنگ با سیاست‌های ضدایرانی اسرائیل در پوشش اخبار مذاکرات شده است.<sup>۱</sup>

## راهکار سوم (اهمیت صحت خبر)

شنوندگان خبر باید تا زمانی که از صحت و سقم خبری مطمئن نشده‌اند، از پخش آن خودداری کنند. با ابزارهای پیشرفته کنونی، هر کس می‌تواند اخبار را به شکل‌های مختلف بیان و منتشر کند و گاهی با به طراحی ساده یا وارونه نشان دادن واقعیات و فن و فنون مختلف نظیر فتوشاپ و هوش مصنوعی و... میتوان اخبار کذب را جای واقعیت جا انداخت.

بنابراین، تا زمانی که اطمینان کامل از درستی خبری حاصل نشده،



نباید آن را منتشر کرد. قرآن کریم نیز هشدار می‌دهد که انتشار اخبار نامطمئن منجر به پشیمانی می‌شود.

### راهکار چهارم (تحقیق و بررسی)

انسان مؤمن نباید زودباور و سطحی نگر باشد، زیرا ایمان با زودباوری سازگاری ندارد. از طرفی، کار فاسق ایجاد فتنه بین مسلمانان است. با تحقیق و بررسی، می‌توان از رشد فتنه و کار افراد فاسق جلوگیری کرد.

قرآن کریم در اهمیت منبع خبر می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ»<sup>۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده اید اگر فاسقی برایتان خبری آورد نیک واری کنید مبدا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد] از آنچه کرده اید پشیمان شوید

مفسران در مورد شان نزول این آیه گفته اند:

درباره «ولید بن عقبه» نازل شده است، که پیامبر ﷺ او را برای جمع آوری زکات از قبیله «بنی المصطلق» اعزام داشت، هنگامی که اهل قبیله با خبر شدند نماینده رسول الله ﷺ می‌آید با خوشحالی به استقبال او شتافتند، ولی از آنجا که می‌ان «ولید» و آنها در جاهلیت، خصومت شدیدی بود، تصور کرد آنها به قصد کشتنش آمده اند.

خدمت پیامبر ﷺ بازگشت (بی آنکه تحقیقی در مورد این گمان کرده باشد) و عرض کرد: آنها از پرداخت زکات خودداری کردند! (و می‌دانیم امتناع از پرداخت زکات، یک نوع قیام بر ضد حکومت اسلامی تلقی می‌شد، بنابراین مدعی بود آنها مرتد شده اند).

پیامبر ﷺ سخت خشمگین شد، و تصمیم گرفت با



آنها پیکار کند، آیه فوق نازل شد (و به مسلمانان دستور داد: هرگاه فاسقی خبری آورد، درباره آن تحقیق کنید بعضی نیز بر آن افزوده اند که بعد از اخبار «ولید» درباره ارتداد قبیله «بنی المصطلق»، پیامبر ﷺ به «خالد بن ولید بن مغیره» دستور داد: به سراغ قبیله «بنی المصطلق» برو، ولی فرمود: شتابزده کاری انجام مده! خالد شبانه به نزدیکی قبیله رسید، و مأموران اطلاعاتی خود را برای تحقیق فرستاد، آنها خبر آوردند که «بنی المصطلق» به اسلام کاملاً وفا دارند، و صدای اذان و نماز آنها را با گوش خود شنیده اند، صبحگاهان «خالد» شخصاً به سراغ آنها آمد و صدق گفتار مخبرین را ملاحظه کرد، به خدمت پیامبر ﷺ بازگشت و ماجرا را به عرض رسانید، در این هنگام آیه فوق نازل شد، و به دنبال آن پیامبر می فرمود: «الْأَنَاءُ مِنَ اللَّهِ وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ»<sup>۱</sup>

(آرامش، از سوی خدا است و عجله از شیطان است)

در جریان عملیات وعده صادق و حمله موشکی سپاه به اسرائیل که بسیاری از محاسبات را در سطح جهانی جا به جا کرد روایتی که دشمن داشت این بود که ۹۹ درصد موشک‌ها را رهگیری کردیم، هرچند آنچه برای ما مهم بود نفس زدن و پاسخ مستقیم از ایران بود اما نسبت به درصد موشک‌های اصابت شده صرف روایت دشمن ما را به تامل وادامی دارد.

### راهکار پنجم (دیرباوری)

از نظر قرآن از مهم‌ترین عللی که موجب گرایش به شایعه و تولید و نشر آن می‌شود، زودباوری و ساده‌لوحی افراد اجتماع است.

خداوند متعال در سوره نساء آیه ۸۶ می‌فرماید:

«وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ



لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا

(و هنگامی که خبری از پیروزی و شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق) آنرا شایع می‌سازند، و اگر آنرا به پیامبر و پیشوایان (که قدرت تشخیص کافی دارند) ارجاع کنند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد و اگر فضل و رحمت خدا نبود همگی، جز عده کمی، از شیطان پیروی میکردید.)

افرادی که زود تحت تأثیر سخنان و افکار و رفتار دیگران قرار می‌گیرند به سادگی در دام شایعات می‌افتند. بنابراین لازم است تا مومنان از زودباوری به دیرباورپذیری برسند. این نیز جز به این نیست که مومنان به جای پیروی از گمانه‌ها به آگاهی و تحقیق رو آورند و با مراجعه به آگاهان و تحقیق از ایشان موضع‌گیری‌های خود را له یا علیه شایعه داشته باشند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ»؛ نه تنها چیزی که علم نداری، بازگو مکن، بلکه همه آنچه را که می‌دانی نیز مگو

جز، راس-ت نباید گفت

هر راس-ت نشاید گفت

همچنین امیرمومنان علیه السلام می‌فرماید: «فَدَعْ عَنْكَ مَا لَا تَعْرِفُ، فَإِنَّ شَرَّ النَّاسِ طَائِرُونَ إِلَيْكَ بِأَقْوِيلِ السُّوءِ»؛<sup>۲</sup>

آنچه را نمی‌دانی رها کن (و به شایعات و سخنان اشرار گوش فرامده) زیرا مردم شرور سخنان نادرستی را به تو می‌گویند (تا تو را از راه حق منحرف سازند) ..



## راهکار ششم (توجه نکردن به شایعات)

شایعه از واژه «شیع» به معنای خبری است که فاش شود، ولی صحت و نادرستی آن معلوم نباشد.<sup>۱</sup>

شایعات، بیشتر در مسائل مهم و با اهمیتی است که به سبب ابهامات و کمبود اطلاعات و آگاهی درباره آن موضوع به سرعت در اجتماع منتشر می‌شود. در حقیقت اگر اهمیت موضوع و ابهامات نباشد، شایعات نه تولید می‌شود و نه انتشار می‌یابد. بنابراین، این دو ویژگی اهمیت و ابهام از مهم‌ترین عناصر تولید و انتشار شایعات است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾<sup>۲</sup>

کسانی که دوست دارند زشتکاری در میان آنان که ایمان آورده اند شیوع پیدا کند برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پر درد خواهد بود و خدا [است که] می‌داند و شما نمی‌دانید

همچنین در سوره احزاب آیه ۶۰ می‌فرماید:

﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا﴾

اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان مرضی هست و شایعه افکنان در مدینه [از کارشان] باز نایستند تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم تا جز [مدتی] اندک در همسایگی تو نپایند.

«مرجفون» همان بیهودگان و کسانی هستند که سخنه‌های دروغ و بی‌اصل و خبرهای نادرست و شایعات را در اجتماع به قصد تزلزل روانی

۱ لغت نامه، دهخدا، ج ۹، ص ۱۲۴۳۵، «شایعه»: از معجم الوسیط

۲ النور، ۱۹



مردم پخش می‌کنند. شایعات و اراجیف در زمان بحران‌ها و خطرات بیشتر از دیگر زمان‌ها است؛ از همین رو گفته‌اند: «اذا وقعت المخاويف كثرت الارجاف»؛ (هر گاه خوف و ترس پیش بیاید، اراجیف (شایعات) زیاد می‌شود)

اسلام همواره به انسان توصیه می‌کند تا درباره آن چه به آن یقین و علم ندارد، زبان نگشاید همچنان که می‌فرماید:

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»<sup>۱</sup>

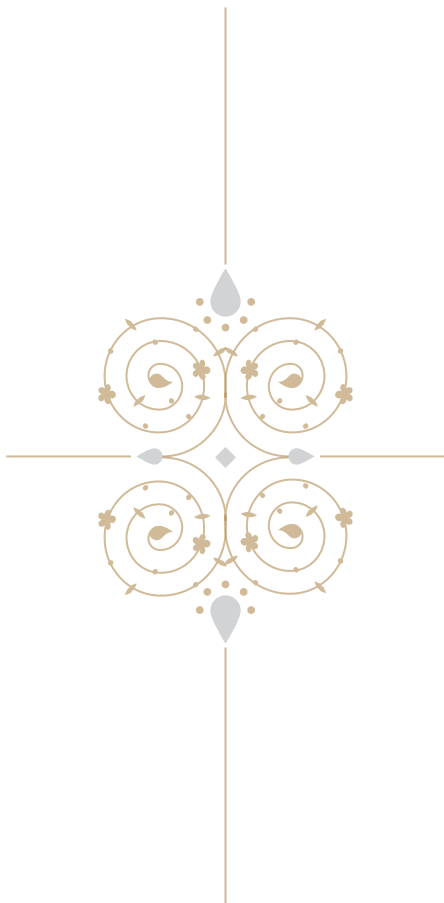
(و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن زیرا گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد)

امروزه شایعه یکی از مهمترین حربه‌های دشمن و مهمترین ابزار جنگ روانی در می‌دان مقابله با نظام اسلامی است و غفلت در این زمینه و کنترل نشدن وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی در برابر شایعات می‌تواند خسارات جبران ناپذیری به اعتقاد و اعتماد مردم وارد سازد. شایعه سازان اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند که به دلیل اهمیت و فراگیری در زمان حاضر به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد.



جلسه دوم

انسجام اجتماعی



## مقدمه

اگر سوال شود که در تمام قرآن کدام مفهوم است که مغفول واقع شده و کمتر به آن توجه شده به این معنا که در جامعه کمتر دیده می شود و اتفاقاً همان مفهوم حلقه مفقوده تا ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است باید گفت مفهومی است به نام سلوک یا انسجام اجتماعی است کما اینکه در نامه امام زمان علیه السلام به شیخ مفید آمده است:

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُسَاهَدَتِنَا

اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می شدند، می منت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می گشت،

تمثیل: مثل ما در یک جامعه مثل آن دانه های زنجیری است که اگر از بهترین جنس ممکن هم ساخته شده باشند ولی بهم گره نخورده باشند نمی توانند سبک ترین اجسام را هم بکشند بلکه وقتی می شود

با دانه‌های زنجیر جسمی را کشید که در هم تنیده و به هم گره خورده باشند.

آنچه که ما برای رسیدن به جامعه آرمانی و تحقق فرج امام زمان عجل الله تعالی نیازمند آن هستیم انسجام اجتماعی است که اگر در هر جامعه‌ای شکل بگیرد از هر سختی و بحرانی می‌شود عبور کرد.

همانطور که وجود انسجام اجتماعی درمان بسیاری از دردها و عبور از بحران‌هاست نبود آن هم می‌تواند بحران آفرین و منشا گرفتاری‌های فراوان باشد.

### گسست مردم و غربت مرجعیت

در تاریخ پرفراز و نشیب کشور عراق زمانی را مشاهده می‌کنیم که صدام در برنامه زنده تلویزیونی و جلو چشم هزاران تماشاگر مسلمان مرجع عالی قدر تشیع مرحم آیت الله خوئی را حاضر می‌کند و سیلی به صورت این عالم بزرگوار می‌زند و ایشان را زندانی می‌کند اما هیچ صدایی از کسی به اعتراض بلند نمی‌شود که چرا به ساحت مرجعیت شیعه اهانت شده است؟! عراقی که کشور مسلمان است و بسیاری از مردم مقلد آیت اله خوئی و دارای حوزه علمیه و علماء فراوان منتهی کسی صدایش به حمایت از مرجعی چون آیت الله خوئی بلند نمی‌شود تا اینکه حضرت آیت الله خامنه‌ای که رئیس جمهور وقت جمهوری اسلامی ایران بودند پیغام می‌فرستند به صدام که اگر آیت الله خوئی آزاد نشود جنگنده‌های ما ظرف یک هفته وارد عراق خواهند شد و صدام مجبور می‌شود این عالم بزرگوار را آزاد کند.<sup>۱</sup>

### اهمیت انسجام اجتماعی در قرآن

در اهمیت انسجام اجتماعی همین بس که ۷۶ مرتبه در قرآن کلمه امت، ۳۴۸ مرتبه واژه قوم، ۷۰ مرتبه واژه اصحاب، ۱۹ مرتبه کلمه طایفه



که همه واژه‌هایی دال بر جمع به کار رفته است که نشان از اهمیت اجتماع دارد

حال که متوجه شدیم انسجام اجتماعی از چه می‌زانی از اهمیت برخوردار است و چه آثار مهمی دارد باید به راهکارهای تحقق آن در جامعه بپردازیم

### راهکارهای تحقق انسجام اجتماعی

#### ۱. تقویت محبت طرفینی

مهمترین عنصر در ایجاد انسجام و پیوندهای اجتماعی، تقویت محبت بین آحاد امت اسلامی است. اگر این محبت ایجاد شود یقیناً خدمات متقابل مومنین به یکدیگر نیز افزایش پیدا می‌کند و اقدامات مومنان به مردم نسبت به یکدیگر نیز افزایش پیدا خواهد کرد و نهایتاً جامعه به سعادت خواهد رسید

خداوند متعال در قرآن کرم این اصل محبت طرفینی را اینگونه تبیین می‌کند: **وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ**<sup>۱</sup>

مردان و زنان مسلمان دوستان و یاوران همدیگرند: امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را با آدابش می‌خوانند، صدقه می‌دهند و از خدا و رسولش پیروی می‌کنند. به همین زودی‌ها خدا از لطف خودش برخوردارشان می‌کند؛ چون خدا شکست‌ناپذیر کار درست است.

برای تقویت محبت طرفینی باید:

اولاً مردم را عیال خداوند بدانیم تا خدمت به آنها در ما توقع جبران و تشکر ایجاد نکند.

ثانیا خدمت به مردم را راه رسیدن به خدا بدانیم تا به خدمت رسانی به چشم عبادت نگاه کنیم

این دو نکته را پیامبر اکرم در روایتی به زیبایی بیان کرده است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْخُلُقُ عِيَالُ اللَّهِ فَأَحَبُّ الْخُلُقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ وَادْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُورًا.<sup>۱</sup>

خلق عیال خدا هستند و محبوبترین آنها نزد خدا کسی است که بعیال خدا سود دهد، و بخانواده ای شادی رساند

## ۲. تعاون

یکی از راهبردی ترین دستورات قرآن کریم برای داشتن جامعه سالم و رسیدن به انسجام اجتماعی دستور به تعاون است.

...تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى<sup>۲</sup>

باید به یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید. و این یک دستور همگانی و فراگیر است.

علامه طباطبایی درباره این آیه می فرماید: «هذا أساس السنة الإسلامية».<sup>۳</sup>

علاوه بر اینها اهمیت تعاون را در کلام فقها اینطور می شود دید که قاعده تعاون را قاعده استحبابی و برخی آن را وجوبی دانسته اند.<sup>۴</sup>

عون در ریشه به معنای کمک کردن است<sup>۵</sup>؛ و در معنای تعاون گفته شده است: «تَعَاوُنًا: أَعَانَ بَعْضُنَا بَعْضًا»<sup>۶</sup>. تعاون شامل مشارکت

۱ الکافی ، جلد ۲ ، صفحه ۱۶۴

۲ مانده آیه ۲.

۳ سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۶۳.

۴ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، ج ۲۱، ص ۳۹۴.

فراهِیدی، کتاب العین، ج ۲، ص ۲۵۳



مستقیم و غیر مستقیم (تمهید مقدمات) در یک کارخیز، می‌شود. در نتیجه تعاون یک فرهنگ است؛ نه فقط یک امر شخصی. تعاون و همکاری در انجام کارهای نیک یک راهبرد تمدنی است.

### تعاون عاطفی

جوانی بود که ۵ نفر از اعضای خانواده اش را در یک حادثه ای از دست داد، اینقدر اشک ریخته بود که داشت به جنون می‌رسید و هیچ کسی هم نمی‌توانست باعث آرامش او شود، خادم مرحوم شهید صدر نقل می‌کند: این جوان آمد خدمت مرحوم شهید سید محم باقر صدر و نشست و شروع کرد با اقا صحبت کردن.

شهید صدر مقداری در مورد مرگ توضیح دادند، بعد فرمودند پدرت را از دست داده ای من پدرتو هستم، برادرت را از دست داده ای این پسر من برادرتتو خواهد بود.

وقتی این جوان از خانه شهید صدر بیرون آمد یه حالت ابتهاج و خوشحالی در او ایجاد شده و آرام شده بود. شهید صدر گفت: ما که نمی‌توانیم مرده اش را زنده کنیم، همین مقدار که به او کمک کردیم می‌شود مصداق **تعاونوا علی البر والتقوی**.

### تعاون اقتصادی

یکی از نمونه‌های بارز عمل به این آیه ی شریفه، ماجرای شعب ابی طالب است که با وجود تحریم‌های سختگیرانه ی مشرکین، از بزرگ‌ترین بزرگ حمایت از امام حق و ایستادگی بر سر ارزش‌های اسلامی بود؛ دست نکشیدند و در این مسیر نیز به یکدیگر کمک می‌کردند.

«شعب ابی طالب، دوران بسیار سختی در تاریخ صدر اسلام است؛... شما فکرتان را بکنید! در مکه، روزها هوا گرم و شبها بی‌نهایت سرد بود؛ یعنی وضعیتی غیر قابل تحمل. این‌ها سه سال در این بیابانها زندگی کردند. چقدر گرسنگی کشیدند، چقدر سختی کشیدند، چقدر محنت



بردارند، خدا می‌داند. یکی از دوره‌های سخت پیامبر، آنجا بود. پیامبر اکرم در این دوران، مسئولیتش فقط مسئولیت رهبری به معنای اداره‌ی يك جمعیت نبود؛ باید می‌توانست از کار خودش پیش اینهایی که دچار محنت شده‌اند، دفاع کند.<sup>۱</sup>

شب تا صبح بچه‌ها از گرسنگی گریه می‌کردند که صدای گریه‌ی بچه‌ها از توی شعب ابی طالب به گوش کفار قریش می‌رسید و ضعفاى آن‌ها هم دلشان می‌سوخت؛ اما از ترس اقویا جرئت نمی‌کردند کمک کنند. اما مسلمان که بچه‌اش در مقابلش پرپر می‌زد - که چقدر در شعب مردند، چقدر بیمار شدند، چقدر گرسنگی کشیدند - تکان نخورد. امیر المؤمنین به فرزند عزیزش محمد بن حنفیه فرمود: «تزل الجبال ولا تزل»؛ کوه‌ها ممکن است تکان بخورند؛ از جا کنده شوند؛ تو از جا کنده نشو.<sup>۲</sup>

در چنین شرایط سختی مؤمنان در بین خودشان «رحماء بینهم» هستند، «اینجا باید دل داد و دل گرفت. اینجا باید باهم با تعاطف رفتار کرد.»<sup>۳</sup>

مثل آن می‌وه فروشی که می‌وه‌هایش را به قیمت خرید یا با سود بسیار کم می‌فروشد، یا نانوايي که که ساعت بیش تری برای پخت نان صرف می‌کند، یا پزشکی که اعلام آمادگی می‌کند تا به صورت رایگان مجروحان جنگی را مداوا می‌کند، یا جوانی که در خرید به همسایگان مسن کمک می‌کند، یا همکاری مردم با نیروهای امنیتی برای پیدا کردن منافقین و مزدوران دشمن، یا تلاش‌هایی که برای ایجاد آرامش و امید در جامعه صورت می‌گیرد و... همه و همه نمونه‌هایی از تعاون و عمل به این آیه شریفه می‌باشد.

۱ خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۲۰، صفحه: ۶

۲ خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۱.

۳ خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۲۰، صفحه: ۶.



بزرگ ترین مصداق برّ، حمایت و همراهی با امام حق است. هر آنچه به تحقق این هدف کمک کند، مصداق آیه «و تعاونوا علی البرّ و التّقوی» است.

### عدم تعاون در گناه و ظلم

خداوند متعال بعاز صدور دستور تعاون بلافاصله می فرماید: و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان.  
در ظلم و گناه به یکدیگر کمک نکنید.

### حتی نماز خواندن ممنوع

وقتی رضاخان پهلوی به درک واصل شد پسرش محمد رضای پهلوی، قصد داشت جنازه پدرش را از جزیره موریت بیاورد بعد نامه ای نوشت به آیت الله بروجردی (رحمه الله علیه) که کسی را بفرستید تا به جنازه پدرم نماز بخواند ( رضا خانی که توی مسجد گوهرشاد ۱۷ تا کامیون شهید به واسطه جنایاتش بر جای گذاشت ) مرحوم آیت الله بروجردی با شجاعت و اقتدار تمام فرمودند: که ما به جنازه پدر شما نماز نمی خوانیم.

تولیت وقت حرم حضرت معصومه سلام الله علیها آمد محضر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و گفت اقا من به اعلی حضرت قول داده ام که شما بر پدرشان نماز می خوانید، ایشان فرمودند که بیجا قول داده اید، من به همچین ادم فاسدی نماز بخوانم؟

وقتی مرجع بزرگ تشیع آیت الله العظمی بروجردی با صراحت و قاطعیت فرمودند که من نماز نمی خوانم محمد رضا شاه پیام داد به آیت الله حجت کوه کمره ای. که آقا شما نماز بخوانید، ایشان فرمودند: هر وقت اقای بروجردی آمد من هم می آیم.

بعد هم مرحوم آیت الله بروجردی به عنوان زعیم شیعه و حوزه های علمیه فوراً پیام دادند به همه حوزه های علمیه که باید فردا تعطیل



بشود تا کسی نتواند در نماز بر جنازه رضاخان شرکت کند.

باید توجه داشت که این دستورات و راهکارهای قرآن جهت ایجاد انسجام اجتماعی همیشه باید سر لوحه مردم باشد و همانطور که همیشه به دوستان و هموطنان خود کمک می‌کنند از عمل و رفتار و بیان حرفی که مصداق اعانه به ظلم و ظالم و گناه و گناه کار شود پرهیز کنند که در شرایط جنگ حق و باطل که امروز در تقابل کشور عزیزمان جمهوری اسلامی ایران با رژیم جعلی و غاصب و جنایتکار صهیونی در حال جریان است گران کردن کالاها، احتکار و انتشار اخبار جعلی و دامن زدن به شایعه و ایجاد هراس در دل مردم و هر نوع تاییدی نسبت به دشمن ممنوع بوده و مورد مذمت قرآن قرار گرفته است.

### ۳- تمرکز بر اشتراکات

انسجام اجتماعی نیاز به نقطه اشتراک و محور دارد، محور می‌تواند منافع ملی، اعتقادات مذهبی، اصول اخلاقی یا دشمن مشترک باشد

شیعیان امیر المومنین حول محور ولایت اهل بیت علیهم السلام

عزاداران حسینی حول محور حب الحسین علیه السلام

مسلمانان عالم حول محور حب الرسول صلی الله علیه و آله

ایرانیان در همه جای دنیا حول محور حب الوطن

انسجام پیدا کنند.

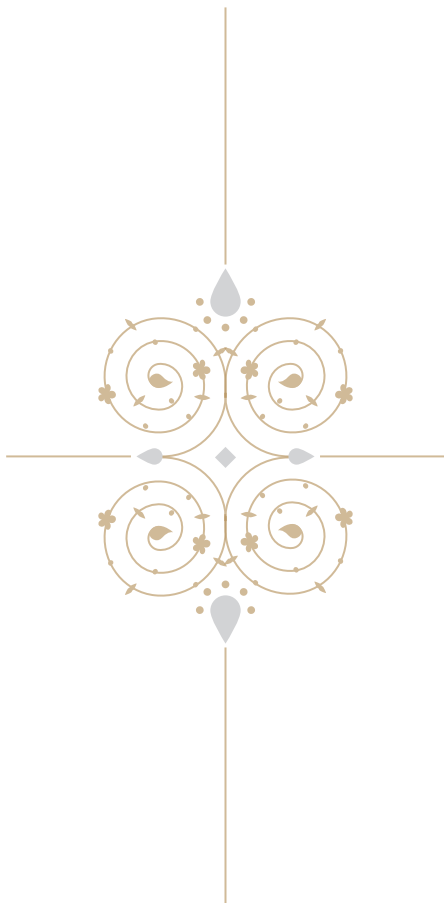
امروزه رژیم کودک کش اسرائیل می‌تواند به عنوان دشمن مشترک بین همه آزادی خواهان جهان، بین مسلمانان، بین شیعیان و بین ایرانیان عامل انسجام تلقی گردد

چه اینکه دشمنی اش با طبیعی ترین اصول اخلاقی مانند ترحم به کودکان، قطعی ترین اصول مکتب و مذهب و تجربه حملات مکرر به خاک می‌هنمان ایران قابل اثبات است.



جلسه سوم

تواصی



## مقدمه

یکی از مفاهیم مهم دینی که امروزه در این شرایط جنگ بسیار لازم و ضروری است بیش از گذشته در بین مردم رواج پیداکنه و برای احیای این مفهوم باید تلاش جدی کنیم مفهوم مهم و پر معنای تواصی است که: جامعه اسلامی هم وقتی محقق می‌شود که مختصات یک آرمان‌شهر در جامعه پیاده شود. طبیعتاً این نیاز به یک فرآیند دارد یعنی ما قدم به قدم باید ارزش‌های اسلامی را در جامعه پیاده کنیم.

معنای تواصی به جهت لفظی توصیه به یک چیز است، تواصی یعنی اینکه ما به دیگران روحیه بدهیم، حق را با صدای بلند به دیگران بگوییم، این زنجیره هم قطع نشود و ادامه پیدا کند تا انسان‌ها احساس تنهایی نکنند

به عبارت دیگر، تواصی یعنی افراد به یکدیگر توصیه کنند که در راه حق ثابت قدم باشند و در برابر مشکلات صبور باشند این مفهوم در آیات قرآن نیز به کار رفته است، به عنوان مثال در سوره والعصر: **وَالْعَصْرِ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ** اصل اول «ایمان» است که زیربنای همه فعالیت‌های انسان را تشکیل می‌دهد.



اصل دوم «اعمال صالح» است. ایمان و اعمال صالح تداوم نمی‌یابد، مگر این که از یک سو دعوت به حق و معرفت صورت پذیرد و از جانب دیگر، در طریق اجرای این دعوت به صبر توصیه شود.

به دنبال این اصول، دو اصل دیگر (تواصی به حق و تواصی به صبر) است.<sup>۱</sup>

در اصل سوم قرآن (تواصی به حق) دعوت همگانی به حق اشاره شده است. تواصوا از ماده تواصی بدان معناست که بعضی، برخی دیگر را به حق سفارش کنند. حق به معنای واقعیت یا مطابقت با واقع است<sup>۲</sup> و جمله «تَوَاصُوا بِالْحَقِّ» معنای بسیار وسیعی دارد که امر به معروف و نهی از منکر... را نیز شامل می‌گردد.

اصل چهارم (صبر) به سفارش کردن یکدیگر پرداخته است، چرا که بعد از شناخت، هر کس در مسیر عمل با موانعی روبه‌روست؛ اگر استقامت نداشته باشد نمی‌تواند حقی بستاند و عمل صالحی انجام دهد، یا ایمان خود را حفظ کند. صبر در اینجا نیز معنای گسترده‌ای دارد که صبر بر اطاعت، صبر در برابر انگیزه‌های معصیت و صبر در مورد مصائب را شامل می‌شود<sup>۳</sup>.

با توجه به این اصول چهارگانه، روشن می‌شود که چرا در روایات آمده است: وقتی اصحاب و یاران پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به یکدیگر می‌رسیدند پیش از جدا شدن سوره عصر را خوانده، محتوای بزرگ این سوره کوچک را یادآور می‌شدند، سپس با یکدیگر خداحافظی کرده به سراغ کار خود می‌رفتند<sup>۴</sup>.

۱ ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۰۰

۲. همان، ص ۳۰۲

۳ محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۵۷

۴ ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۰۲



## عرصه‌های تواصی

### الف) عرصه فردی

#### ● توصیه به تقوا

یکی از مولفه‌های مفاهیم اخلاقی تقواست. «تقوا» در اصل از ماده «وقایه»، به معنای نگهداری یا خویشتن‌داری است؛ از همین رو امام علی علیه السلام از «تقوا» به عنوان دژ نیرومند در برابر گناه یاد کرده است: «اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ التَّقْوَى دَارُ حِصْنٍ عَزِيزٍ». <sup>۱</sup> قرآن نیز تقوا را موجب رهایی از مهلکه می‌داند: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا...» <sup>۲</sup> و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند.

#### ● توصیه در حفظ معنویت

چه بسا انسانی به مراتبی از ایمان رسیده و توفیق حسنات و صالحات و کسب فضایل اخلاقی را هم یافته است اما در حفظ آنها موفق نباشد. مانند ابلیس و بلعم باعورا و بسیاری از شخصیت‌های صدر اسلام مانند طلحه و زبیر که ابتدا کارنامه موفق داشتند اما در پایان کار پرونده‌ای سیاه از خود برجا گذاشتند! قرآن کریم در بعضی از آیات به جای عمل و انجام دادن از «جاء به» یعنی آوردن استفاده کرده یعنی کسی که بتواند حسنه‌ای را تا روز قیامت و روز حساب با خود بیاورد از پاداش برخوردار می‌شود نه صرف انجام دادن! «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا» <sup>۳</sup> هر کس کار نیکی بجا آورد، ده برابر آن پاداش دارد.»

### بسی‌نام‌نیکوی پنج‌سال

#### که یک‌نام‌زشتش کند پایمال

بر این اساس حفظ معنویت، مانند به دست آوردن آن سخت است؛ زیرا انسان همیشه در معرض لغزش قرار دارد و نفس اماره او را به گناه

۱ محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۲۲۱

۲ طلاق ۲

۳ آل عمران ۱۶۰



می خواند: «وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۱</sup> من هرگز خودم را تبرئه نمی‌کنم، که نفس (سرکش) پیوسته به بدیها امر می‌کند؛ مگر آنچه را پروردگارم رحم کند! پروردگارم آمرزنده و مهربان است». از این رو، آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام همواره به حفظ معنویت تاکید می‌کند

عزیزان من! بعضی از سرمایه‌های معنوی، با همه ارزشی که دارند، نیازمند حفظ کردنند؛ مثلاً محبت را باید حفظ کرد، مثل گیاهی است که اگر به آن نرسیدید، از دست خواهد رفت. ایمان از این قبیل است. ایمان را باید حفظ کنید.... حفظ این گوهر، با تواصي به حق و تواصي به صبر است

#### ب) عرصه خانوادگی

در آموزه‌های دینی، خانواده سنگ بنای جامعه است که فرد را به جامعه و نسل‌ها را به یک‌دیگر مرتبط می‌سازد؛ همان‌گونه که در زندگی اجتماعی، انسان‌ها بدون یاری نمی‌توانند نیازهای زیستی و روانی خود را برآورده سازند و این امر، بایستگی کارکرد مراقبتی خانواده را روشن می‌کند. رهبر معظم انقلاب به اصول مهمی توصیه کرده اند که نقش بنیادی در شکل‌گیری و استحکام خانواده دارد و از آن جمله است:

#### ● توصیه زوجین در تأمین خوشبختی

دورکن اساسی خانواده را زوجین تشکیل می‌دهند که اگر با مهارت‌های زندگی و اصول همسرمداری آشنایی داشته باشند، سعادت خانواده تأمین می‌شود. از این رو، شوهرمداری نیازمند مهارت و آشنایی با اصول همسرمداری است. زنی که بخواهد شوهرمداری کند، باید با به دست آوردن دل همسرش، وی را به کارهای خوب تشویق و از اعمال بد منع کند؛ زیرا خداوند قدرت فوق‌العاده‌ای به زن داده و سعادت و



خوش بختی و بدبختی خانواده در دست اوست. زن می‌تواند خانه را به بهشت تبدیل کند و نیز می‌تواند آن را به صورت جهنمی سوزان درآورد. او می‌تواند شوهرش را به اوج ترقی برساند یا به خاک سیاه بنشاند.<sup>۱</sup> چنانکه شوهرداری بزرگ‌ترین وظیفه یک بانوست، همسرداری نیز، بزرگ‌ترین عمل یک مرد همسر دار بوده و راز سعادت‌مندی خانواده می‌باشد. البته همسرداری رموزی دارد که اگرانسان بدان آشنا باشد، می‌تواند همسرش را به صورت یک بانوی ایده‌آل و فرشته رحمت درآورد که با عشق خانه‌داری کند<sup>۲</sup>

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب علیه السلام زن و شوهر می‌توانند با بهره‌گیری از «توأصی به حق» «و توأصی به صبر»، سعادت و خوشبختی همدیگر را فراهم کنند:

ازدواج و اختیار همسر، گاهی در سرنوشت انسان مؤثر است. خیلی از زن‌ها هستند که شوهران‌شان را بهشتی می‌کنند.

خیلی از مردها هم هستند که زن‌هایشان را بهشتی می‌کنند؛ عکس آن هم هست...<sup>۳</sup> ...مراقب خودمان باشیم. نزدیکان افراد مراقبت کنند؛ زن‌ها از شوهرهایشان، شوهرها از زن‌هایشان، دوستان نزدیک از همدیگر: **وتواصوا بالحق وتواصوا بالصبر**

#### ● توصیه زوجین در امر دین‌داری

دین‌داری، شاخصه‌ای است که همه ارزش‌های دیگر را با خود به درون زندگی منتقل می‌کند. مرد با ایمان هرگز به همسرش ظلم و ستم نمی‌کند. زن دین‌دار هم عفت خود را حفظ کرده، در اموال شوهرش خیانت نمی‌کند و اسرارخانه را فاش نمی‌سازد. روایت شده که مردی

۱ ابراهیم امینی، آیین همسر داری، ص ۲۶

۲ همان، ص ۲۸.

۳ ۸۶/۰۸/۱۹۳



خدمت امام حسن علیه السلام رسید تا با ایشان درباره ازدواج دخترش مشورت کند، امام فرمود: «او را به همسری مردی تقوایشه درآور؛ زیرا اگر او را دوست داشته باشد، اکرام و احترامش می‌کند و اگر بر او خشم گیرد، ستم نخواهد کرد»<sup>۱</sup>

از دیدگاه رهبر فرزانه انقلاب علیه السلام همدلی در خانواده اهمیت زیادی دارد:

... همدلی و همکاری کردن، معنایش این است که همدیگر را در راه خدا حفظ کنید. تواصی به صبر و تواصی به حق کنید. اگر خانم خانه می‌بیند شوهرش دارد دچار یک انحرافی می‌شود... اول کسی که باید او را حفظ کند، اوست؛ اگر متقابلاً مرد این احساسها را به نوع دیگری از زنش کرد، اولین کسی که باید زن را حفظ کند شوهر اوست»<sup>۲</sup>

همسر شهید مصطفی چمران درباره دلدادگی او به خداوند و اوج بندگی‌اش در محیط خانه می‌گوید:

خیلی دوست داشتم در نمازهای واجب به او اقتدا کنم، اما مصطفی می‌گفت: «تو نمازت را بخوان. پشت سر من نماز بخوانی، نمازت خراب می‌شود»؛ اما من نمازهایم را پشت سر مصطفی می‌خواندم، نمازش که تمام می‌شد، به سجده می‌رفت و صورتش را به خاک می‌مالید و گریه می‌کرد. خیلی سجده‌هایش طولانی می‌شد. هر شب از نیمه‌های شب تا اذان صبح، به نماز شب و تهجد مشغول بود. گاهی که دلم طاقت نمی‌آورد و به او می‌گفتم: «بس است دیگر؛ کمی استراحت کن»؛ در جواب می‌گفت: «تاجر اگر از اصل سرمایه‌اش خرج کند، ورشکست می‌شود. باید سود به دست آورد تا زندگی‌اش بگذرد. ما هم اگر قرار باشد نماز شب نخوانیم، ورشکست می‌شویم»<sup>۳</sup>

۱ حسن بن طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۰۴

۲ ۶۸/۰۵/۱۸۲ دیدار اعضای هیئت دولت

۳ رضا آبیاری، همسران زمینی سرداران آسمانی، ص ۱۷-۱۸



## ج) عرصه اجتماعی و سیاسی

## ● توصیه به نصیحت و خیرخواهی

در اسلام، همه انسان‌ها در مراقبت و حمایت از یکدیگر مسئول اند و این مسئولیت اجتماعی بر عهده همه اعضای جامعه اسلامی نهاده شده است. پیامبر ﷺ فرمود: «هر یک از شما همان گونه که خیرخواه خویش است، باید خیرخواه برادرش نیز باشد»<sup>۱</sup> البته این خیرخواهی بایستی هم درباره افراد عادی و هم مسئولان صورت گیرد؛ همان طور که مقام معظم رهبری نخست به خیرخواهی درباره افراد جامعه توصیه کرده است:

... شما برادر مؤمن من هستی. یک چیزی را به مصلحت شما می‌دانم، می‌گویم به شما. این اشکالی که ندارد ظاهراً. چیز خوبی است. لازم هم هست شرعاً. لازم هم هست خیرخواهی. «التَّصِيحَةُ لِلْمُؤْمِنِينَ» یا «لِلْإِخْوَةِ الْمُؤْمِنِينَ» یا «لِلْأُمَّةِ الْمُؤْمِنِينَ» در همهٔ صور. این یک چیزی خوبی است دیگر. انسان باید نصیحت کند

رهبر معظم انقلاب به خیرخواهی و نصیحت مردم درمورد مسئولان نیز توصیه کرده است؛ زیرا نصیحت مسئولان از آن جهت ضرورت دارد که کارگزاران مصون از خطا نیستند و نظارت بیرونی می‌تواند درصد خطا و فساد مسئولان را کاهش دهد. حضرت علی علیه السلام نظارت و نصیحت مسئولان را از حقوق مدنی مردم می‌داند؛ آنجا که می‌فرماید:

ای مردم، همان گونه که من بر شما حقی دارم، شما نیز بر من حق دارید... و اما حق من بر شما آن است که در پیمان خود نسبت به ولی امر وفادار باشید، و در کاستی‌ها و ناهمگونی‌ها که أحياناً پیش می‌آید، خالصانه پیش قدم شوید، در حضور و غیاب دولت مردان در رفع و تذکر دادن به مسئولین مربوط بکوشید<sup>۲</sup>

۱ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۰۸

۲ محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۸۰



بر این اساس، آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام می‌فرماید: «از یکدیگر مراقبت کنیم، برای اینکه دچار لغزش نشویم. مردم مسئولین را موعظه کنند، نصیحت کنند، خیرخواهی کنند، بنویسند برای آنها، بگویند برای آنها، پیغام بدهند تا مبادا دچار لغزش بشوند»<sup>۱</sup>

### ● توصیه مسئولان به تقوا

تقوا از بایستگی‌های زندگی مؤمنانه است؛ اما این امر برای مسئولان نظام، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مسئولان نقش بنیادی در اصلاح و فساد جامعه دارند؛ همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتِ أُمَّتِي وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَتِ أُمَّتِي؛ دو گروه از امت من هستند که اگر اصلاح شوند، امتم اصلاح می‌شود و اگر فاسد گردند، امت فاسد می‌گردد. گفته شد که آن دو گروه کدامند و حضرت پاسخ دادند: **الْفُقَهَاءُ وَالْأُمَرَاءُ**<sup>۲</sup> فقیهان و امیران.

رهبر معظم انقلاب نیز، همواره بر پارسایی مسئولان تأکید می‌کند:

از جمله جاهایی که تقوا باید خودش را نشان بدهد اینجا است؛ یکی مسئله رعایت بیت‌المال است، یکی مسئله خویشتن‌داری در برابر طغیان نفس است... که ما مسئولین جمهوری اسلامی باید خیلی مراقب باشیم... لغزشها انسان را فاسد می‌کند این علاجش هم مراقبت از خود است. مراقبت از خود هم، یعنی همین تقوا. بنابراین، علاجش تقواست. مراقب خودمان باشیم. نزدیکان افراد مراقبت کنند... دوستان نزدیک از همدیگر: **وتواصوا بالحق وتواصوا بالصبر**

### ● توصیه به خوب ماندن و خوب عمل کردن مسئولان:

حقیقت این است که مسئولیت یک فرصت است؛ فرصتی که انسان می‌تواند با کار کردن برای خدا و خلق خدا زمینه سعادت دنیا و آخرت

۱ خطبه‌های نماز جمعه ۸۸/۰۶/۲۰

۲ حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۰



خود را فراهم کند و نام نیک از خود باقی بگذارد. این امر، می‌سرنیست، مگر اینکه قدرت و ثروت در مسیر صیانت از دین، خدمت برای مردم، عدالت و کرامت انسانی قرار گیرد؛ همان‌گونه که امام علی علیه السلام در نامه به اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان، از حکومت به عنوان امانت<sup>۱</sup> یاد کرده، حکومت را ابزاری برای عملیاتی کردن دستورات دین دانست<sup>۲</sup> خوب ماندن در این است که مسئول با انجام دادن عمل صالح به وعده‌های خود عمل کند؛ زیرا خوب ماندن و خوب عمل کردن، محبوبیت اجتماعی و دعای خیر مردم و جلب رضایت خدا را در پی دارد؛ از این رهبر فرزانه انقلاب همواره مسئولان را به «ذخیره عمل صالح» توصیه می‌کند:

... این اعمال خوب چیست؟ همان عمل صالح است: «...إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»؛ از فرصت<sup>۳</sup> زودگذر، حداکثر استفاده را بکنید و برای مردم کار کنید تا بتوانید هم رضای الهی را کسب کنید... و هم البته نام نیک دنیوی و مردمی را کسب کنید و مردم بگویند خدا پدرش را بیامرزد

متأسفانه امروزه چه بسا مسئولانی بودند و هستند که در آغاز مسئولیت انسان ساده‌زیست، باتقوا و مردم‌دار بودند، اما عطش قدرت و ثروت مانع خوب ماندن اینان گردیده است؛ به گونه‌ای که گویا یادش رفته است این مسئول، همان انسانی است که با شعار مردم‌داری، اخلاق‌مداری و خدمت‌گزاری بر مسند قدرت قرار گرفته بود.

بر همین اساس، رهبر فرزانه انقلاب همواره به مسئولان توصیه می‌کند خوب بمانند و جذب صاحبان ثروت و قدرت نشوند: «...اما خوب بودن یک مسئله است، خوب ماندن یک مسئله دیگر است؛ باید سعی کنیم خوب بمانیم. همه ما در معرض اشکال هستیم، ممکن است خدای نکرده لغزشی برایمان پیش بیاید... بایستی مراقبت کنیم؛ هم خودمان

۱ محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۳۶۶

۲ همان، ص ۱۸۹



از خودمان مراقبت کنیم، هم «وَتَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ...»<sup>۱</sup>. رهبر انقلاب در بیاناتی دیگر خطاب به نمایندگان مجلس فرموده است:

... یک مسئله دیگر هم نزدیک شدن به صاحبان قدرت و ثروت است؛ این را ما با شما بی‌رودربایستی عرض کنیم. بالاخره ما برادران هم هستیم؛ همدیگر را بایستی تواصی به حق و تواصی به خیر کنیم. این خیلی خطر بزرگی است که کسی به خاطر تأمین نمایندگی در یک دوره، نزدیک بشود به صاحبان ثروت یا به صاحبان قدرت...<sup>۲</sup>

● توصیه به صبر در مبارزه با استکبار

یکی از شاخصه‌های مهم انقلاب اسلامی، استکبارستیزی است. استکبارستیزی با هویت انقلاب اسلامی درآمیخته است، به طوری که در صورت کنار گذاشتن آن، انقلاب دستخوش دگردیسی هویتی خواهد شد. روحیه استکباری و اهداف سلطه‌گرایانه از خصوصیات استکبار به‌ویژه آمریکاست و علت مخالفت ما با آمریکا نیز به دلیل این خصوصیت است. رهبر معظم انقلاب در این خصوص فرموده است: «آنچه ما با آن مخالفیم عبارت است از حاکمیت ظلم و طغیان و استکبار؛ «آمریکا» که می‌گوییم یعنی این؛ مخصوص آمریکا هم نیست. امروز البته قلّه طغیان و استکبار و طاغوت، آمریکاست»<sup>۳</sup>

بر این اساس، معظم له معتقد است مبارزه با آمریکا با استفاده از سه عنصر «بصیرت»، «تواصی به حق» و «تواصی به صبر» شکل می‌گیرد؛ اگر این سه اصل محقق شود: «دو عنصر مهم برای مواجهه با این دشمنی‌ها لازم است: یکی عبارت است از بصیرت و دومی، عبارت است از صبر و استقامت»<sup>۴</sup> خب اگر این دو خصوصیت وجود داشته باشد،

۱ دیدار مردم قم ۴۰۲/۱۰/۱۹

۲ همان

۳ جمع کارگزاران حج ۴۰۲/۰۲/۲۷

۴ محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۲۴۸

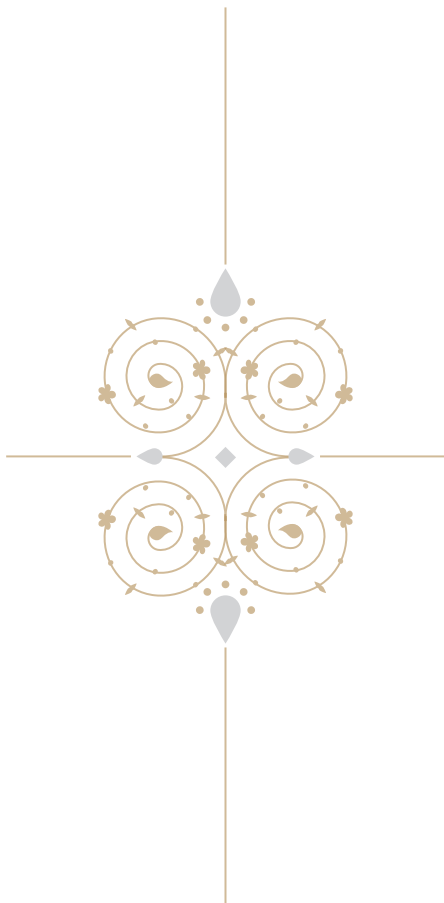


دشمن غالب نمی‌شود. یکی از راه‌هایی که این دو خصوصیت را بتوان در جامعه حفظ کرد، عبارت است از «تواصی»، همان که در سورهٔ والعصر هست: «وَتَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ» مردم یک‌دیگر را تواصی کنند. این زنجیرهٔ تواصی و توصیه کردن به یک‌دیگر [برقرار باشد]؛ هم توصیه به حق کنند، راه حق را تأکید کنند، هم توصیه به صبر بکنند... اگر چنانچه تواصی به صبر و تواصی به حق و بصیرت در جامعه وجود داشته باشد، این جامعه به آسانی دستخوش تحرکات دشمن نخواهد شد؛ اما اگر چنانچه این جریان تواصی که زنجیرهٔ محافظت مؤمنان است، قطع بشود، قطعاً خسارت خواهد رسید<sup>۱</sup>



جلسه چهارم

خودباوری در تقابل  
خودباختگی



## مقدمه

یکی از مهمترین عوامل موثر در زندگی، مساله ی اعتماد به نفس و خودباوری است، همان روحیه من می توانم و ما می توانیم. وقتی در می ان ملتی چنین روحیه ای وجود داشته باشد، آن ملت در سختیها نه احساس ناامیدی می کند و نه احساس بن بست.

تعریف: در اسلام، خودباوری به معنای ایمان به توانایی ها و استعدادهای خود و باور به این که می توان با تکیه بر این توانایی ها و توکل به خداوند، به اهداف و خواسته ها دست یافت، امری پسندیده و مورد تأکید است

این روحیه نشأت گرفته از ایمان راسخ به خداوند متعال و ارزشهای الهی است لذا «در صدر اسلام، رسول مکرم اسلام ﷺ و صحابه و نیز جانشینان بزرگوار ایشان توانستند با اتکای به خدا، يك تمدن عظیم تاریخی را پایه گذاری کنند. آنها هم در برابر قدرت های بزرگ زمان خود، علی الظاهر كوچك بودند؛ اما ایمان، به آنها قدرت بخشید و توانستند برای چندین قرن، عظمتی را در تاریخ ایجاد کنند. ما چرانتوانیم؟

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا أَنْتُمْ أَلَعَلَّوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»<sup>۱</sup>. شرطش ایمان است.<sup>۲</sup>

## راه‌های تقویت خود باوری

### ۱. تکیه بر داشته‌ها

یکی از راه‌های تقویت خود باوری تکیه بر داشته‌ها و دستاوردها و به اصطلاح نگاه کردن به نیمه پر لیوان می‌باشد هم چنان که یکی از راه‌های تحقیر نگاه کردن به داشته‌های دیگران و مقایسه کردن دائم با خود می‌باشد قران کریم می‌فرماید

وَلَا تَمْدَنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى<sup>۳</sup>

و هرگز چشمان خود را به نعمتهای مادی، که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم، می‌فکن! اینها شکوفه‌های زندگی دنیا است؛ تا آنان را در آن بیازماییم؛ و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: هر کس چشم به دست مردم داشته باشد، غم او طولانی گردد و غیظش باقی ماند<sup>۴</sup>

جرجی زیدان<sup>۵</sup> در کتاب تاریخ آداب اللغة العربية، نقش شیعه در بنای فرهنگ اسلامی را بسیار اندک شمرد. کتاب‌های تأسیس الشیعه نوشته سید حسن صدر، المراجعات الريحانية نوشته محمدحسین کاشف الغطاء و الذریعه اثر آقا بزرگ طهرانی در رد ادعای زیدان و ۲۵ جلد

۱. آل عمران: ۱۳۹.

۲ (۴۳/۱۲/۱۳۶۸) بیانات در دیدار با جمعی از ائمه‌ی جمعی کشورهای نامیبیا، موزامبیک، آفریقای جنوبی و لسوتو

۳ - سوره مبارکه طه/ ۱۳۱

۴ - تفسیر المیزان، ذیل آیه شریفه ولا تمدن عینیک

۵ - نویسنده و روزنامه‌نگار مسیحی لبنانی، مؤسس نشریه الهلال و نویسنده ۲۳ رمان تاریخی که درباره تاریخ اسلام و شیعه نیز آثاری از خود به جای گذاشت.



کتاب در دفاع از شیعه نگاشته شد<sup>۱</sup>

ما قبل از انقلاب چنین روحیه ای نداشتیم و مثلاً حضرت آقا در جایی اینگونه فرمودند که:

ما تقریباً بیش از دویست سال به این بلیّه مبتلا بودیم، تا قبل از انقلاب اسلامی. شنیده‌اید که وقتی بحث ملی شدن نفت مطرح شد که ایرانی‌ها نفت دارند و خودشان نفت را اداره کنند و مانند اینها، نخست‌وزیر دوره‌ی طاغوت در مقام انتقاد از این فکر میگفت که ایرانی‌ها بروند لوله‌نگ بسازند! لوله‌نگ را شماها ندیده‌اید؛ لوله‌نگ یعنی آفتابه‌ای که حتی با حلبی ساخته نمیشود، با گِل ساخته میشود. آن قدیمها، زمان نوجوانی و بچگی ما، هنوز لوله‌نگ بود؛ آفتابه‌ای که با گِل درست میشود. [میگفت] ایرانی‌ها بروند لوله‌نگ درست کنند! یعنی يك ملت را به اینجا میرسانند.

دارایی‌های امروز چیست؟

امروز می‌توانیم با توجه به داراسسهای خود در عرصه‌های مختلف به خودباوری برسیم

دارائیهای نظامی:

اردشیر زاهدی وزیر خارجه ایران، دامادشاه و آخرین سفیر ایران در آمریکا قبل از انقلاب می‌گوید:

به ایران افتخار می‌کنم که عمده چیزهایی را که نیاز دارد، بدون این که از خارج خریده باشد، با همت و تلاش و غیرت همین مهندسین جوان، برای خودش تهیه کرده است. زیردریایی و موشک و هر چه را که

۱ - الذریعة الی تصانیف الشیعة مشهور به الذریعة کتابشناسی شیعه به زبان عربی، نوشته آقابزرگ تهرانی است. این مجموعه ۲۵ جلدی به صورت الفبایی تدوین شده، شامل بیش از یازده هزار صفحه است و در آن بیش از ۵۳ هزار کتاب تألیفی و ترجمه از علمای شیعه در موضوع‌های گوناگون معرفی شده است



نیاز دارد، درست و این همه پیشرفت کرده است<sup>۱</sup>  
و در این بین اعتراف یوزی رابین<sup>۲</sup> به پیشرفت نظامی انقلاب اسلامی  
قابل توجه است

وی در سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۷) در مصاحبه‌ای با پایگاه ضدایرانی «ایران واچ»  
که اختصاصاً به موضوع برنامه موشکی بود گفت: موفقیت ایرانی‌ها  
خبر بدی برای خاورمیانه و جامعه بین‌الملل است، اما به عنوان یک  
مهندس، من به نشانه احترام کلاه از سر برمی‌دارم.

وی در جولای ۲۰۱۵ (۱۳۹۳) در مورد موشک کروز زمینی برد بلند  
سومار، گفت: این یک دستاورد بزرگ فنی است. این کپی‌کاری نیست.  
این حتی از طراحی یک موشک جدید دشوارتر است. من به احترام  
کسانی که این کار را کردند، کلاه از سر برمی‌دارم

و این همان حرفی است که رهبر معظم انقلاب هم فرمودند:

يك افسر برجسته‌ی صهیونیست گفته بود که من با ایران بدم اما در  
مقابل کسی که این موشک را به وجود آورده است - یکی از ده‌ها نوع  
موشکی را که به وجود آمده است گفته بود - به احترام بلند میشوم و  
کلامم را برمیدارم. این جوری در مقابل این کشور، در مقابل این ملت،  
در مقابل مقاومت او، در مقابل پیشرفت او، مغزهای سیاسی دنیا  
احساس تکریم میکنند.<sup>۳</sup>

۱- اعتماد، کد خبر ۴۰۶۰۵

۲- ژنرال بازنشسته نیروی هوایی ارتش رژیم صهیونیستی و از مهمترین چهره‌های صنعت موشک‌سازی  
رژیم صهیونیستی که چهار دهه در عالی‌ترین سطح طراحی و ساخت موشک‌های رژیم صهیونیستی  
فعال بوده

۳- خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ارمغان، صفحه: ۱۹، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب  
اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران -  
ایران، ۱۳۹۸، ه.ش.



دارائیهای علمی:

الان پزشکی کشور، ازجمله‌ی پیشرفته‌ترین پزشکی‌های دنیا است؛ ما از علوم روز دنیا و مرزهای دانش دنیا در پزشکی، چندان عقب‌ماندگی نداریم؛ خیلی نزدیکیم؛ در زمینه‌های دیگر هم همین‌جور؛ همین دانش هسته‌ای، دانش سلول‌های بنیادی، و کارهای بزرگی ازاین‌قبیل، فراوان است که ما پیشرفت‌های خیلی خوبی داشته‌ایم.<sup>۱</sup>

افزایش شش برابری داروهای نو ترکیب، افزایش صادرات کالا و خدمات دانش‌بنیان، اینها همه مربوط به سال ۹۰ است... اینها پیشرفت علمی است، پیشرفت فناوری است، نشان‌دهنده‌ی اقتدار علمی کشور است، اما دارای تأثیر مستقیم اقتصادی برای کشور است. جهاد اقتصادی یعنی این.<sup>۲۳</sup>

در زمینه‌ی سلول‌های بنیادی، جوان‌های ما توانستند با پیگیری، با پشتکار، با فراگیری، کارهای بزرگی را انجام بدهند. خب، اینها خیلی امیدبخش است.<sup>۴</sup>

داراییهای اقتصادی:

کیفیت بنای هندسه‌ی اقتصاد کشور، از دوران رژیم وابسته‌ی پهلوی، کیفیت غلطی بوده که تغییر دادن آن تا امروز، کار دشواری بوده است.<sup>۵</sup>

در ایران قبل از انقلاب، نه فقط از لحاظ اقتصاد زمان پهلوی، بلکه از لحاظ حتی پایه‌های اقتصادی که تا سالها بعد هم اثرش باقی ماند، بزرگ‌ترین خیانت را رژیم پهلوی به اقتصاد ایران کرده است!

۱. ایران را به انبار کالاهای وارداتی کم‌ارزش و بی‌فایده‌ی غربی تبدیل

۱۱۰- سخنرانی در جمع اساتید دانشگاه

۲- سخنرانی آغاز سال در حرم مطهر (۱۳۹۱/۱)



کردند؛ ابزارهای بنجل و چیزهای زیادی و غیر لازم را با پول‌های کلان خریدند!

۲. کشاورزی این کشور را که يك روز بکلی خودکفا بود، بکلی نابود کردند؛ به طوری که بعد از گذشت سالها هنوز هم که هنوز است، کشاورزی ما به حال اوّل برنگشته است، چون سیل مهاجرتها‌یی که با تشویق آنها به سمت شهرها به راه افتاد، چیزی نبود که به آسانی بشود جلوی آن را گرفت. ملت را از لحاظ کشاورزی، وابسته‌ی به بیگانه کردند؛ آن روز گندم ایران را از آمریکا می‌خریدند؛ سیلوی گندم را هم شوروی‌ها می‌ساختند! یعنی هم از لحاظ گندم، هم از لحاظ جای نگهداری گندم، وابسته بودند. آن روز روستاها را تخریب کردند.

۳. صنعت کشور را که وقت پیشرفت آن بود متوقف نگه داشتند؛ آن پیشرفتی که باید در صنعت پیش می‌آمد، برای اینکه بتواند جلوی واردات را بگیرد، ایجاد نشد؛ جلوی صنعت فعال در این کشور گرفته شد و آن صنعتی ترویج شد که وابستگی‌اش به خارج، به قدر کالاهای تولید شده یا حتی بیشتر بود.

۴. علم را متوقف کردند؛ آن همه دم از دانشگاه و دانشجو زدند، اما عملاً دانشگاه‌های کشور از کمترین فعالیت علمی برخوردار بودند! هرکس مغز فعال و استعداد درخشانی بود، اگر می‌خواست کار کند، اگر در داخل کشور سرکوبش نمی‌کردند، مجبور بود بیرون کار کند؛ این‌جا نمیشد.

۵. کمپانی‌های خارجی را بر بیشترین منابع اقتصادی کشور مسلط کردند و بیشترین ذخایر نفتی را به صورت رایگان از دست دادند. البته امروز هم قیمت نفت ارزان است؛ امروز هم پولی که تولیدکنندگان نفت برای نفت می‌گیرند، حقیقتاً شاید بشود گفت يك دهم پولی است که باید بگیرند. من این را به شما عرض کنم، پولی که امروز دولت‌های واردکننده‌ی نفت به عنوان مالیات



دریافت میکنند، بیشتر از سودی است که کشورهای صادرکننده نفت از پول فروش نفت به دست می‌آورند. امروز نیز همین طور است؛ اما آن روز با امروز قابل مقایسه نبود. سال‌های متمادی تا اوایل دهه‌ی ۵۰ قیمت هر بشکه نفت زیر یک دلار بود؛ بعد خود اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها برای اینکه بتوانند اجناس خودشان را به قیمت گران به اینها بفروشند، و چون اینها توان پولی نداشتند، به اراده‌ی خود آنها قیمت نفت تکانی خورد و به حدود هشت نه دلار رسید؛ تا اینها پولی پیدا کنند و بتوانند با آن، اجناس کارخانجات آنها را بخرند؛ همین طور هم شد.

## ۲. توکل به خدا:

دومین عاملی که می‌تواند خودباوری را در مومن تقویت کند، توکل و توجه به خداوندی است که قادر بر همه چیز است و جبار است و می‌تواند کمیهای ما را ترمیم کند

حضرت موسی علیه السلام که با دستور و هدایت خداوند متعال به مقابله با فرعون، ستمگر زمان خود برخاست، نمونه‌ای بارز از اعتماد به نفس مبتنی بر توکل به خدا است. موسی علیه السلام با وجود ترس و اضطراب از مواجهه با فرعون، با تکیه بر نیروی الهی و اعتماد به نفسی که از ایمان به خدا نشأت گرفته بود، توانست مأموریت الهی خود را به پیش ببرد

رَبِّ اسْرِخْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلِلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي<sup>۱</sup>

پروردگارا! سینه‌ام را گشاده ساز و کارم را آسان کن و گره از زبانم بگشاتا سخنم را بفهمند

خداوند متعال به پیامبرش می‌فرماید اگر کسی توکل داشته باشد دیگر نباید درگیر عده و عده دشمن شود و می‌توان با جمعیت کمتر و امکانات کمتر بر جمعیت بیشتر و امکانات فراوان تر فائق آمد



در جریان فرار قوم بنی اسرائیل از جنگال فرعون وقتی به ابتدای دریای نیل رسیدند از طرفی روبه روی خود دریای مواجی را دیدند که عبور از آن ممکن نبود و از طرفی پشت سرشان سربازان سفاک فرعون در تعقیبشان بودند که فرار از آنها ممکن نبود فریادشان بلند شد که بیچاره شدیم

فَلَمَّا تَرَأَ الْجُمُعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ

حضرت موسی که توکل به خدا داشت با خود باوری تمام فرمود: اصلاً غم به دلتان راه ندهید خداوند با ماست و بن بست‌ها را باز می‌کند

كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ

این توکل به خدا نتیجه اش شد دستور الهی به حضرت موسی برای شکاف دریا با یک ضربه عصا

فَلَمَّا تَرَأَ الْجُمُعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ \* قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ \* فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ ۱

پس به موسی وحی کردیم: «با چوب‌دستی‌ات به دریا بزن.» دریا از هم شکافته شد و هر طرفش مثل کوهی بزرگ، ثابت ماند!

۳. توجه به کیفیت:

همیشه در مقایسه با کمیت و جمعیت نیروهای دشمن و کمی جمعیت نیروهای خودی دچار انفعال و خودباختگی می‌شویم درحالی که در منطق اسلام این کیفیت نیروها و اقدامات است که تعیین‌کننده است

خداوند در قرآن به این مهم اشاره کرده و می‌فرماید ۲۰ نیروی مومن می‌تواند در برابر ۲۰۰ نیروی غیر مومن ایستادگی کند یعنی ده برابر بیشتر



يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا  
مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ<sup>۱</sup>

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز که اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می‌شوند، و اگر از شما صد نفر [صابر] باشند بر هزار نفر از کافران چیره می‌شوند؛ زیرا آنان گروهی هستند [که حقایق توحید و قدرت خدا را] نمی‌فهمند

در جنگ حنین نیز خداوند می‌فرماید کثرت جمعیت دشمن نباید شما را به تعجب وادارد و ترس در دلتان بیندازد چرا که نیروهای مومن توسط خداوند یاری می‌شوند

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ  
عَنكُمْ سَيِّئَاتُكُمْ وَأَصَابَكُمْ الْارْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمُ مُدْبِرِينَ<sup>۲</sup>

خدا در جبهه‌های مختلفی کمکتان کرده است، به‌ویژه در جنگ حنین که از کثرت نیروهایتان، ذوق زده و مغرور شده بودید؛ ولی نه تنها آن همه نیرو اصلاً به دردتان نخورد، بلکه در حمله غافلگیرانه دشمن، عرصه بر شما تنگ شد. دست‌آخر هم، پشت به دشمن کردید و فرار را بر قرار ترجیح دادید!

### تحقیر ملت‌ها شیوه فرعون‌ها

حکومت حاکمان بر مردم در نظام باطل، بر اساس استخفاف و تحقیر مردم است و فرعون همواره از این اصل استفاده می‌کرد تا قومش بر اساس خفتی که به آنان دست می‌داد او را شایسته پرستش می‌دانستند

فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ<sup>۳</sup>

۱ سوره مبارکه انفال/ ۶۵

۲ توبه ۲۵

۳ - سوره مبارکه زخرف/ ۴۴



«فرعون» قوم خود را سبک شمرد، در نتیجه از او اطاعت کردند؛ آنان قومی فاسق بودند!

اما در حال حاضر نیز مستکبران عالم بر اساس همین عقیده قائل به نظم نوین جهانی شده و انسان‌های جهان را شهروند درجه دو و سه حساب می‌کنند که باید از همان دستورات او تبعیت کنند

در ادامه به نمونه‌هایی از این برخورد مستکبرانه اشاره می‌شود:

- برایان هوک، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران ۲۰۱۹ (۱۳۹۸) «در مورد توان موشکی ایران گفته بود: ایران موشک خود را با فتوشاپ خلق کرده تا به این ترتیب توانایی‌های موشکی خود را به رخ بکشد!»<sup>۱</sup>

یا مثلاً عامیر ارون، کارشناس نظامی صهیونیست، در آبان ۱۴۰۱: سخت است باور کنیم که ایران بعد از آمریکا، روسیه و چین به موشک‌های پرسونیک دست پیدا کرده است!<sup>۲</sup>

۲- گاهی نوع نگاه تحقیر آمیز آنان به ایرانیان باعث اشتباه محاسباتی این افراد شده بود مثلاً

ساواک طی گزارشی در تاریخ ۱۳۵۳/۹/۱۲ می‌نویسد: مدرس آمریکایی مدرسه ی عالی دخترانه ی دماند واقع در خیابان شاه آباد انتهای خیابان باغ سالار، در جشن روز تأسیس نیروی دریایی شاهنشاهی می‌گوید: کشتی‌های نیروی دریایی ایران مانند این کشتی کاغذی است و این کشور آمریکا است که ایران را به این مقام رسانیده و هرچه ایران دارد از ما آمریکایی‌ها دارد. نامبرده با اظهار چنین مطالبی دانشجویان را تحقیر و آن‌ها را بشدت ناراحت کرده است و باعث جنجال و تحریک در کلاس گردیده است و این سخنان خود را هر روز تکرار مینماید.<sup>۳</sup>

۱- مشرق نیوز، کد خبر ۹۶۴۸۲۸

۲- مشرق نیوز، کد خبر ۱۴۳۸۰۰۵

۳- جهان نیوز، کد خبر ۲۷۰۷۳۳



یا امیر عباس هویدا (نخست وزیر پهلوی) سال ۱۳۵۳ در یکی از خاطراتش می‌گوید: در زمین ورزش راه آهن اهواز که باشگاه انگلیس‌ها بود، یک طرف نوشته بودند ورود ایرانی قدغن و در طرف دیگر نوشته بودند ورود سگ ممنوع! ما با سگ هم‌ردیف بودیم!

مشخص است که نوع نگاه تحقیرآمیز چنین افرادی باعث شده بود که برای ایران و ایرانی ارزشی قائل نبودند

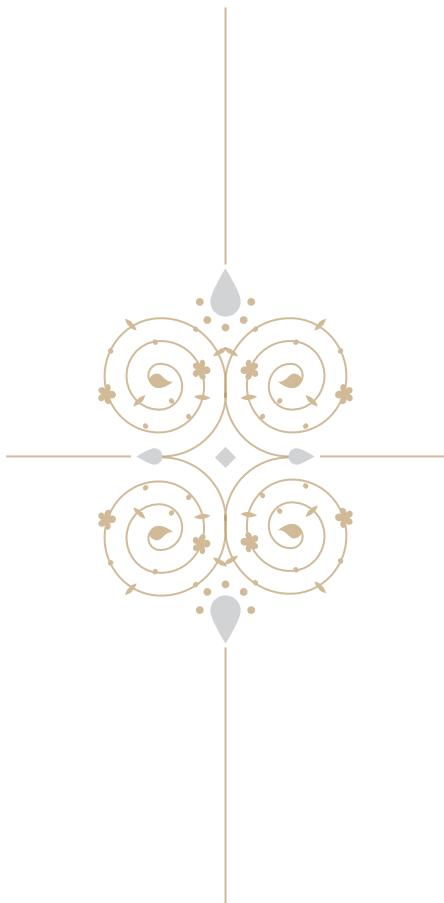
امروز نیز با تحقیر و استهزاء توانمندیهای نظام اسلامی از یک طرف و تعظیم و تبلیغ دستاوردهای غرب از طرف دیگر سعی در ایجاد خودباختگی در جوانان ما دارند





جلسه پنجم

زمان شناسی



## مقدمه

در مکتب اهل بیت علیهم السلام، زمان شناسی (توجه به مقتضیات و شرایط و اوضاع و احوال زمانه) یک اصل شمرده می‌شود که هم در سخنان و رفتار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و هم در گفتار و سیره ائمه علیهم السلام جلوه گر است؛ به عنوان نمونه از پیامبر اسلام منقول است که فرمود:

**رَحِمَ اللَّهُ مَنْ حَفِظَ لِسَانَهُ، وَعَرَفَ زَمَانَهُ، وَاسْتَقَامَتَ طَرِيقَتَهُ**

خداوند رحمت کند کسی را که زبان خود را حفظ کند و زمان خود را بشناسد و روش و طریقه او (در زندگی) روش مستقیم باشد (شخص کج سلیقه نباشد).<sup>۱</sup>

حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید: **حَسْبُ الْمَرْءِ مِنْ عِرْفَانِهِ عِلْمُهُ بِزَمَانِهِ** برای معرفت و آگاهی انسان این کافی است که عالم به زمان و روزگار خود باشد.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: **الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْوَلَوِيسُ**

۱ (نهج الفصاحة، ج ۱، حرف راء)

۲ (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۸۱)

شباهت به کسی که زمانه خود را بشناسد هجوم نمی‌آورد.<sup>۱</sup> مقصود از زمان شناسی در سخنان و سیره معصومین این است که در برنامه ریزی‌های تربیتی، اجتماعی و سیاسی و رعایت اولویت بندی در برنامه ریزی‌ها و نیز استفاده از فنون و ابزار مناسب، به شرایط و اوضاع و احوال زمانه توجه شود، وگرنه همه می‌دانیم که زمان شناسی به معنای زمان تقویمی، فاقد اهمیت است.

### نقش زمان و اولویت

همچنین کنار زمان شناسی مفهوم دیگری که باید بسیار به آن توجه کرد اولویت شناسی است. یعنی باید عمل به اولویت‌ها هم باشد. در واقع درباره این دو مفهوم اینطور می‌شود گفت که زمان اولویت‌ها را هم مشخص می‌کند. به عنوان مثال به شخصی می‌گویند که برو نان و سبزی و پنیر بخر! و زمان زیادی هم تا بسته شدن نانوايي نمانده. در اینجا زمان اولویت کار را مشخص کرده و می‌گوید که بین ۳ کاری که می‌خواهی انجام بدهی اول باید نان را خرید تا نانوايي بسته نشود. سپس دیگر کارها را انجام داد. باید توجه داشت که از ضروری ترین کارها در يك «زندگی موفق» برنامه ریزی و اولویت بندی در کارهاست. به هر چیزی به اندازه اهمیت و ضرورتش باید بها داد و زمان صرف آن کرد.

همه کارها در يك درجه از اهمیت نیستند. و ما وقت کافی هم برای انجام تمام اعمال نداریم. در زمان کم کار لازم داریم و لازمتر، مفید داریم و مفیدتر.

امیرالمومنین علیه السلام فرمود: «مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِ صَيَعَ الْأَهْمُ»<sup>۲</sup>

هر کس به کار غیر مهم بپردازد، کار مهم تر را تباه ساخته است

۱ (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶)

۲ (غرالحکم ج ۲، ص ۳۳۰)



در يك مرحله باید این اولویتهای را شناخت، در گام دوم باید طبق آن، برنامه ریزی و عمل کرد.

این یکی از شیوه‌ها و نکات «مدیریت» است که انسان را در رسیدن به هدف و بهره‌گیری از امکانات موفق ترمی سازد.

### راستی... به چه کاری مشغولیم؟

آیا کارهای مهمتری هست که زمین مانده باشد؟ اگر وقت خود را صرف کارهای کم اهمیت یا غیر ضروری یا لغو بکنیم، در آینده حسرت این غفلت‌ها را خواهیم خورد و آنگاه دیگر فرصت تدارك و جبران هم برایمان نخواهد بود.

«أهّم» و «مهم» کردن در امور و برنامه ریزی، شرط کامیابی است در غیر این صورت، آنچه باید انجام دهیم، زمین می ماند و کارهای کم اهمیت سرمایه و وقت و عمر ما را می خورد!

افراد زیادی بودند که اولویتهای را رعایت نکردند و عاقبت بخیر نشدند و یا فیض عظیمی را از دست دادند

### آذوقه یا امام حسین!

یکی از کسانی که از فیض عظیم شهادت در رکاب امام حسین جا ماند طرمّاح بن عدی بود. طرمّاح به دلیل اینکه برای تأمین آذوقه خانواده‌اش به سوی آن‌ها رفت، از حضور در می‌دان نبرد کربلا بازماند. امام حسین علیه السلام به او توصیه کرد که در بازگشت شتاب کند. اما زمانی که طرمّاح بازگشت، نبرد به پایان رسیده و امام حسین علیه السلام به شهادت رسیده بود. از این رو، او نتوانست در شمار شهدای کربلا قرار گیرد و در تاریخ از او یاد نشد.

با وجود اینکه طرمّاح به دلیل اصالت و شجاعتش در تاریخ اسلام جایگاه ویژه‌ای داشت، اما به دلیل تأخیر در بازگشت به کربلا، از فرصت



یاری امام حسین علیه السلام محروم شد. این امر نشان‌دهنده این است که حتی بهترین نیت‌ها و شجاعانه‌ترین تصمیم‌ها، اگر به تأخیر بیفتند، می‌توانند فرصت‌های بزرگ تاریخی را از دست بدهند.

طرم‌اح شاید اهل بهشت باشد، اما دیگر در حائر حسین علیه السلام جای ندارد و مغبوط نشد و مورد حسرت آدمیان قرار نگرفت. تا به او نیز چونان هفتاد و اندی یاران حسین علیه السلام بگویند: یا لیتنی کنت معکم! طرم‌اح با همه تیزفهمی و عشقش به نصرت حسین علیه السلام، از فرصتی که برایش فراهم و از دریچه‌ای که برایش گشوده شد، با تأخیر و تسویف خود، بی‌بهره ماند و این تسویف و تأخیر، به‌خاطر هر عذر و بهانه‌ای که باشد، در واقع از ترجیح آن بهانه حکایت دارد که بهانه‌های ما، ما را از تکالیف، باز می‌دارد.

رابطه بین زمان‌شناسی و اولویت‌بندی یک رابطه تنگاتنگ و حیاتی است. زمان‌شناسی به معنای انجام کارها در زمان مشخص شده و پایبندی به برنامه‌هاست، در حالی که اولویت‌بندی به معنای تعیین اهمیت نسبی کارها و تمرکز بر مهم‌ترین‌ها است. این دو مفهوم در مدیریت زمان و دستیابی به اهداف، مکمل یکدیگر هستند.

### اولویت‌بندی، زمان‌شناسی را تسهیل می‌کند

با مشخص کردن کارهای مهم و ضروری، می‌توان زمان خود را به طور موثرتری مدیریت کرد و از اتلاف وقت در کارهای کم‌اهمیت جلوگیری کرد. این امر به نوبه خود، پایبندی به زمان‌بندی و انجام کارها در زمان مقرر را آسان‌تر می‌کند.

### زمان‌شناسی، اولویت‌بندی را پشتیبانی می‌کند

وقتی فردی به زمان‌بندی خود پایبند است، این امکان را فراهم می‌کند تا به وظایف اولویت‌دار خود به موقع رسیدگی کند. در غیر این صورت، ممکن است به دلیل عدم مدیریت زمان، کارهای مهم به تعویق بیفتند



و از اهداف اصلی دور شود. و با ترکیب زمان شناسی و اولویت بندی، افراد می توانند زمان خود را به طور موثرتری مدیریت کنند، به اهداف مهم خود برسند و از استرس ناشی از عقب ماندگی در کارها جلوگیری کنند.

بعد از اشاره به مبحث اولویت و تاثیر در موفقیت و عاقبت بخیری، حال به مصادیق تاثیر زمان می پردازیم تا نشان دهیم که زمان شناس بودن هم عنصری است که در جریان زندگی و حوادث و بحران های آن بسیار ضروری می باشد.

## ابعاد زمان شناسی

### ۱. زمان شناسی در تربیت فرزند

زمان شناسی در تربیت فرزند به معنای درک مراحل رشد کودک و انطباق روش های تربیتی با نیازهای هر دوره است. این مفهوم شامل توجه به سن، ویژگی های فردی و محیطی فرزند و همچنین انتخاب زمان مناسب برای آموزش، تشویق، تنبیه و ایجاد فرصت های یادگیری است.

اگر در وقت تنبیه، او را تشویق کرد، در وقت تغافل، چشم پوشی نکرد، در وقت حمایت، تردش کنیم، تربیت ما با شکست روبه رو خواهد شد. به عنوان مثال وقت بازی کودک در ۷ سال اول است که بیشترین یادگیری کودک با بازی کردن خواهد بود.

زمان تنبیه کودک نصیحت کارگشا نیست بلکه برای نصیحت او باید زمان مناسب را در نظر گرفت زمانی که فضا آرام است و محبت آمیز است.

### ۲. زمان شناسی و اولویت در عبادات

امکان دارد انسان در هر زمان و مکانی، با شرایط مختلف مواجه شود؛ به همین دلیل، باید کوشش کند اولویت و درجه ارزش کارها را بشناسد. تنها در این صورت است که هرکاری در زمان و مکان مناسب، انجام



خواهد شد. امام حسن مجتبیٰ علیه السلام، درباره اولویت شناسی و اقدام عملی در تنگنای تزامم کارهای خوب، فرموده‌اند: «اذا اضرت النوافل بالفريضة فافرضوها؛ هرگاه مستحبات به واجبات زیان برساند و مانع انجام فريضة شود، مستحبات را رها کنید.»<sup>۱</sup> «فريضة» و واجب، کاری است که باید انجام داد و عمل به آن، لازم و ترک آن گناه است و عقاب دارد. نوافل، جمع نافله است و «نافله» و مستحب، عملی است که بهتر است انجام شود و انجام آن، اجر و ثواب دارد و ترک عمدی آن هم، گناه و عقاب ندارد. «فريضة» و «نافله» هر دو جزو اعمال خوب است. پرسش این جاست که مسلمان، در زمان تزامم این دو باهم، چه کند؟ کریم اهل بیت علیه السلام، در این روایت، به همه اهل ایمان هشدار داده‌اند که واجب همیشه بر مستحب مقدم است. هر جا انجام مستحبات با واجب تزامم پیدا و به فريضة ضرر و زیان وارد کرد، بی‌تردید باید مستحب را رها کرد. واجب، تکلیف اصلی، قطعی و تخلف ناپذیر هر انسان است. مهارت اولویت‌شناسی و توانمندی در رعایت اولویت‌ها، سبب نظم و انضباط در کارها و بهره‌برداری مناسب از فرصت‌ها و به دست آوردن توفیقات بزرگ خواهد شد.

### ۳. زمان‌شناسی سیاسی اجتماعی

#### رهبران الهی

ائمه علیهم السلام در موضع‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی و رهبری شیعیان همواره شرایط زمان را در نظر می‌گرفتند و آن چه بسیاری از برنامه‌های اجتماعی آن‌ها را نقش بندی می‌کرد مقتضیات زمان بود و اگر ملاحظه می‌کنیم که در بدو نظر در سیره ائمه تضادهایی به چشم می‌خورد (مانند صلح امام حسن علیه السلام و قیام امام حسین علیه السلام، خودداری امام صادق علیه السلام از قبول خلافت به هنگام قیام عباسیان و قبول ولیعهدی توسط امام رضا علیه السلام) این تضاد، تضاد ظاهری است، زیرا هر کدام به تناسب زمان



و شرایط و نیازهای جامعه خود گام برداشته اند و اگر هر کدام به جای دیگری بودند روش او را در پیش می‌گرفتند. گاهی به کشته گشتن و گاهی به کشتن است - ترویج دین به هر چه زمان اقتضا کند.

امام علیه السلام میفرماید:

«حَسْبُ الْمَرْءِ ... مِنْ عِرْفَانِهِ، عِلْمُهُ بِزَمَانِهِ»<sup>۱</sup>

برای انسان از عرفان، دانش او نسبت به زمان خویش، کافی است!

هر چه انسان بیشتر زمان شناس باشد، بهتر می‌تواند حوادث را پیش بینی کند و به گفته امیرالمؤمنین علیه السلام، در اوج معرفت زمان، انسان از هیچ حادثه‌ای شگفت زده نمی‌شود، چون آن را پیش بینی می‌کرده

«عَلَى عليه السلام: أَعْرِفُ النَّاسَ بِالزَّمَانِ، مَنْ لَمْ يَتَعَجَّبْ مِنْ أَحْدَاثِهِ»<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام: آگاه‌ترین مردمان به روزگار، کسی است که از حوادث آن تعجب نکند»

و بدین ترتیب رهبر زمان شناس و آگاه به مقتضیات زمان، در شبهات سیاسی و غیر سیاسی به روشنی وظیفه خود را در هدایت و امامت، تشخیص می‌دهد و به گفته امام صادق علیه السلام مورد هجوم امور مشتبه قرار نمی‌گیرد:

مَثَلُ أَعْلَى يَكُ رَهْبَرِ زَمَانِ شَنَاسِ

پس از آن که در سقیفه خلافت ابوبکر تثبیت شد، ابوسفیان نظر به کینه دیرینه‌ای که با حکومت اسلامی داشت اندیشید که برای ایجاد آشوب و بحران داخلی و بهره‌گیری از آن در جهت شکست انقلاب اسلامی، بهترین راه، درگیر کردن اهل بیت پیامبر اسلام و در رأس آنها علی علیه السلام با سرمداران حکومت است. در راستای اجراء این سیاست

۱ بحار الأنوار: ۶۶/۸۰/۷۸.

۲ غرر الحکم: ۳۲۵۲.



خطرناک نزد عباس عمومی پیامبر اسلام آمد و ضمن اظهار تأسف از شرایط سیاسی حاکم و ابراز نگرانی این که خلافت از خاندان هاشم بیرون رفت و در خاندان تیم قرار گرفت و اگر وضع بدین منوال ادامه یابد در آینده به خاندان عدی «عمر بن خطاب» منتقل می‌گردد. به او پیشنهاد داد که باز هم نزد علی برویم و با او به خلافت بیعت کنیم و با توجه به اینکه تو عمومی پیغمبر هستی و من شخصیتی مورد قبول قریش، این اقدام، موفقیت آمیز خواهد بود، در این صورت هر کس مخالفت کرد با او می‌جنگیم و او را از پادرمی آوریم.

بدین ترتیب ابوسفیان با جلب موافقت عباس همراه جماعتی<sup>۱</sup> از بنی هاشم نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمدند و به او پیشنهاد بیعت کردند، ابوسفیان برای تحریک احساسات علیه السلام گفت:

«يا ابا الحسن لا تغافل عن هذا الأمر متى كنا تبعاً لتيم الأزدل»<sup>۲</sup>

ای ابا الحسن از پذیرفتن این پیشنهاد غفلت نورز، تاکنون چه زمانی ما تابع طائفه پست و بی اعتبار تیم بوده ایم

امام با این که خلافت را حق خود می‌دانست و از شرایط سیاسی حاکم سخت ناراضی بود ولی از آنجا که هم مردم شناس بود و هم زمان آگاه، خوب می‌دانست که در شرایط کنونی زمینه‌های برای این که او بتواند زمام امور را به دست گیرد وجود ندارد و هرگونه تلاش در جهت کنار زدن ابوبکر از مسند خلافت، موجب تفرقه در جامعه اسلامی و به قیمت نابودی اصل اسلام و بازگشت جامعه به دوران جاهلیت تمام می‌شود، و پیشنهاد ابوسفیان در واقع سیاستی خطرناک برای تأمین این مقصود است، لذا در پاسخ این پیشنهاد چنین فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ شُقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ تَجَاةَ النَّجَاةِ وَ عَرِّجُوا عَنِ طَرِيقِ الْمُنَافَرَةِ وَ ضَعُوا

۱ نگاه کنید به مصادر نهج البلاغه و اساتید، ج ۱، ص ۳۳۰.

۲ نگاه کنید به شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج ۱، ص ۲۷۶.



تَبْجَانَ الْمُفَاخَرَةَ؛ أَفْلَحَ مَنْ نَهَضَ بِجَنَاحٍ أَوْ اسْتَسْلَمَ فَأَرَّحَ. هَذَا مَاءٌ آجِنٌ وَلُقْمَةٌ يَغْصُ بِهَا أَكْلُهَا، وَ مُجْتَنِي الثَّمَرَةَ لِعَبْرِ وَقْتِ إِيْنَاعِهَا كَالزَّارِعِ بَعْدَ زَرْعِهِ. فَإِنْ أَقْلَ يَقُولُوا حَرَصَ عَلَى الْمُلْكِ وَإِنْ أَسْكُتَ يَقُولُوا جَنَعَ مِنَ الْمَوْتِ! هَيْهَاتَ، بَعْدَ اللَّتَيَا وَالَّتِي، وَاللَّهِ لَأَبْنَى أَبِي طَالِبٍ أَنَسُ بِالْمَوْتِ مِنَ الْبُطْلَانِ بِبَدْيِ أُمِّهِ، بَلْ أُنْذِرُكَ عَلَى مَكُونٍ عِلْمٌ لَوْ حُجْتُ بِهِ لَأَضْطَرَبْتُمُ اضْطِرَابَ الْأَنْثَى فِي الطَّوِيِّ الْبَعِيدَةِ<sup>۱</sup>

ای مردم، امواج فتنه ها را با کشتی های نجات (اهل بیت) درهم بشکنید، و از راه اختلاف و پراکندگی بپرهیزید، و تاج های فخر و برتری جویی را بر زمین نهید. رستگار شد آن کس که با یاران به پاخاست، یا کناره گیری نمود و مردم را آسوده گذاشت. این گونه زمامداری<sup>۲</sup> چون آبی بد مزه، و لقمه ای گلوگیر است، و آن کس که میوه را کال و نارس بچیند، مانند کشاورزی است که در زمین دیگری بکارد. در شرایطی قرار دارم که اگر سخن بگویم، می گویند بر حکومت حریص است، و اگر خاموش باشم، می گویند: از مرگ می ترسید. هرگز، من و ترس از مرگ! پس از آن همه جنگ ها و حوادث ناگوار. سوگند به خدا، انس و علاقه فرزند ابی طالب به مرگ در راه خدا، از علاقه طفل به پستان مادر بیشتر است. این که سکوت برگزیدم، از علوم و حوادث پنهانی آگاهی دارم که اگر باز گویم مضطرب می گردید، چون لرزیدن ریسمان در چاه های عمیق.

امام در این کلام، فضای سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی پس از رسول الله ﷺ را ترسیم کرده و توضیح داده که تصمیم گیری صحیح برای رهبری واقع بین، در آن فضایی که نه اجازه حرف زدن می دهد و نه اجازه سکوت، تا چه اندازه دشوار است! در چنین وضعیتی اگر او از زمامداران حاکم انتقاد می کند و از تصمیمی که در سقیفه گرفته شده اظهار نگرانی می نماید، به این معنا نیست که او خود طالب ریاست است، و اگر سکوت را بر قیام علیه وضع موجود ترجیح می دهد، به این

۱ خطبه ۵ نهج البلاغه

۲ منظور زمامداری پیشنهادی ابوسفیان است



معنا نیست که از ترس مرگ احتمالی در صورت قیام، به وظیفه خود عمل نمی‌کند.

گذشته روشن علی، این اتهامات را رد می‌کند، بلکه دلیل سکوت او، این است که زمان، اقتضای قیام ندارد و در شرایط کنونی که مردم از قیام حمایت نمی‌کنند، هر گونه حرکت تند و حساب نشده، جامعه نوپای اسلامی را دچار تفرقه می‌نماید و موجب سلطه دشمنان اسلام می‌گردد، باید قیام با حمایت عمومی مردم بال و پر پیدا کند و زمان مناسب آن فرا رسد، آن وقت برای همگان بیش از پیش روشن خواهد شد که علی به چیزی جز مصلحت اسلام و مسلمین نمی‌اندیشید و اگر قیام را وظیفه می‌دانست نیازی به پیشنهاد فریبکارانه ابوسفیان نبود.

آینده تاریخ اسلام صحت این ادعاها را به وضوح برای همگان مشخص کرد، امام پس از بیست و پنج سال سکوت، هنگامی که با بیعت و حمایت عامه مردم زمان امور را به دست گرفت، پس از واقعه نهروان، درباره ویژگیهای خود در زمان قیام، چنین می‌فرماید:

«فَقُمْتُ بِالْأَمْرِ حِينَ فَشَلُوا وَ تَطَلَّعْتُ حِينَ تَقَبَّعُوا وَ نَطَقْتُ حِينَ تَغْتَعُوا وَ مَضَيْتُ بِنُورِ اللَّهِ حِينَ وَقَفُوا، وَ كُنْتُ أَخْفِضُهُمْ صَوْتًا وَ أَعْلَاهُمْ قَوْتًا، فَطَرْتُ بِعَيْنَاهَا وَ اسْتَبَدَّدْتُ بِرِهَانِهَا كَالْجَبَلِ لَا تُحَرِّكُهُ الْقَوَاصِفُ وَ لَا تُزِيلُهُ الْعَوَاصِفُ»<sup>۱</sup>

آن گاه که همه از ترس سست شده، کنار کشیدند، من قیام کردم، و آن هنگام که همه خود را پنهان کردند من آشکارا به میدان آمدم، و آن زمان که همه لب فرو بستند، من سخن گفتم، و آن وقت که همه باز ایستادند من با راهنمایی نور خدا به راه افتادم. در مقام حرف و شعار صدایم از همه آهسته تر بود اما در عمل برتر و پیشتاز بودم، زمام امور را به دست گرفتم، و جلوتر از همه پرواز کردم، و پاداش سبقت در فضیلت‌ها را بردم.



## مردم

مردم باید زمان شناس باشند و بهنگام اقدام کنند. قضیه این است که ما یک وظیفه‌ای را که احساس می‌کنیم، اولاً در وقت خودش احساس کنیم و نگذاریم بگذرد، بعد، همان وقتی که احساس کردیم، به وظیفه قیام کنیم؛ مثل ماجرای توابین نشود؛ توابین به کربلا نیامدند، بعد قیام کردند، همه‌ی آنها هم به شهادت رسیدند، اما کو؟ تأثیری در تاریخ نگذاشتند، چون بوقت قیام نکردند؛ آن وقتی که باید می‌آمدند، نیامدند؛ باید روز عاشورا در کربلا می‌بودند، نبودند. نه تنها این قیام آثاری نداشت بلکه چه بسا به تکلیف هم عمل نکرده باشند. شاید تکلیف در آن زمان به جای قیام سکوت بوده باشد.

## زمان شناسی عمار

تزلزل ناپذیری عمار در حوادث مختلف صدر اسلام و همچنین امتحان‌های سخت دوران بعد از پیامبر اسلام ﷺ، موقع شناسی و حضور در وقت نیاز، و نقش تبیین‌کننده او در مسائل و حوادث دوران حضرت علی علیه السلام از ویژگی‌های برجسته و بارز عمار بود.

## وفادارترین یاران!

یکی از امتیازات و افتخارات یاران امام حسین علیه السلام، توصیف زیبایی بود که آن حضرت درباره آنان فرمود و آن جمله این بود که:

«إِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي»<sup>۱</sup>

به راستی که من اصحابی وفادارتر و بهتر از اصحاب خودم نمی‌شناسم.

مهم ترین ویژگی اصحاب کربلا محبت نبود که این محبت را خیلی‌ها نسبت به امام داشتند بلکه بصیرت و وقت شناسی آنان بود. یعنی درست در زمان معین و در مکانی معینی که باید می‌بودند حضور داشتند.



۱ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مرحوم شیخ مفید، ج ۲، ص ۹۱

### حضور به موقع مردم در خاموشی فتنه

حماسه ۹ دی، یا راهپیمایی ۹ دی، حضور و راهپیمایی مردم ایران در ۹ دی ماه سال ۱۳۸۸ش در حمایت از جمهوری اسلامی ایران مقابل فتنه ۸۸ بود.

پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۸۸ش، و به دنبال آن ادعای تقلب برخی از کاندیداها، برخی به حمایت از آنها موجی از اعتراض‌ها در نقاط مختلف کشور به راه انداختند. در این زمان برخی از مخالفان داخلی و خارجی نظام ایران، از این فرصت بدست آمده استفاده کرده و کشور را به مدت چند ماه به آشوب و اغشاش کشاندند. این اغتشاشات بعد از چندین ماه نهایتاً در ماه محرم و روز عاشورا به هتک حرمت نسبت به امام حسین علیه السلام و مقدسات اسلامی انجامید و موجبات برانگیخته شدن احساسات مذهبی و نارضایتی مردم را داشت، لذا در پاسخ به این اغشاش‌ها و هتک حرمت‌ها و اعلام بیزاری از فتنه‌گران در روز ۹ دی به راهپیمایی پرداختند.

خاموشی فتنه ۸۸، حفظ انقلاب اسلامی و ولایت فقیه و پشتوانه مردمی جمهوری اسلامی ایران را از مهم‌ترین دستاوردهای این حماسه می‌توان برشمرد.

### وقت شناسی مردم نشانه رشد ملت

مقام معظم رهبری در جریان حمله رژیم منحوس صهیونیستی در پیامی اینطور از ملت ایران تمجید کرد:

مطلب اوّلی که مایلم عرض بکنم، تمجید از رفتار ملت عزیزمان در این قضیه‌ای است که اخیراً دشمنان برای کشور پیش آورده‌اند. ملت ایران نشان داد که هم متین است، هم شجاع است، هم وقت‌شناس است. این حرکت عظیمی که مردم در روز جشن غدیر به دنیا نشان دادند، حرکت عظیمی بود؛ اجتماعات مردم، راه‌پیمایی‌های مردم در



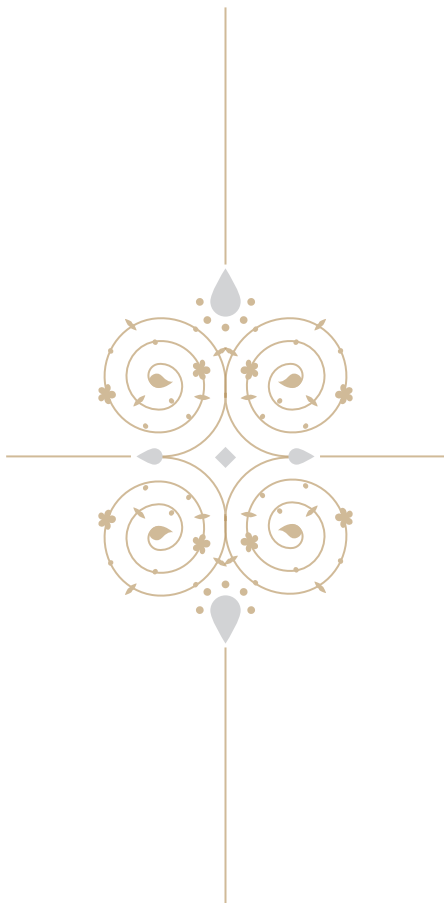
همین چند روز، حضورشان در نماز جمعه‌ها و راه‌پیمایی‌شان بعد از نماز، همه‌ی این‌ها نشان‌دهنده‌ی رشد ملت ایران و قوام عقلانیت و معنویت، همراه با شجاعت و وقت‌شناسی در ملت عزیزمان است. خدا را شکر می‌کنم که بحمدالله این ملت مؤمن را در این حد از توانایی‌ها و امکانات معنوی و مادی قرار داده.





جلسه ششم

عاقبت اندیشی



## مقدمه

اصولاً کار انسان، تنظیم رفتارها و کنش‌ها برای رسیدن به چیزی است که در آینده تحقق می‌یابد نه آنچه الان در حال وقوع است. مثلاً ما برای امروزی که در حال گذر است برنامه ریزی نمی‌کنیم بلکه برای فردائی که نیامده است برنامه ریزی می‌کنیم.

## مکانیزم و فلسفه دوراندیشی

مهمترین مساله در عاقبت اندیشی، تصویری از وضع آینده‌ای است که این کار می‌خواهد در آن موقعیت شکل بگیرد. یعنی زمانی که قرار است این پروژه نتیجه بدهد، شرایط چگونه است، چه موانعی برای تحقق هدف وجود دارد و ما باید چه کارهایی انجام دهیم. عمده آن هم مربوط به همین نکته سوم است. این که پیش‌بینی کنیم چه شرایط و موانعی وجود دارد، خیلی در رفتار مؤثر نیست. هر دوی اینها برای آن است که بدانم من چه باید بکنم تا به نتیجه برسم. عمده این ضرورت‌ها به این مسئله بازمی‌گردد که بتوانیم تشخیص دهیم اکنون چه وظیفه‌ای داریم تا در آینده به نتیجه مطلوب برسیم. اگر نتوانیم آینده را درست ترسیم کنیم، نمی‌توانیم تشخیص دهیم در حال حاضر وظیفه‌مان چیست.

مثلاً کسی که می‌خواهد ده سال دیگر ازدواج کند، باید ده سال دیگر را



ترسیم کند که سبک زندگی، مهریه، پوشش، اقتصاد جامعه و.. چگونه خواهد بود که از امروز تدبیر کند

کسی که می‌خواهد امروز انتخاب رشته کند باید آینده را تصویر کند که وضع اشتغال چگونه خواهد بود و جامعه به چه شغلی نیازمند است اگر نتواند درست آینده را تصویر کند در تشخیص وظیفه امروزش دچار مشکل می‌شود.

### اول آینده نگری بعد اقدام

حکایت زیبایی است که حاکی از اهمیت آینده نگری است

پیرمرد فرتوتی نزد زرگر آینده نگری آمد و گفت: «ترازویت را به من بده که می‌خواهم با آن طلا وزن کنم.» زرگر در پاسخ گفت: «من جارو ندارم.» پیرمرد دوباره گفت: «آقای زرگر من از تو درخواست ترازو کردم، نه جارو.» زرگر دوباره گفت: «من غربال ندارم.» پیرمرد گفت: «آقای زرگر شوخی بس است، من از تو ترازو خواستم، چرا خود را به کری می‌زنی؟» زرگر در پاسخ وی گفت: «نه مزاح می‌کنم و نه کره‌ستم، من درباره وضع تو دقت کردم. تو پیرمردی هستی که دست‌هایت می‌لرزد و اندامت هم رعشه دارد. از طرف دیگر طلاهای تو نیز خُرد و ریز هستند، از این رو احتمال ریختن آنها و گم شدن آنها وجود دارد. وقتی که آنها ریخت، به سراغ من خواهی آمد و تقاضای جارو و سپس غربال خواهی کرد.»

آری، دوراندیشی و عاقبت نگری سرمایه‌ای است بزرگ که انسان‌های خردمند از آن بهره‌مندند. آنان با آگاه شدن از اوضاع زمان، در رویارویی با هر مسئله‌ای تمام جنبه‌های کار، اعم از: خیر و شر، ضرر و زیان و... را می‌سنجند، سپس کاری را که درست و عاقلانه است، انتخاب می‌کنند.

از اتفاقات تلخی که بشر در زندگی خود بارها آنرا تجربه کرده جنگ است که وقتی اتفاق می‌افتد عموم مردم دچار غافلگیری می‌شوند که خود باعث ایجاد اضطراب و ناآرامی و اختلالات روحی روانی و تصمیمات عجولانه مثل



ترک خانه و شهر و دیار و حمله به بازار و خرید افراطی جهت تهیه کالاهای مورد نیاز و هجوم به پمپ بنزین ها و امثال این ها می شود و احتمالا با تماس به نزدیکان خود آنان را نیز توصیه به همین رفتار می کنند.

اما وقتی به رفتار و حرفهای مسئولین و متخصصین و افراد آگاه از واقعه و کسانی که اشراف اطلاعاتی به واقعه دارند نگاه می کنیم مشاهده می کنیم که هم خود آرام اند و هم دیگران را دعوت به آرامش می کنند که جایی برای نگرانی نیست و تدابیر لازم جهت مختل نشدن زندگی مردم صورت گرفته و کالاهای اساسی و سوخت و.. به اندازه چندین سال که وضعیت جنگی ادامه پیدا کند در دسترس خواهد بود.

به عنوان مثال مقام معظم رهبری در آخرین پیام تلویزیونی خود خطاب به مردم فرمودند:

مَلَّتْ عَزِيزُكَارِ خُودشَان را با قُوَّتْ انجام بدهند و ادامه بدهند و به خدای متعال توکل کنند. **وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ**؛ و خدای متعال مَلَّتْ ایران را و حقیقت را و حق را، به طور قطع و یقین، پیروز خواهد کرد ان شاء الله.<sup>۱</sup>

تفاوت رفتار این دو گروه در ویژگی به نام دوراندیشی و عاقبت اندیشی نهفته شده است که صد البته برای مسئولین یک کشور ضرورت دارد ولی به این معنا نیست که عموم مردم به این صفت نیازی ندارند.

در جنگ تحمیلی ۸ سال دفاع مقدس نیز با همین توجه به آینده تصمیم گرفتیم که مقاومت کنیم

امنیت و اقتدار فعلی ما نتیجه دور اندیشی ماست که ضامن تامین امنیت ۳۰ ساله هست و به گفته سردار محسن رضایی فرمانده سپاه در دوران دفاع مقدس، اقتدار و مقاومت امروز ما هم امنیت ۵۰ سال آینده را تامین می کند



### هشدار ملمن: مقاومت ایران، اسرائیل را به زانو درمی‌آورد

یوسی ملمن، کارشناس برجسته امنیتی و نظامی در واکنش به حملات اخیر رژیم صهیونیستی به ایران و واکنش موشکی قدرتمند ایران نوشت: «شادی ناشی از این حملات دیری نپایید و خیلی زود جای خود را به تردید داد؛ به گونه‌ای که صبح جمعه از خود پرسیدم آیا اصلاً ضرورتی برای ورود به این جنگ وجود داشت؟»

این تحلیلگر صهیونیستی تاکید کرد: «شیعیان در طول تاریخ نشان داده‌اند که در برابر سختی‌ها و مشکلات مقاومت می‌کنند و برای فداکاری آماده‌اند؛ هشت سال جنگ فرسایشی با عراق نیز گواهی بر این آمادگی است.»

یوسی ملمن تاکید می‌کند: «به نظر من بهتر است می‌زان خسارت‌ها را به حداقل برسانیم و از ترامپ (رئیس جمهور آمریکا) بخواهیم با یک توافق معقول به این ماجراجویی پایان دهد؛ وگرنه سرانجام ناچار خواهیم شد برای آتش بس دست به دامن شویم، اما بعید است ایران با آن موافقت کند.»

### انگیزه‌های عاقبت اندیشی و آینده‌نگری؟

انگیزه‌هایی که افراد برای اطلاع از آینده دارند، مختلف است. همه دوست دارند ببینند فردا چه رخ می‌دهد. برای مثال، در جلسات مذهبی بسیاری از افراد می‌پرسند آیا فلان علامت درباره آخرالزمان درست است یا خیر؟ آیا واقع می‌شود یا نه؟ یا می‌پرسند سال آینده را چگونه پیش بینی می‌کنید؛ انقلاب اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کنید؛ نظرتان درباره آینده بیداری اسلامی چیست؟ انسان دوست دارد بداند در آینده چه وقایعی رخ می‌دهد. برای برخی، همین دانستن موضوعیت دارد و مطلوب بالذات است. بسیاری از افراد دانستن همین نکته را که فردا چه می‌شود، برای خود یک امتیاز می‌دانند؛ اولاً وجدانش راضی می‌شود؛ ثانیاً امتیازی است نسبت به دیگران و این که او می‌داند و



افراد دیگر نمی‌دانند. عده‌ای نیز از این اطلاعات دو نوع بهره‌برداری می‌کنند؛ یکی دکان‌دارهایی هستند که می‌خواهند از این راه منافع نصیب‌شان شود و پیش‌بینی‌هایی که می‌کنند، برای این است که از مردم پول بگیرند و مرید جمع کنند که این استفاده‌ای نادرست است؛ برخی نیز از پیش‌بینی و آگاهی از اطلاعات آینده برای برنامه‌ریزی در رفتار فعلی‌شان بهره می‌برند؛ یعنی چون قرار است این‌طور شود، وظیفه فعلی ما چیست. این کسب اطلاع از آینده، معقول و خدایسند است. این برای انسان مفید است تا از چیزی که می‌تواند در رفتار امروز او اثر داشته باشد، آگاه باشد. پس برای کسب اطلاع از آینده، سه انگیزه مطرح است؛ برای برخی صرف همین دانستن مطلوب است و عده‌ای می‌خواهند از آن سوءاستفاده کنند؛ اما عقلاً از این دانستن، استفاده دیگری می‌کنند. راه صحیح استفاده از این آینده‌نگری، پیش‌بینی و پیش‌گویی‌ها آن است که بدانیم در رفتار فعلی‌مان چه اثری دارد؛ یعنی خودمان را آماده کنیم برای رفتاری که آن زمان باید انجام دهیم.

پیش‌گویی‌هایی که در قرآن و روایات آمده نیز با همین هدف است که از یک سو می‌خواهد با بیان آینده‌های مطلوب، در مردم امید ایجاد کند؛ مثلاً در پیشگویی غلبه مسلمانان بر لشکر روم، لشکر اسلام امیدوار شده و انگیزه بیشتری برای رویارویی با دشمن را فراهم می‌کند

غَلَبَتِ الرُّومُ\* فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ

(رومیان، از ایرانیان شکست خوردند، ولی قرآن پیشگویی می‌کند که چند سال دیگر رومیان غالب خواهند شد و چنان شد.) (غَلَبَتِ -

سَيَغْلِبُونَ)

روم "نام اقوامی از انسانهاست که در ساحل مدیترانه در غرب آسیا زندگی می‌کنند، در آن ایام این اقوام امپراطوری بزرگ و وسیعی تشکیل داده بودند، به طوری که دامنه آن تا حدود شامات توسعه یافته



بود، در ایام نزول این سوره جنگی بین این امپراطوری، و امپراطوری ایران در سرزمینی میان شام و حجاز درگرفت، و روم از ایران شکست خورد، و ظاهراً مراد از کلمه "أَرْض" سرزمین حجاز و مراد از "أَذَى الْأَرْضِ" نزدیکی‌های این سرزمین است، و الف و لام در کلمه "الأرض" الف و لام عهد است. "وَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَلَيْهِمْ سَيَغْلِبُونَ فِي بَضْعِ سِنِينَ" ضمیر جمع اولی و سومی به روم برمی‌گردد، ولی ضمیر جمع دومی (غلبهم) - بعضی گفته‌اند - به فرس برمی‌گردد، و معنایش این است که: رومیان بعد از غلبه فارسیان برایشان، به زودی غلبه خواهند کرد. ولی ممکن است آن را نیز به روم برگردانیم، و بگوییم که مصدر "غلبهم" مصدر مفعولی است، و در نتیجه اختلافی هم در مرجع ضمیرهای سه‌گانه پدید نمی‌آید، و معنای آیه چنین می‌شود که: رومیان بعد از مغلوب شدنشان به زودی غالب می‌شوند.

یا مثلاً آیاتی که از پیروزی قطعی دین صحبت می‌کند امید را در بین مسلمانان سرتاسر تاریخ افزایش داده باعث می‌شود بر سختی‌های در مسیر صبری کنند

آیاتی مانند:

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ<sup>۱</sup>  
جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا<sup>۲</sup>  
أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ<sup>۳</sup>

### عرصه‌های دوراندیشی

دوراندیشی در تمامی ابعاد زندگی جاری است از تربیت فرزند که امیر المومنین فرمودند: اگر امروز در امر تربیت فرزندت تلاش نکنی در بزرگ

۱ توبه، ۳۳.

۲ اسراء، ۸۱.

۳ انبیا، ۱۰۵.



سالی هرگز پیشرفتی نخواهد داشت و به جایی نخواهد رسید

مَنْ لَمْ يَتَعَلَّمْ فِي الصَّغَرِ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الْكِبَرِ

تا حساب و کتاب تمامی عمر که رسول خدا فرمودند: قبل از اینکه زمان حساب و کتاب برسد خودتان ان لحظه دور را تصور کنید و خودتان را در آن دادگاه الهی ببینید تا نسبت به رفتارهایتان تجدید نظر کنید

حاسبوا قبل ان تحاسبوا

تا توجه به مرگ که پیامبر اکرم فرمودند: قبل از آنکه بمیرید خود را بمیرانید یعنی برای خودتان تصور آینده را داشته باشید که مرده اید ، چه سرمایه ای دارید؟ دستتان چقدر پر است؟ چه گرفتاریهایی بر سر راه شماست و...

موتوا قبل ان تموتوا

### آثار دوراندیشی در کلام علوی

در روایات زیادی نیز به این مهم توجه داده شده ایم از جمله روایاتی که به آثار عاقبت اندیشی اشاره دارد که در ادامه به چند روایت از امیرالمومنین بسنده می کنیم

سلامت:

قَالَ اميرالمومنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَرَّةٌ اَلْحَزْمُ السَّلَامَةُ

نتیجه دوراندیشی سلامتی و ایمنی است

هر که می خواهد در زندگی دچار اضطراب نشده، امنیت و سلامتی داشته باشد نیازمند دوراندیشی است.



امیرالمؤمنین علیه السلام: مَنْ رَأَى الْعَوَاقِبَ سَلِمَ مِنَ التَّوَاتِبِ.<sup>۱</sup>

هر که پایان کارها را بنگرد از گرفتاریها و حوادث دوران سالم ماند

امنیت:

امیرالمؤمنین (علیه السلام): مَنْ فَكَّرَ فِي الْعَوَاقِبِ أَمِنَ الْمُتَعَاتِبِ<sup>۲</sup>

هر که در پایان کارها بیندیشد از تباهیها برکنار ماند.

امیرالمؤمنین علیه السلام: أَوْ إِنِّ مَنْ تَوَرَّطَ فِي الْأُمُورِ مِنْ غَيْرِ نَظَرٍ فِي الْعَوَاقِبِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِتُفَدِّحَاتِ التَّوَاتِبِ<sup>۳</sup>

آگاه باشید کسی که بدون دوراندیشی اقدام به کاری کند، خود را در معرض مصیبت های بسیار سنگین قرار داده است

موفقیت:

حضرت در حکمت ۴۸ نهج البلاغه می فرماید:

"الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ، وَالْحَزْمُ بِإِجَالَةِ الرَّأْيِ، وَالرَّأْيُ بِتَخْصِينِ الْأَسْرَارِ"

که به معنای «پیروزی در گرو دوراندیشی است، و دوراندیشی در گرو به کار انداختن فکر و اندیشه، و اندیشه در گرو حفظ اسرار است»

هدایت:

در خطبه ۱۷۶ می فرماید: "مَنْ لَمْ يُقَدِّرِ الْأُمُورَ قَبْلَ حُلُولِهَا، تَعَذَّرَ عَلَيْهِ فِي وَقُوعِهَا الصَّوَابُ". یعنی کسی که امور را قبل از وقوع آنها پیش بینی نکند، در هنگام وقوع آنها، راه درست را نخواهد یافت

مقلد واقعی

رهبری معظم انقلاب به عنوان یک نفر از پیروان و مقلدان مکتب امیر

۱ غرر الحکم و درر الکلم، جلد ۱، صفحه ۶

۲ غرر الحکم و درر الکلم، جلد ۱، صفحه ۶

۳ وسائل الشیعة جلد ۱۵، صفحه ۲



المومنین عليه السلام همین دور اندیشی را سرلوحه مدیریت خود قرار داده و در تمام امور متوجه آن است

- از مصرف انرژی
- تا فرزندآوری
- تا صدور و تبلیغ مکتب اهل بیت

### تا حفظ امنیت کشور

...و

ایشان در اهمیت صدور علم به زبان فارسی برای ترویج فرهنگ اسلامی ایرانی و میفرمایند:

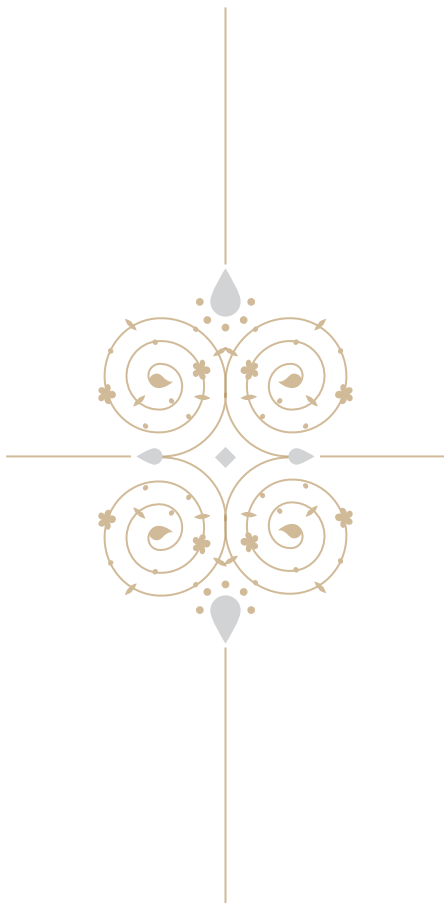
«کاری کنید تا اهل علم دنیا ناچار شوند زبان فارسی یاد بگیرند، من چند سال پیش گفتم که باید پیشرفت ما جوری باشد که تا پنجاه سال بعد که از آن پنجاه سال الان پنج شش سالش گذشته اگر کسی خواست به تازه‌های علمی دنیا دست پیدا کند مجبور باشد فارسی یاد بگیرد؛ ما باید به اینجا برسیم؛ کما اینکه امروز اگر شما بخواهید تازه‌های علمی را به دست بیاورید مثلاً فرض کنید که مجبورید زبان انگلیسی بلد باشید؛ در بعضی زمینه‌ها مثل حقوق و مانند این‌ها من باب مثال باید زبان فرانسه بلد باشید؛ ما باید کار را به اینجا برسانیم، یعنی باید این قدر شما پیش بروید که به طور تقریبی تا آن مقطعی که بنده اشاره کردم، در آن مقطع هر کس در دنیا بخواهد تازه‌های علمی را در بخش‌های مختلف به دست بیاورد، ناچار باشد زبان فارسی یاد بگیرد تا بتواند از نوشته‌های شماها استفاده کند.»





جلسه هفتم

غیررتورزی



## مقدمه

یکی از عناصر و ابزارهای مورد نیاز ما در بحران‌ها و سختی‌ها، غیرت است. زمانی که کسی به دارایی‌ها و سرمایه‌های ما تعرض و تجاوز می‌کند، نیرویی در انسان شکل می‌گیرد که او را به مقابله با متجاوز وادار می‌سازد تا از سرمایه‌های خود محافظت کند؛ این نیروی درونی همان غیرت است.

مسئله غیرت ورزی در ادبیات دینی و در روایات اسلامی چنان دارای اهمیت است که آقا رسول الله ﷺ می‌فرمایند خداوند کسی را که غیرت ندارد زمین می‌زند و بینی‌اش را به خاک می‌مالد:

كَانَ إِبْرَاهِيمُ أَبَى غِيورًا وَأَنَا أَغْيَرُ مِنْهُ وَأَرْغَمُ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ<sup>۱</sup>

پدرم ابراهیم با غیرت بود و من با غیرت تر از اویم. خدا بینی مؤمنی را که غیرت ندارد، به خاک می‌مالد.

در روایتی دیگر پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: **الْغِيَرَةُ مِنَ الْإِيمَانِ**<sup>۲</sup>

غیرت از ایمان است.

۱ بحار الأنوار ج ۱۰۰، ص ۲۴۸، ح ۳۳

۲ نهج الفصاحه ص ۵۸۷، ح ۲۴۵

یعنی به مقداری که ایمان افراد بیشتر می‌شود، به همان مقدار حساسیت آنها نسبت به سرمایه‌هایشان بیشتر می‌شود.

در دین اسلام، انسان را به سه نوع غیرت ورزی توصیه کرده‌اند؛ غیرت ناموسی، غیرت دینی و غیرت ملی

### عرصه‌های غیرت ورزی

#### ۱. غیرت ناموسی

یکی از دارایی‌های انسان خانواده و نوامیس او هستند. وظیفه ما هم در قبال این سرمایه اینست که او را از هرگونه گزند و آفت بخصوص از دید نامحرمان و چشم‌ناپاکان حفظ کنیم.

حکم ابن ابی العاص (پدر مروان و عموی عثمان) بعد از فتح مکه، به ظاهر مسلمان شد. روزی پیامبر ﷺ در یکی از حجره‌هایش با حضرت علی ﷺ نشست. حکم از شکاف در به داخل آن حجره می‌نگریست و دزدانه به سخنان پیامبر ﷺ و دیگر افراد داخل حجره گوش می‌کرد. پیامبر ﷺ که متوجه شده بود، به حضرت امیر ﷺ فرمود: برو او را بیاور. آن حضرت بیرون آمد و گوش حکم را مثل بز گرفت و کشید و او را به داخل برد. پیامبر ﷺ بعد از لعنت کردن حکم، او را به طائف تبعید کرد.<sup>۱</sup>

وقتی امیرالمومنین ﷺ خبر دار شدند که زنان عراق تنه به تنه مردان در بازارها قدم می‌زنند و حتی موجب فساد در اجتماع می‌شوند، مردان عراق را خطاب قرار می‌دهند و آنها را سرزنش می‌کنند و روحیه غیرت آنها را تحریک می‌کنند. حضرتش می‌فرمایند:

يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ نُبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يَدَافِعْنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحْيُونَ؟ أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَلَا تَعَاوَنَ نِسَاءَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَشْوَاقِ وَيَزَاجِمْنَ الْعُلُوجَ

ای مردم عراق؛ خبر یافته‌ام که زنان شما در راهها پهلوی به پهلوی مردان



می‌زنند آیا شرم نمی‌کنید؟ آیا شما (مردان) حیا نمی‌کنید و غیرت نمی‌ورزید، زنانتان به بازارها رفته و مزاحم بیمار دلان می‌گردند؟<sup>۱</sup>

مردان غیور حتی از خانواده خود پا را فراتر گذاشته و نسبت به زنان مسلمان هم غیرت دارند و وظیفه حفاظت از دیگر زنان را هم بر گرده‌های خود حس می‌کنند. در زمان کشف حجاب به وسیله رضاخان پهلوی، رئیس پلیس قم که فردی بسیار پست و رذل بود به زور متوسل می‌شد تا از سر، زنان مؤمن، چادر و حجاب برگیرد. روزی در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام به می‌ان زنان باحجاب و صالحی که برای زیارت رفته بودند، رفت و قصد داشت با زور حجاب زن مؤمنی را برگیرد که با فریاد و ناله او و دیگر زنان حاضر در حرم، مرحوم آیت الله العظمی مرعشی به آن قسمت می‌رود و وقتی موضوع را مشاهده می‌کند، غیرت و جوانمردی وی از این مقدار ظلم به جوش می‌آید و به کمک آن‌ها می‌رود و سیلی محکمی به صورت رئیس پلیس می‌زند.

روحیه غیرت‌ورزی که در رزمندگان هشت سال دفاع مقدس وجود داشت سبب شد که برای دفاع از نوامیس شیعه و ایرانی از همسر و فرزندان خود جدا شده و راهی خطوط مقدم جنگ شوند. در همان ابتدای جنگ، شهید مصطفی چمران با اشاره به شرایط بغرنج شهرهای مرزی اظهار داشت: «تاروگاری که زنان و دختران معصوم ما مورد هجوم دشمنانند و پرده عفت آن‌ها دریده می‌شود و تاروگاری که توپخانه دشمن شهرهای ما را می‌کوبد و پیر و جوان، زن و کودک بیگناه ما را به خاک و خون می‌کشد و... من نیز صحنه نبرد را ترک نکنم و لذت آسایش و آرامش را بر خود حرام کنم.»

طاهره کلهر، همسر شهید ناصر حاجی حسین کلهر با اشاره به غیرت همسرش به عنوان عامل اصلی برای عزیمت به جبهه بیان کرد: آقا



ناصر در نامه‌هایی که برای یکی از دوستانش نوشته بود، این مورد را مطرح کرده بود. نوشته بود: در غرب کشور به روستایی رسیدیم که دیگر هیچ دختری نبود. زنان و دختران مورد تجاوز قرار گرفته بودند و خیلی‌ها باردار شده بودند. چند دختر ۱۲ و ۱۳ ساله که نتوانسته بودند شرایط را تحمل کنند، خودکشی کرده بودند. بنابراین دیگر نتوانستم نسبت به حضور در جبهه بی تفاوت باشم.

### غیرت دینی

غیرت دینی یعنی انسان مسلمان نسبت به کیان اسلام، مقدسات دینی و آنچه به دین خدا مربوط می‌شود، حساس و متعهد باشد؛ به‌گونه‌ای که نه تنها خود اهل عمل به دین باشد، بلکه با تمام توان در راه تبیین، اثبات و اجرای احکام الهی بکوشد و در برابر کوچک‌ترین خدشه، تحریف یا بی‌حرمتی به دین، ساکت نماند. اگر کسی به خط قرمزهای دین تعرض کرد، احکام الهی را زیر پا گذاشت یا اراده کرد دین خدا تغییر و تحریف ایجاد کند، باید در وجود مؤمن، غیرت دینی به جوش آید؛ تا جایی که در حد توان خود، برای دفاع از دین، مقابله با هتاکان و رسوا ساختن دین‌فروشان وارد می‌دان شود.

درآیه ۲۲۹ سوره بقره قرآن کریم نیز خداوند متعال بعد از بیان احکام ازدواج و طلاق که جزئی از معارف دینی است، به مومنین انذار می‌دهد که مراقب حدود الهی باشند تا مبادا به بیراهه روند و کسانی که احکام الهی را اجرا نمی‌کنند را ظالم معرفی می‌کند:

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْدُوْهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

اینها حدود خداست؛ پس از آنها تجاوز نکنید و کسانی که از حدود خدا تجاوز کنند، آنان بی‌تردید ستمکارند.

تعبیر امر به معروف و نهی از منکر در دین اسلام به جهت غریزه غیرت ورزی دینی مسلمانان بنا نهاده شده است. تا وقتی که مسلمانان



نسبت به منکرات در جامعه و ترک واجبات قدم بر ندارند، دین الهی از مسیر خود خارج شده و بدعت‌ها و احکام ساختگی جای اسلام ناب محمدی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را خواهد گرفت.

پیشوای ما شیعیان آقا امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام یکی از غیرتمندترین افراد نسبت به دین خودش است و هرگاه حضرت تخلف و تعدی از احکام الهی را مشاهده می‌کردند، با شدت به مبارزه برمیخواستند. یکی از دلایلی که مردم تن پرور عرب از حضرتش فاصله گرفتند همین غیرت ایشان نسبت به اجرای احکام و مسائل دینی بود.

یکی از این موارد داستان نجاشی شاعر معروف است: «نجاشی شخصی سالمند بود که زمان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حضور داشت، اما ایشان را ملاقات نکرده بود. در شعر و شاعری چیره دست و در هجو سلطان بود. همه خواص از زبانش می‌ترسیدند. چندین بار به امر امیرالمؤمنین نسبت به مذمت دشمنان به ویژه معاویه شعر گفته بود. در ماه رمضان مبارک سال ۳۸ نجاشی به اصرار دوستش شرب خمر کرد او هم با حالت مستی شروع به شعرخوانی کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام هم بر او حد شراب خواری زد و هم ۲۰ ضربه شلاق اضافه به خاطر شکستن حرمت ماه مبارک رمضان. تا قبل از جاری کردن حد، نزدیکان نجاشی نزد آن حضرت می‌آمدند تا ایشان را منصرف کنند و به اصطلاح لابی بازی کنند. می‌گفتند او که این همه در مدح شما شعر گفته است، هوایش را داشته باشید. حضرت ابداً کوتاه نیامد. در نهایت مسیرش را به سمت معاویه کج کرد و گفت به علی بگویید ما هم از شما بریدیم. حضرت فرمودند این حق خداست، اگر حق خودم بود، می‌بخشیدم. بعد اشاره به این بخش از آیه هشتم سوره مائده کردند

وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هَوَٰ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ؛

نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است.»



علمای دینی ما هم به پیروی از اولین امام شیعه و خلیفه برحق رسول الله ﷺ نسبت به احکام الهی حساس بودند و اجازه تضعیف دین را به غرض ورزان نمی‌دادند.

مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد تقی بافقی یکی از علمای بزرگ و صاحب کرامات، در امر به معروف و نهی از منکر بسیار سختگیر و با شجاعت و بی‌باک بود. چنانکه در یکی از حمام‌ها دید سرهنگی ریش خود را می‌تراشد؛ نزدیک آمده به او گفت: مگر تو نمی‌دانی که در اسلام ریش تراشی حرام و گناه است؛ چگونه به این گناه اقدام می‌کنی؟ سرهنگ از جرأت و اهانت ایشان عصبانی شده؛ کشیده‌ای به صورت شیخ زد و گفت به تو چه من ریشم را می‌تراشم؟ شیخ با کمال خونسردی مانند یک پدر دلسوز که فرزندش را نصیحت کند؛ طرف دیگر صورتش را به سمت او گرفت و فرمود: یک کشیده هم به این طرف صورتم بزنی؛ ولی خواهش می‌کنم ریشت را نتراش! سرهنگ از مشاهده این حلم و موعظه خیرخواهانه از عمل خود پشیمان شده از سلمانی حمام سؤال کرد؛ این آقا کیست؟ سلمانی گفت: این آقا شیخ محمد تقی بافقی است. سرهنگ چون شیخ را شناخت؛ بیشتر ناراحت شد. آمد و دست آقا را بوسید و عذرخواهی کرد و بعد به دست ایشان توبه کرد. بالاخره از نفس پاک شیخ عاقبت به خیر شد. مرحوم شیخ محمد تقی بافقی در تمام شهر قم، ریش تراشی را قذغن کرد و از سلمانی‌های قم تعهد گرفته بود که ریش نتراشند.

جرجی زیدان، تاریخ‌دان و ادب‌شناس بزرگ در کتاب تاریخ آداب اللغة العربیه نوشت: «شیعیان، آثار مکتوب قابل توجهی در تاریخ عرضه نکرده‌اند و نقش موثری در پیشرفت علوم اسلامی نداشته‌اند. سه نفر از علما که از دانش‌آموختگان حوزه علمیه نجف و تربیت‌یافته فرهنگ شیعه بودند و این ادعا را نادرست می‌دانستند بایکدیگر هم‌پیمان شدند که هر کدام



به‌گونه‌ای بر این سخن باطل زیدان پاسخی قاطع بیاورند: علامه شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء به نقد روش تحقیق این کتاب پرداخت و خطاهای متعدد آن را برشمرد و حاصل کار خود را به صورت کتابی به نام النقود و الردود (نقدها و پاسخ‌ها) منتشر ساخت. این کتاب در محافل علمی جای خود را باز کرد و نشان داد که چگونه کاری عالمانه می‌تواند ادعای نادرست را بی‌اثر کند. علامه سیدحسن صدر، نقش شیعیان را در پایه‌گذاری علوم اسلامی نشان داد و ثابت کرد که بسیاری از این علوم بی‌حضور شیعیان هیچ‌گاه شکل امروزی‌ن خود را نمی‌یافتند و... این تحقیق با نام «تأسيس الشیعه الکرام لعلوم الاسلام» منتشر شد... علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز با کوششی بی‌مانند کتابخانه‌های سراسر کشورهای اسلامی را کاوید و از میان کتاب‌های آن‌ها نزدیک به شصت هزار کتاب شیعی را شناسایی کرد و بدین ترتیب توانست کتاب‌شناسی بزرگ شیعه را از آغاز تاریخ اسلام تا عصر خویش تدوین کند. این کتاب شناسی که نگاه‌ی به ۱۳۰۰ سال فعالیت علمی شیعه دارد، طی حدود سی جلد با عنوان «الذریعه الی تصانیف الشیعه» (راهنمای آثار مکتوب شیعه) پاسخ محکمی بود به ادعای ناب‌جای جرجی زیدان.

رهبر انقلاب حضرت آیت الله خامنه هم در بیانی نسبت به اهمیت غیرت دینی می‌فرمایند: «عزیزان من، کسانی که این سخن را از این بنده حقیر می‌شنوید! غیرت دینی را حفظ کنید؛ غیرت دینی را حفظ کنید. عامل نجات کشور در بزنگاه‌های مختلف، غیرت دینی ملت ایران بوده. غیرت دینی است که تهدیدها را به فرصت تبدیل می‌کند.»<sup>۱</sup>

## ۲. غیرت ملی

وقتی هجمه‌ای به خاک وطن می‌شود و دشمنان بر علیه کیان کشور یورش می‌آورند، این غیرت ملی است که انسان را وادار به دفاع از



مرزهای وطن می‌کند. وقتی وطن در خطر است، غیرت ملی به مامی‌گوید که «سکوت، خیانت است» و دفاع، نه تنها حق، بلکه وظیفه است. همان غیرتی که در دل مدافعان حرم بود، در دل رزمندگان دفاع مقدس بود، و امروز هم باید در دل جوان ایرانی زنده باشد...

غیرت ملی، یک حس درونی برخاسته از عزت نفس، هویت دینی و تعلق به خاک و ملت است. همان نیروی خاموشی که بی هیچ دستور رسمی، انسان را به می‌دان می‌کشاند؛ فراتر از جناح و قوم و زبان، برای دفاع از آنچه «وطن» نام دارد.

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ<sup>۱</sup>

با یک حالت عتاب گونه می‌فرماید: چرا شما در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکان مظلوم و بی دفاعی که در چنگال ستمگران گرفتار شده اند پیکار نمی‌کنید

و امیر المومنین در نهج البلاغه از یاران خود که غیرت و عرق ملی و دفاع نداشته گلایه می‌کند<sup>۲</sup> ماجرا از آنجا شروع شد که:

نعمان بن شبیر، به عین التمر- که یکی از آبادی‌های معروف عراق بود حمله کرد. معاویه قبلاً به او گفته بود که منظور من از این گونه حمله‌ها ایجاد ترس و وحشت در دل مردم عراق است، نعمان- که از عثمانیان بود- برای این کار داوطلب شد و معاویه دو هزار رزمنده در اختیار او قرار داد و به او سفارش کرد که به شهرها و نقاط پر جمعیت نزدیک نشود و به مراکزی حمله کند که گروه اندکی از سپاهیان در آن منطقه باشند و نیز به سرعت ضربه ای بزند و باز گردد تا مبادا در چنگال سربازان عراق گرفتار گردد و نتیجه معکوس شود. نعمان حرکت کرد و به نزدیکی «عین التمر» رسید. مالک بن کعب (از سوی علی علیه السلام) در آنجا بود. همراه

۱- سوره مبارکه نسا/ ۷۵

۲- نهج البلاغه / خطبه ۳۹



مالك هزار رزمنده بودند، ولی به آنها اجازه داده بود که به کوفه برگردند و جز صد نفر با او باقی نمانده بود. مالك که از آمدن نعمان با خبر شد، نامه ای به امام عليه السلام نوشت و از ماجرا خبر داد.

هنگامی که نامه به علی عليه السلام رسید، به اصحاب خود فرمود: «برخیزید! و به یاری مالك بشتابید، زیرا نعمان با سپاه کوچکی از اهل شام به عین التمر حمله ور شد». ولی مردم به دعوت امام جواب مثبت ندادند. امام به سراغ رؤسای قبایل فرستاد و به آنان دستور داد که هم خودشان حرکت کنند و هم مردم قبیله خود را بسیج کنند. آنها نیز کار مثبتی انجام ندادند و تنها سیصد نفر یا کمتر جمع شدند. امام از این سستی و ضعف و زبونی و بی حرمتی نسبت به دعوت پیشوایشان، سخت بر آشفت و خطبه بالا را که مملو از نکوهش و سرزنش این قوم ضعیف و ناتوان است، ایراد فرمود و نشان داد که تمام مشکل مسلمانان و مردم عراق، در ضعف و زبونی این جمعیت است که مایه جسارت دشمنان و نومیدی دوستان شده است.

مُنَيْتُ بَيْنَ لَا يُطِيعُ إِذَا أَمَرْتُ وَلَا يُجِيبُ إِذَا دَعَوْتُ. لَا أَبَا لَكُمْ، مَا تَنْتَظِرُونَ بِنَصْرِكُمْ رَبِّكُمْ، أَمَّا دِينٌ يَجْمَعُكُمْ وَلَا حِمِيَّةٌ تُحْمِسُكُمْ؟ أَقُومُ فِيكُمْ مُسْتَضْرَحاً وَأُنَادِيكُمْ مُتَعَوِّثاً فَلَا تَسْمَعُونَ لِي قَوْلًا وَلَا تُطِيعُونَ لِي أَمْرًا حَتَّى [تَكْشِفَ] تَكْشِفَ الْأُمُورَ عَنْ عَوَاقِبِ الْمَسَاءَةِ، فَمَا يُدْرِكُ بِكُمْ ثَارٌ وَلَا يُبَلِّغُ بِكُمْ مَرَامٌ. دَعَوْتُكُمْ إِلَى نَصْرِ إِخْوَانِكُمْ فَجَزَجَرْتُمْ جَزَجَرَةَ الْجَمَلِ الْأَسَرِّ وَتَثَاقَلْتُمْ تَثَاقُلَ الْبِضْوِ الْأَذْبَرِ، ثُمَّ خَرَجَ إِلَيَّ مِنْكُمْ جُنَيْدٌ مَتَذَائِبٌ ضَعِيفٌ، كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ.

من گرفتار مردمی هستم که هرگاه به آنها فرمان می دهم، اطاعت نمی کنند و هر زمان که آنان را فرا می خوانم اجابت نمی کنند. ای بی اصله! برای یاری آیین پروردگارتان منتظر چه هستید؟ آیا دینی ندارید که شما را دور خود جمع کند و یا غیرتی که شما را به خشم آورد؟ من در میان شما به پا می خیزم و فریاد می کشم و دردمندانه از شما یاری می طلبم، اما نه سخن مرا می شنوید و نه از دستورم اطاعت می کنید! تا زمانی که عواقب



اعمال سوء شما ظاهر شود (و پشیمان گردید در زمانی که کار گذشته و پشیمانی سودی ندارد) با این حال نه با شما انتقام خون بی گناهی گرفته می‌شود و نه با کمک شما هدف مطلوبی به دست می‌آید.

من شما را به یاری برادرانتان. که در چنگال دشمن گرفتار شده‌اند. فرا خواندم ولی شما همانند شتری که از درد سینه بنالد، آه و ناله سر دادید و یا همانند حیوان لاغری که پشتش زخم باشد، گندی کردید! سپس گروه اندکی به سوی من آمدند، گروهی مضطرب و وحشت زده و ناتوان، که گویی آنها را به سوی مرگ می‌برند در حالی که آن را با چشم خود نظاره می‌کنند.

مشخص است که نبود غیرت ملی تا چه حد می‌تواند حتی مثل امام معصوم را دچار استیصال کند

بر همین اساس است که رهبری معظم انقلاب یکی از تلاش‌های دشمنان را نابود کردن غیرت ملی می‌دانند؛<sup>۱</sup>

یکی از کارهایی که امروز بشدت در برنامه‌ریزی‌های دشمنان انقلاب و دشمنان نظام جمهوری اسلامی مطرح است، عبارت است از حساسیت‌زدایی نسبت به اصول و بینات و مبانی انقلاب... اصول انقلاب در درجه‌ی اول، مثل حاکمیت دین... یا مثلاً عدم تسلیم در برابر دشمن مستکبر... این را تضعیف می‌کنند، [می‌گویند] مثلاً «آقا چرا، چه مانعی دارد، چه اشکالی دارد؟» یعنی کم‌رنگ کردن یک چنین اصول برجسته‌ای. یا استقلال کشور...

در جای دیگری از نیازهای اساسی نسل جوان را غیرت ملی می‌دانند<sup>۲</sup> نیاز اصلی کشور هم عبارت است از همت بلند شما. شما جوانها باید

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در ارتباط تصویری با مردم قم ۱۴۰۰/۱۰/۱۹

۲- بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۷/۸/۱۲



همت کنید، همت بلند داشته باشید، تلاش کنید، کار کنید، ترس را کنار بگذارید، تنبلی را کنار بگذارید، ابتکار را سرلوحه‌ی کار خودتان قرار بدهید، نوآوری را وظیفه‌ی بزرگ خودتان بدانید؛ البته با غیرت ملی، تعصب ملی؛ اینها چیزهایی است که برای کشور ما، برای جوانهای ما لازم است؛ در همه‌ی زمینه‌ها؛ یک مجموعه‌ی پُرنشاط، مجموعه‌ی فعال و متحرک<sup>۱</sup>.

کسانی که غیرت ملی از خود نشان دادند

#### ۱- رئیسعلی دلواری

وی همچنین در کشاکش جنگ جهانی اول و در حمله انگلیسی‌ها به بوشهر، رشادت بسیاری از خود نشان داد. ماجرا از این قرار بود که در سال ۱۹۱۴ میلادی در آغاز جنگ جهانی اول نیروهای انگلیس جنوب ایران را در معرض هجوم قرار دادند و کشتی‌های جنگی آن‌ها در مقابل بوشهر لنگر انداختند. نیروهای اشغالگر به تدریج قصد اشغال بوشهر و نواحی ساحلی اطراف را داشتند.

در واقع باید گفت بوشهر برای انگلیس به عنوان بندری تجاری و به لحاظ جغرافیای سیاسی در منطقه خلیج فارس با اهمیت تلقی می‌شد. حضور آلمان در بوشهر که در آن زمان با بریتانیا در جنگ بود، بهانه‌ای به دست داد تا آنها این شهر را اشغال کنند. انگلیس مقامات کنسول آلمان را دستگیر کرد که این اقدام اعتراض ایران را در پی داشت، به همین دلیل رئیسعلی دلواری با کسب تکلیف از علماء در اوایل رمضان سال ۱۳۳۳ خود را برای دفاع از بوشهر و جلوگیری از پیشروی نیروهای انگلیسی آماده کرد

#### ● کسب تکلیف از علما

انگلیسی‌ها بسیار تلاش کردند تا رئیسعلی را با پول بخرند و مبلغ ۴۰ هزار



پوند به او پیشنهاد دادند اما او بدون توجه به اینگونه پیشنهادهای، در نامه‌ها و تلگراف‌های متعدد به تهران، شیراز، بوشهر، کربلا و نجف به دولتمردان سیاسی و مجتهدان، نارضایتی خود را از حضور انگلیس در منطقه اعلام می‌کرد و از این عالمان یعنی آیت الله سید عبدالحسین لاری، سیدعبدالله مجتهدی بلادی بوشهری و آیت الله شیخ محمدحسین برازجانی برای جهاد و قیام علیه قوای انگلیس کسب تکلیف می‌کرد. سرانجام مرحوم برازجانی، تصویری از حکم جهاد را که مراجع شیعه از نجف اشرف ارسال کرده بودند به ضمیمه حکم خود مبنی بر جهاد با کفار انگلیسی و جلوگیری از رخنه آنها به بنادر جنوب، لزوم همکاری خوانین این مناطق و بسیج مردم مسلمان برای رفتن به می‌دان جنگ را صادر می‌کند.

#### ● رویارویی با انگلیسی‌ها

به دنبال اعلان جهاد از طرف علما و مجتهدان، رئیس‌علی و دیگر مبارزان تنگستانی و دشتی به قوای انگلیسی مستقر در بوشهر حمله کردند. نیروهای اطلاعاتی بریتانیا در یک اقدام بی‌سابقه و غیرقانونی، کنسول آلمان در بوشهر را به همراه دو تن از ماموران یک شرکت تجاری آلمان به اتهام جاسوسی علیه انگلیس بازداشت و به هندوستان تبعید کردند. این عمل نقض آشکار بی‌طرفی و حتی استقلال ایران بود، به همین دلیل نیز خشم علماء، مردم، خوانین و در راس همه رئیس‌علی را برانگیخت و او را وا داشت تا بر شدت مبارزه علیه انگلستان بیفزاید.

رئیس‌علی در یورش‌های شبانه ضربات و تلفات موثری بر انگلیسی‌ها وارد آورد. در یکی از این شبیخون‌ها که در دوم رمضان سال ۱۳۳۳ رخ داد؛ وی دو تن از افسران بلندپایه انگلیسی را به همراه یازده نفر سرباز هندی از پای درآورد. نیروهای رئیس‌علی بدون تلفات برگشتند. این پیروزی بیش از آنکه اهمیت نظامی داشته باشد، اهمیت سیاسی و روانی داشت. این اقدام وحشت مردم از انگلیس را کم کرد و سبب شد



ابهت این دشمن پرآوازه در اذهان شکسته شود. اقدام رئیس‌علی برای دولت بریتانیا غیرقابل تحمل بود و سبب شد، سرفرماندهی نیروهای انگلیسی در شرق نیروهای آماده اعزام به بغداد را که تعدادشان ۲ هزار نفر بود؛ برای مقابله و حمله به پایگاه رئیس‌علی (روستای دلوار) به بوشهر فراخواند

### ● شهادت

رئیس‌علی که پیشاپیش از حمله به دلوار آگاهی داشت، بلافاصله اقدام به تخلیه دلوار و عقب‌نشینی تاکتیکی به کوه‌های اطراف منطقه‌ای معروف به کلات بوجیر کرد. سربازان متجاوز انگلیسی و هندی هنگامی وارد دلوار شدند که تقریباً روستا خالی از سکنه بود. آنها خشمگینانه شروع به گلوله باران منازل مسکونی و قطع نخل‌های دلوار کردند. رئیس‌علی در همان شب با ۴۰۰ نفر از نیروهای خود به قوای انگلیسی شبیخون زدند و ۶۰ نفر از نیروهای متجاوز از جمله یک ژنرال بلندپایه را از پای درآوردند و همین امر سبب پیروزی وی در جنگ شد. پس از این جنگ رئیس‌علی به حملات شبانه خود به بوشهر و پادگان انگلیسی‌ها افزود و با همفکری دیگر خوانین منطقه طرح حمله سراسری به بوشهر و آزادسازی آن را پی ریخت. در گیلو دار تدارک این حمله بود که در سال ۱۳۳۳ هنگامی که او قصد شبیخون به عمارت سفید سبزآباد را داشت، در محلی به نام تنگک صفر از پشت مورد اصابت گلوله یکی از همراهان خائنش قرار گرفت و در ۳۴ سالگی به شهادت رسید. پیکروی ابتدا در روستای کله‌بند به خاک سپرده، اما مدتی بعد بنا به وصیتش به نجف اشرف برده و در قبرستان وادی السلام دفن شد

۱۲ شهریور سالروز شهادت دلواری، به دلیل مجاهدت‌های این مبارز نامدار با مصوبه شورای عالی انقلاب در سال ۱۳۸۹ به نام روز ملی مبارزه با استعمار نامگذاری شده است

۲- غیرت ملی سید حسن مدرس



یکی از مهم‌ترین لحظات اختلاف می‌ان مدرس و رضا شاه، استیضاح سردار سپه در مجلس بود. در سال ۱۳۰۳، زمانی که رضاخان هنوز وزیر جنگ بود و در حال قدرت‌گیری در کشور بود، برخی از اقدامات او در زمینه‌های مختلف، به‌ویژه در سیاست‌های نظامی و اجتماعی، باعث نارضایتی برخی از نمایندگان مجلس، از جمله سید حسن مدرس شد.

مدرس که مخالف دیکتاتوری و روش‌های فراقانونی سردار سپه بود، اقدام به استیضاح وی در مجلس کرد. او به ویژه از عملکرد رضاخان در زمینه‌های مختلف اداری و سیاسی، که به‌طور آشکار مخالف اصول قانونی و مشروطه بود، انتقاد داشت. از نظر مدرس، سردار سپه به‌عنوان وزیر جنگ و در آینده شاه، از بی‌قانونی‌های متعددی برخوردار بود که می‌توانست تهدیدی برای استقلال و آزادی کشور و ملت ایران باشد.

رضاخان که از این استیضاح وحشت داشت و می‌دانست که با پیروزی مدرس، موقعیت او در خطر خواهد بود، تلاش کرد تا این استیضاح را متوقف کند. برای این منظور، او اقدام به فرستادن عده‌ای از جیره‌خواران و مزدوران خود به مجلس کرد تا با ایجاد فشار، استیضاح مدرس را بی‌اثر کنند. یکی از وقایع مهم دوران رضاخان، استیضاح مدرس از سردار سپه بود. مرحوم مدرس به واسطه‌ی بی‌قانونی‌هایی که سردار سپه در دوره‌ی ریاست وزرای خود مرتکب شده بود، وی را استیضاح کرد. رضاخان که از این استیضاح بسیار وحشت داشت، عده‌ای از جیره‌خواران را به مجلس فرستاد تا استیضاح را به هم بزنند. خودش نیز قبل از تشکیل جلسه‌ی مجلس در ایوان مجلس ایستاد تا صدای "زنده باد" و "مرده باد" مزدوران خود را بشنود و در واقع آنان را سان ببیند.

در همین اثناء، مدرس سر رسید. مأمورین فریاد زدند: «زنده باد سردار سپه.» مدرس با بی‌اعتنایی عصای خود را به زمین زد و گردنش را کج کرد که مثلاً چه می‌شود؟ بعد مأمورین با فریادی رساتر گفتند: «مرده



باد مدرس.» مدرس در این موقع قدی علم کرد و ایستاد، عصایش را به جمعیت تماشاجی کرد و گفت: «مردم بگوئید: زنده باد مدرس.» اثر حرف و قوه‌ی جاذبه‌ی سید طوری جماعت را منقلب ساخت که همه ناگهان منقلب شدند و فریاد زدند: «زنده باد مدرس».

بعد از آن، برای اینکه مدرس اظهار قدرت بیشتری بکند، رو به جمعیت آورد و گفت: «مردم بگوئید: مرده باد سردار سپه». این بار مردم با صدای بلندتری فریاد کشیدند: «مرده باد سردار سپه». مدرس پس از این پیروزی از پله‌ها بالا رفت و در بالکن یقه سردار سپه را گرفته، رو به مردم کرد که بگوئید: «صدبار مرده باد سردار سپه و صدبار زنده باد مدرس». جمعیت از رشادت و دلیری سید به هیجان آمده، همان شعاری را که مدرس داده بود با صدای بلند چند بار تکرار کردند.

سردار سپه پس از این اهانت، خشمگین شده و با مدرس گلاویز شد و می‌خواست سید را از بالکن به پایین بیندازد، اما قائم مقام‌الملک رفیع و تیمورتاش مانع این کار شدند. سردار سپه هم با عصبانیت و خشم از مجلس رفت.<sup>۱</sup>

۱- دوانی، علی (۱۳۹۴). نهضت روحانیون ایران، جلد اول و دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.





جلسه هشتم

مسئولیت پذیری





از مفاهیم بسیار مهمی که همواره در جوامع بشری و تمدنی مورد توجه بوده و در مکتب اسلام نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار است مفهوم مسئولیت و مسئولیت پذیری در عرصه های مختلف زندگی است. در این گفتار به چند فاکتور مهم درباره این مفهوم بسیار ارزشمند و مهم خواهیم پرداخت.

### مسئولیت پذیری در لغت

مسئولیت، به معنای پاسخ گو بودن و مورد بازخواست قرار گرفتن است. در لغت، مسئولیت را مرادف با مَوْظَّف بودن و یا متعهد بودن به انجام امری می دانند.<sup>۱</sup>

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای درباره مسئولیت و مسئولیت پذیری می فرمایند:

پاسخگویی یک مفهوم غربی نیست؛ یک مفهوم اسلامی است. بعضی ها از هر چیزی خوششان بیاید، سعی می کنند آن را به گونه ایی به فرآورده های افکار و مدنیت غربی منسوب کنند. نه، پاسخگویی یک حقیقت اسلامی است؛ این همان مسؤولیت است. مسؤولیت، یعنی هر انسانی در هر مرتبه یی که هست، در درجه ی اول از خود



سؤال کند، ببیند رفتار و گفتار و تصمیم گیری او تحت تأثیر چه بود؛ عاقلانه و بر اساس پرهیزگاری بود، یا خودخواهانه و برای شهوات و اغراض شخصی بود. اگر انسان توانست وجدان خود را آرام کند و به ندای اندرون خود پاسخ گوید، خواهد توانست به دیگران هم پاسخگو باشد. «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»<sup>۱</sup> همین چشمی که شما دارید - که می تواند ببیند، بشناسد و تشخیص دهد - همین گوشی که دارید - که می تواند سخن حق را بشنود و به دل شما منتقل کند و جوارح شما را تحت تأثیر قرار دهد - همین قلبی که دارید - که می تواند احساس کند، تصمیم بگیرد و راه را انتخاب کند (که از هویت واقعی انسان به «قلب» تعبیر می شود) - وسیله ای است که خدای متعال شما را در مقابل اینها پاسخگو می داند. همه ی ما باید جواب دهیم با چشم خود چه دیدیم؛ آیا دیدیم؟ آیا دقت کردیم؟ آیا خواستیم ببینیم؟ خواستیم بشنویم؟ خواستیم تصمیم بگیریم و عمل کنیم؟ این همان پاسخگویی است. فرمود: «كَلَّكُمْ رَاعٍ وَكَلَّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»<sup>۲</sup> همه ی شما مسئولید. البته کسی که حیطه ی وسیعی از زندگی انسانها با قلم و زبان و تصمیم او تحت تأثیر قرار می گیرد، مسؤولیتش به همان نسبت بیشتر است.<sup>۳</sup>

### مسئولیت پذیری در قرآن و روایات

خداوند متعال در آیات متعدد چه به صورت مستقیم و چه به صورت ضمنی و مصداقی اشاره به مفهوم والای مسئولیت پذیری می کند و در جایی می فرماید:

۱. قُلْ أَغْيَرَ اللَّهُ بَنِيَّ رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ

۱ سوره مبارکه الإسراء آیه ۳۶

۲ ارشاد القلوب، جلد ۱ ص ۱۸۴

۳ ۲۶/۰۱/۱۳۸۳



وَأَزْرُهُ وُزْرُ أُخْرَىٰ نُمِرَ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ<sup>۱</sup>

بالاخره بگو: با آنکه خدا صاحب اختیار همه چیز است، دنبال خدایی غیر از او باشیم؟! هرکه کاری بکند، فقط به عهده خودش است و کسی بارگناه کسی را به دوش نمی‌کشد. دست آخر، به سوی خداست برگشتن و او از هر چیزی که سرش اختلاف داشته‌اید، با خبرتان می‌کند.

وزر را برخی به معنای بار سنگین دانسته و به نوعی آنرا به مسئولیت نیز معنا کرده‌اند، واژه وزیر نیز از همین معنی مشتق شده است، چون بارهای سنگین حکومت را بر دوش می‌کشد، و گناهان را نیز به همین جهت وزر گویند چرا که بار سنگینی است بر دوش گنهکار

وَلَا تَقِفْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا<sup>۲</sup>

دنبال آنچه نمی‌دانی، راه نیفت؛ زیرا درباره گوش و چشم و دل که راه‌های دانستن‌اند، درباره همه این‌ها، باید جوابگو باشید.

انسان مسئولیت پذیر امکانات و سرمایه‌های خودش را خرج هر چیزی نمی‌کند چرا که می‌داند بابت آنچه گوشش را خرج شنیدن آن کرده، بابت آنچه چشمش را برای دیدنش باز کرده و بابت دل بستن به هر چیزی که دل درگرو آن نهاده است باید پاسخگو باشد بلکه انسان مسئولیت پذیر روزی که باید جواب پس دهد را هرگز فراموش نمی‌کند.

۳. امام علی علیه السلام بارها پیروان خود را به تقوی درقبال مسئولیتهایی که بر دوش گرفته‌اند سفارش کرده و حتی آنان را در مقابل زمین و حیوانات نیز مسئول دانسته و می‌فرماید: **إِتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَلَا تَعْصُوهُ<sup>۳</sup>**

۱ انعام ۱۶۴

۲ اسراء ۳۶

۳ نهج البلاغه خطبه ۱۶۷



از خدا نسبت به بندگان و شهرهایش پروا کنید زیرا دارای مسئولیت هستید حتی نسبت به زمینها و حیوانات و خداوند را اطاعت کنید و از نافرمانی او بپرهیزید.

۴. امام کاظم علیه السلام:

...أَوْجِبُ الْعِلْمَ عَلَيْكَ مَا أَنْتَ مَسْئُولٌ عَنِ الْعَمَلِ بِهِ...

بر اساس این فرمایش مسئولیت پذیری یعنی فهم اینکه هر انسانی باید کاری را انجام دهد که در آن تخصص دارد و وقت خود را صرف کارهایی که علم و آگاهی آن را ندارد نکند.

### مبنای مسئولیت پذیری

هرچیز ارزشمندی یک بنایی دارد و بر پایه ی اصولی استوار است مسئولیت پذیری نیز از این قاعده مستثنی نیست و دارای مبانی است که برای فهم آن قطع به یقین باید به آنها توجه کرد.

#### ۱. توانمندی‌ها

اولین اصل و مبنایی که بر اساس آن مسئولیت‌های ما تعریف می‌شود قدرت و توانمندی‌های ماست.

خداوند حکیم با اندکی تفاوت در بیان، این مفهوم که: ما بر اساس توان بر شما تکلیف کردیم را ۵ مرتبه در قرآن کریم به کار می‌برد. به یک آیه اشاره می‌کنیم

لَا يَكْفِيكَ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا<sup>۱</sup>

خدا هرکس را فقط به اندازه توانش مسئول می‌داند

وسع "از نظر لغت به معنی گشایش و قدرت است، بنا بر این آیه، این حقیقت عقلی را تایید می‌کند، که وظایف و تکالیف الهی هیچگاه بالاتر از



میزان قدرت و توانایی افراد نیست و لذا باید گفت تمام احکام با همین آیه تفسیر و تقييد می‌گردد، و به مواردی که تحت قدرت انسان است اختصاص می‌یابد، بدیهی است يك قانون‌گذار حکيم و دادگر نمی‌تواند غير از اين قانون وضع کند<sup>۱</sup>

از مهمترین راه‌ها جهت تشخیص ارزش و منزلت افراد نزد خدا و ولی خدا مسئولیت‌هایی است که خدا یا ولی خدا بر عهده شخص می‌گذارد به این معنا که مسئولیتها توانمندی و قدرت یک شخص را معرفی می‌کند

خداوند متعال پیغمبر خودش را اینطور معرفی می‌کند: وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ پیامبر مسئولیت دارد مایه رحمت و واسط رحمت الهی برای همه آحاد بشر باشد

یکی از افرادی که از متعالی‌ترین الگوها در تاریخ بشریت برای هر انسانی محسوب می‌شود وجود نازنین قمر منیر بنی‌هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام هستند که برای شناخت ایشان به بخشی از مسئولیت‌هایش اشاره می‌کنیم

سقا. علمدار. پاسبان خیمه‌ها. فرمانده سپاه اما آنچه از همه مهمتر است این مسئولیت ایشان است که حضرتشان کاشف الکرب عن وجه الحسین بودند یعنی کسی که اندوه و غصه‌ها را از چهره اباعبدالله علیه السلام برطرف می‌کرد. همه مادرک می‌کنیم که امام به عنوان ولی خدا در زمین مسائلش و غصه‌هایش عادی نیست و امام به خاطر خانه. زمین و دارایی‌ها ناراحت نمی‌شود بلکه امام وقتی حقناید گرفته شود و فساد و تباهی در زمین زیاد شود که اگر حتی یک نفر هم آلوده باشد غصه دار می‌شود چرا که هادی تمام بشریت است و غصه‌های امام به وسعت تمام عالم هستی است حال آنکه قرار است در کنار امام و حمل



بار سنگین هدایت بشر یاور ایشان باشد حضرت عباس علیه السلام بوده است.

هرکدام از ما انسانها به اندازه توان خودمان در هر شرایطی مسئولیت داریم و باید نسبت به انجامش کوتاهی نکنیم

یک کارگر. یک رفتگر. یک معلم. یک روحانی. یک امام جماعت. یک کاسب. یک نانوا. یک فعال فضای مجازی. یک دکتر. یک کسی که سواد رسانه دارد و می تواند حربه های دشمن و تیرهای آلوده او در فضای شایعه پراکنی را خنثی کند. کسی رفع و دفع شبهات و.... به اندازه توانمان مسئولیت پذیر باشیم که اگر کمتر از توانمان بگذاریم قطعاً مواخذه خواهیم شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:

كُلُّ نَعِيمٍ مَسْئُولٌ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَا كَانَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى<sup>۱</sup>

خداوند از تک تک نعماتی که به ما داده سوال می کند. سلامتی. جوانی. عمر. آبرو که مثلاً آیا برای هدایت کسی رفع حاجت نیازمندی خرجش کردی یا نه. مال و ثروت و حتی همسر و فرزندان و پدر و مادر و....

## ۲. علم و دانسته های ما

در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَةُ خَطَايَا وَ أَلْتَسْبِيَانِ وَ مَا أُكْرِهُوا عَلَيْهِ وَ مَا لَا يُطِيقُونَ وَ مَا لَا يَعْلَمُونَ وَ مَا أَضْطَرُّوا إِلَيْهِ وَ الْحَسَدُ وَ الطَّيْرَةُ وَ التَّفَكُّرُ فِي الْوَسْوَسةِ فِي الْخَلْقِ مَا لَمْ يَنْطِقْ بِشَفَةِ<sup>۲</sup>.

از امت من نه چیز برداشته شده: خطا (که بی اختیار و به غفلت از کسی



صادر شود)، فراموشی چیزی که بر آن اکراه و جبر شده باشند، آنچه طاقت و توانایی آن را ندارند، آنچه را که نمی دانند، آنچه به آن مضطرب و ناگزیر شده باشند، حسد، طیره (یعنی تأثر نفس به فال بد) و تفکر در وسوسه در خلق مادامی که به زبان نیامده باشد (که مراد وسوسه های شیطانی است).

ما بابت آنچه که نمی دانستیم و باید انجام می دادیم و جهل ما باعث شد ترک کنیم و بابت آنچه باید ترک می کردیم و ندانستن ما عامل ارتکاب آن شد مواخذه نخواهیم شد ولی بابت آنچه می دانستیم و عمل نکردیم و توجه نکردیم قطعاً مورد سوال و مواخذه خواهیم شد.

### ۳. امکانات ما

لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا

برای این جور خرج ها، هرکه دستش باز است، به تناسب توان مالی اش هزینه بکند و هرکه دستش تنگ است، از همان قدر که خدا به او داده. خدا هرکس را فقط به همان اندازه که به او داده، مسئول می داند. البته خدا بعد از هر سختی، نوعی راحتی خواهد آورد.

اثر و خروجی هر انسانی در این دنیا حداقل باید اندازه امکاناتش باشد که اگر کمتر باشد قطعاً زیان کار خواهد بود هرچند پدر علم موشکی ایران شهید تهرانی مقدم در جمله ای بسیار عجیب می فرمود: فقط انسانهای ضعیف به اندازه امکاناتشان کار می کنند.

### گستره مسئولیت پذیری

#### ۱. در برابر خدا

مسئولیت انسان در برابر خداوند، شامل شناخت، عبادت، شکرگزاری، وفاداری و اطاعت از دستورات اوست. انسان باید در برابر نعمات الهی



سپاسگزار باشد، از گناهان دوری کند، و در سختی‌ها صبور باشد و تسلیم قضای الهی گردد

امام سجاد علیه السلام در رساله حقوقشان می‌فرمایند:

فَأَمَّا حَقُّ اللَّهِ الْأَكْبَرُ عَلَيْكَ فَأَنْ تَعْبُدَهُ لَا تُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا فَإِذَا فَعَلْتَ بِالْإِخْلَاصِ  
جَعَلَ لَكَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيكَ أَمْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

پس حق بزرگ خداوند بر تو این است که او را بپرستی و چیزی را شریک او قرار ندهی. آنگاه که با اخلاص وظیفه‌ات را انجام دادی، خدا بر تو مقرر فرموده که کار دنیا و آخرت تو را کفایت کند. در برابر خود

بعد از آن، مسئولیت در برابر خود انسان قرار دارد. از آن جا که زندگی انسان مقدس است و توسط ما خلق نشده است، ما مسئولیم که روحمان را هم مثل تنمان سالم نگه داریم و به خود صدمه‌ی روحانی یا جسمانی وارد نکنیم (مگر در مورد جنگ و یا دیگر مواردی همچون حمایت از دیگران یا دفاع از خود). به همین دلیل، خودکشی در اسلام گناهی بزرگ محسوب می‌شود. این باور مدرن می‌گوید «این بدن من است و هرچه بخواهم با آن انجام می‌دهم» در دیدگاه اسلامی دیده نمی‌شود؛ اسلام می‌گوید: «بدن من متعلق به من نیست؛ زیرا من آن را نیافریده‌ام و به خداوند تعلق دارد.

امام سجاد علیه السلام در رساله حقوقشان می‌فرمایند:

حَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَهَا بِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَهَا بِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَهَا بِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَهَا بِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ  
است که در اطاعت خدای متعال بکار ببری

## ۲. ولی خدا

عَنْ أَبِي حمزة قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا حَقُّ الْإِمَامِ عَلَى النَّاسِ قَالَ:  
حَقُّهُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَسْمَعُوا لَهُ وَيُطِيعُوا



ابو حمزه گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: حق امام بر مردم چیست؟  
فرمود: حق او بر آنها اینست که: سخنش را بشنوند و فرمانش برند

### ۳. خانواده

امام سجاد علیه السلام در مورد حقوق متقابل زن و شوهر می فرماید: حق زن این است که بدانی خدای عزوجل او را مایه تسکین و انس تو قرار داد و بدانی این نعمت از سوی خدا به تو ارزانی شد و باید آن را گرمی بداری و به او مهربانی کنی. اگر چه حق تو بر او واجب تر است. او نیز بر تو حق دارد که به وی ترحم کنی، زیرا او اسیر توست، و غذا و لباسش را فراهم نمایی و اگر از روی نادانی حرکتی کرد، عفوش نمایی<sup>۱</sup>

امام کاظم علیه السلام: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا حَقَّ الْوَالِدُ عَلَى الْوَلَدِ قَالَ لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ وَلَا يَمْسِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا يَجْلِسُ قَبْلَهُ وَلَا يَسْتَسْبِ لَهُ<sup>۲</sup>

از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد: حق پدر بر فرزندش چیست؟ فرمود: او را به نامش نخواند، و جلوییش راه نرود، و قبل از او ننشیند، و باعث دشنام به او نشود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ إِذَا كَانَ ذَكَرًا أَنْ يَسْتَفْرِهُ أُمُّهُ وَيَسْتَحْسِنَ اسْمَهُ وَيُعَلِّمَهُ كِتَابَ اللَّهِ وَيُطَهِّرَهُ وَيُعَلِّمَهُ السَّبَاحَةَ وَإِذَا كَانَتْ أُنْثَى أَنْ يَسْتَفْرِهُ أُمُّهَا وَيَسْتَحْسِنَ اسْمَهَا وَيُعَلِّمَهَا سُورَةَ الثَّوْرِ وَلَا يُعَلِّمَهَا سُورَةَ يُوسُفَ وَلَا يُنْزِلُهَا الْغُرْفَ وَيُعْجِلَ سَرَاحَهَا إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا أَمَّا إِذَا سَمَّيَهَا فَاطِمَةَ فَلَا تَسْبُهَا وَلَا تَلْعَنُهَا وَلَا تَضْرِبُهَا.<sup>۳</sup>

حق فرزند پسر بر پدرش این گونه است که برای او، مادر زیرک و با شرافتی انتخاب کند، برایش نام زیبایی بگذارد، به او قرآن بیاموزد، او را ختنه کند و بر او شنا آموزش دهد. و برای فرزند دختر، مادر زیرک برگزیند،

۱ رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

۲ وسائل الشیعة ج ۲۱ ص ۵۰۵

۳ الکافی ج ۶ ص ۴۸



برایش نام زیبایی انتخاب کند، به او سوره نور بیاموزد، سوره یوسف را نیاموزد و او را در طبقه فوقانی خانه جای ندهد و در فرستادن او به خانه شوهرش شتاب کند

#### ۴. جامعه

در بعضی از مثل‌های عامیانه ما یک چیزهایی هست که با این مفهوم خیلی سازگار نیست؛ می‌گویند هر کسی چهار دیواری اختیاری دارد و در چهار دیواری خودش، خودش است و خودش، به دیگران چه ربطی دارد؟! در فرهنگ غربی همین‌گونه است؛ اگر به یک کسی مثلاً بگویی خوب رانندگی کن! چرا این جور رانندگی کردی؟! می‌گویند به شما مربوط نیست! اگر کسی هم بخواهد دخالت کند پلیس باید دخالت کند، به شما ربطی ندارد! اما جامعه ایمانی این‌گونه نیست؛ همه به هم مربوط هستند و درباره هم مسئول هستند که اگر بخواهیم به آیات و روایات در این زمینه اشاره کنیم ساعتها می‌شود گفتگو کرد و کتابها نوشت منتهی در اینجا اکتفا می‌کنیم به یکی از جامع‌ترین روایات در این زمینه که فرمایش نبی مکرم اسلام است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِلْمُسْلِمِ عَلَى أَخِيهِ ثَلَاثُونَ حَقًّا - لَا بَرَاءَةَ لَهُ مِنْهَا إِلَّا بِالْأَدَاءِ أَوِ الْعَفْوِ يَغْفِرُ زَلَّتْهُ وَيَرْحَمُ عَثَرَتَهُ وَيَسْتُرُ عَوْرَتَهُ وَيُقِيلُ عَثَرَتَهُ وَيَقْبَلُ مَعْدِرَتَهُ وَيَرُدُّ غِيبَتَهُ وَيُدِيمُ نَصِيحَتَهُ وَيَحْفَظُ خُلَّتَهُ وَيَزْعَى ذِمَّتَهُ وَيَعُودُ مَرْصَتَهُ وَيَشْهَدُ مِيتَتَهُ وَيُجِيبُ دَعْوَتَهُ وَيَقْبَلُ هَدِيَّتَهُ وَيُكَافِي صِلَتَهُ وَيَشْكُرُ نِعْمَتَهُ وَيُحْسِنُ نُصْرَتَهُ وَيَحْفَظُ حَلِيلَتَهُ وَيَقْضِي حَاجَتَهُ وَيَشْفَعُ مَسْأَلَتَهُ وَيُسَمِّتُ عَطْسَتَهُ وَيُرْسِدُ ضَالَّتَهُ وَيَرُدُّ سَلَامَهُ وَيُطِيبُ كَلَامَهُ وَيَبْزِي إِنْعَامَهُ وَيُصَدِّقُ إِفْسَامَهُ وَيُؤَالِي وَلِيَّهُ وَلَا يُعَادِيهِ وَيَنْصُرُهُ ظَالِمًا وَمَظْلُومًا فَأَمَّا نَصْرَتُهُ ظَالِمًا فَيَرْدُّهُ عَنْ ظُلْمِهِ وَأَمَّا نَصْرَتُهُ مَظْلُومًا فَيُعِينُهُ عَلَى اخْذِ حَقِّهِ وَلَا يُسَلِّمُهُ وَلَا يَحْذُلُهُ وَيُحِبُّ لَهُ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ وَيَكْرَهُ لَهُ مِنَ الشَّرِّ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ إِنْ أَحَدُكُمْ لَيَدْعُ مِنْ



## حُقُوقِ أَخِيهِ شَيْئًا فَيُطَالِبُهُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقْضِي لَهُ وَعَلَيْهِ.<sup>۱</sup>

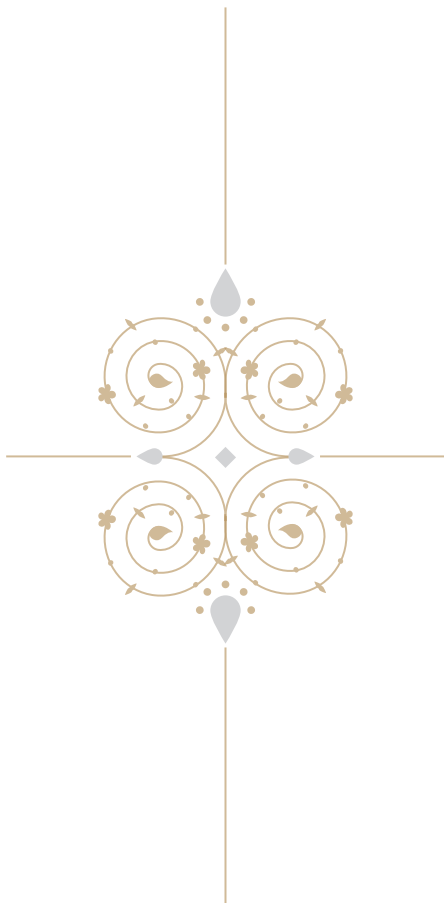
هر مسلمانی بر ذمه برادر مسلماننش سی حق دارد، ذمه‌اش از آنها بری نمی‌شود مگر این که آن حقوق را ادا کند یا برادرش از او درگذرد، (آن حقوق عبارتند) از لغزش او چشم بیپوشد، به اشک چشمش شفقت آرد، عیبش را بیپوشاند، لغزشش را نادیده بگیرد، عذرش را بپذیرد، اگر کسی غیبت او را کرد از او دفاع کند، همواره خیر خواهش باشد، دوستی و محبت او را حفظ کند، عهد و پیماننش را مراعات نماید در موقع بیماری عیادتش کند، در تشییع جنازه‌اش حاضر شود، دعوتش را بپذیرد، هدیه‌اش را قبول کند، و آن را جبران نماید، نعمتش را سپاسگزار باشد، با بهترین وجه او را یاری دهد، زن و بچه او را محافظت کند، حاجتش را روا کند، در انجام خواسته‌اش کوشش نماید، موقع عطسه کردن «یرحمک الله». بگوید، راهنمای گمشده‌اش باشد، و به سلامش پاسخ دهد، کلامش را خوب تلقی کند، بخشش او را ارج نهد، سوگندهایش را تصدیق نماید، دوست او را دوست داشته باشد و با وی دشمنی نکند، اگر ظالم و یا مظلوم واقع شد او را یاری کند، اما یاری نمودن در حال ستمگری او را از ستم کردن باز دارد، و اما یاری دادن در حال مظلومیت در باز پس گرفتن حقش به او کمک نماید، گرفتارش نکند، خوارش ندارد، آنچه که از خیر برای خودش می‌خواهد برای او نیز بخواهد، و آنچه که از بدیها برای خودش نمی‌پسندد برای او نیز نپسندد، سپس فرمود: از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می‌فرمود: هر يك از شما اگر چیزی از حقوق برادرش را به جا نیاورد، روز قیامت از او مطالبه و بر نفع و یا ضرر او حکم خواهد شد.





جلسه نهم

مواسات اجتماعى





برخی از ارزشهای اخلاق اجتماعی در شرایط معمولی زندگی کاربرد دارند مانند تواضع، تعاون و... لیکن برخی از ارزشها در شرایط سخت ضرورت پیدامی‌کنند

مواسات یکی از همان ارزشهاست

مواسات یعنی کمک کردن به دیگران در تمام امور

مواسات را به طور دقیق این گونه می‌توان معنا کرد:

«مواسات یعنی اندوهگین شدن از مشکلات و دردهای دیگران و ابراز همدردی با آنان، به گونه‌ای که خود را مانند آنان ببیند و از داروها و دارایی‌های خود، آن مشکلات را اصلاح و دردها را درمان کند.» بر اساس این معنا، مفهوم مواسات، تنها مربوط به مواسات مالی نیست. بلکه مواسات در تمام مشکلات، نیازها و خلأهای جامعه است.

مقام معظم رهبری درباره مواسات می‌فرمایند:

«مواسات یعنی همراهی کردن و کمک کردن به برادر مؤمن در همه‌ی امور. انسان وظیفه بداند؛ کمک فکری، کمک مالی، کمک جسمانی، کمک آبرویی» (۱۶) و «یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیتها و مشکلات خود تنها



نگذاشتن؛ به سراغ آنها رفتن و دست کمک رسانی به سوی آنها دراز کردن»<sup>۱</sup>

### اهمیت مواسات

در اهمیت مواسات همین بس که حکومت نبوی و علوی مبتنی بر مواسات بودند و حکومت مهدوی نیز بر اساس مواسات اداره می‌شود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره ویژگی حکومت مهدوی می‌فرماید: «حکومت الهی حضرت بقیة الله عَلَيْهِ السَّلَام حکومتی است که در آن مقررات حاکم بر مردم، خواست آمریکا و دیگر قدرتهای زورگوی شرق و غرب نیست، بلکه حکومت عدالت، مواسات و مساوات و حکومت معنویت و فضیلت است و امروز هر کسی که برای عدالت، در راه دین و خدمت به محرومان حرکت می‌کند باید خوشحال و امیدوار باشد زیرا آینده متعلق به اوست»<sup>۲</sup>

### مواسات مفهوم تمدن ساز

اساساً مفاهیم بنیادی اسلامی را باید با نگاه تمدن‌سازی نگریست. مفهوم مواسات نیز مانند بسیاری از مفاهیم دیگر یک مفهوم تمدن‌ساز است. مواسات، نقش اساسی در ساختن جامعه و کشور اسلامی (به عنوان یکی از مراحل مهم تمدن نوین اسلامی) دارد.

به همین دلیل پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«مَثَلُ الْمُؤْمِنِ فِي تَوَادِّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى بَعْضُهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى»<sup>۳</sup>

مثل مؤمنان در پیوند و دوستی و محبت و رحمت به هم (واهمیت دادن به سرنوشت یکدیگر) مثل یک پیکر زنده است که اگر عضوی از

۱ بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۱/۹/۱۵

۲ دیدار اقشار مختلف مردم با رهبر انقلاب در سالروز می‌لاد امام زمان (عج)، ۱۳۷۳/۱۰/۲۷

۳ بحار الأنوار (چاپ بیروت)، ج ۵۸، ص: ۱۵۰



آن به درد آید، سایر اجزای پیکر با آن اظهار همدردی می‌کنند.

لذا وقتی ایشان حکومت اسلامی را در مدینه تأسیس کردند، به ویژه در اوایل هجرت، با توصیه به مواسات، پایه‌های حکومت اسلامی را ایجاد و تقویت کردند. همان‌گونه که در تاریخ معروف است، مهاجرت پیامبر و یاران‌شان به مدینه، سختی‌های بسیاری را برای مهاجران، به وجود آورده بود، مانند نبود خانه، مشکلات اقتصادی و... در این می‌ان، انصار با عمل به دستور مواسات، توانستند این مشکلات را برطرف کرده و نظام اسلامی را «قوی» کنند.

انصار، در خانه‌های خود با مهاجرین مشترک زندگی می‌کردند، محصول خرمای خود را با مهاجرین تقسیم می‌کردند.<sup>۱</sup> این رفتار پیامبر ﷺ و مواسات انصار و مهاجرین، یک الگوی کامل برای «تقویت» نظام اسلامی و عبور از مشکلات است و به خوبی نشان می‌دهد اساساً نسخه‌ی کارآمد برای «قوی کردن» نظام اسلامی در دوران سختی‌ها و مشکلات، عمل به «مواسات» است.

### سختی مواسات

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

ثَلَاثٌ مِنْ أَشَدِّ مَا عَمِلَ الْعَبَادُ: إِنْصَافُ الْمُؤْمِنِ مِنْ نَفْسِهِ، وَ مُوَاسَاةُ الْمَرْءِ أَخَاهُ، وَ ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ....<sup>۲</sup>

سه چیز از سخت‌ترین کارهای بندگان است: انصاف داشتن مؤمن، کمک مالی انسان به برادرش و به یاد خدا بودن در همه حال...

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در شرح این روایت می‌فرماید: «سه چیز هست که جزو تکالیف بسیار مهم و دشوار مؤمنین است؛ کارهای سخت... جزو مهمترین کارهاست؛ البته سخت است. و هیچ کار خوب

۱ البداية و النهاية، ج ۳، ص ۲۷۹؛ مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۱۰، ص ۴۰

۲ الخصال: ۱۳۸/۱۳۱.



و بزرگی بدون سختی که امکان ندارد.» همچنین در دعا می‌خوانیم:

«وَأَرْزُقْنِي مَوَاسَاةَ مَنْ قَتَرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رَزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ»

خدایا! مرا این عطا فرما که از آنچه به فضل خود بر من گشایش داده‌ای، نسبت به کسی که روزی را بر او تنگ کرده‌ای، مواسات کنم.

### سطوح مواسات

گاه مواسات در حد همدردی و همدلی عاطفی است

گاه در سطح همراهی اقتصادی است

گاه در سطح جانبازی و فدا شدن است که مصداق بارز این سطح از مواسات را در کر بلا شاهد هستیم

در تاریکی شب به یاران خویش فرمود:

من و اساناً بنفسه کان معنا غدا فی الجنان نجیباً من غضب الرحمان

هر کس با جانانش، با ما مواسات داشته باشد، فردای قیامت در بهشت با ما خواهد بود و از خشم الهی نجات پیدا خواهد کرد.»

یکی از زیباترین جلوه‌های مواسات - بلکه ایثار - وقتی است که میان اصحاب و بنی‌هاشم، پیش مرگی مطرح می‌شود، آن گاه که عباس علیه السلام به بنی‌هاشم می‌فرماید:

«اصحاب، غریبه به حساب می‌آیند، بار سنگین را باید اهلش بردارند. فردا صبح، شما نخستین گروهی باشید، که به میدان می‌روید، ما پیش از آنان به استقبال مرگ می‌رویم، تا مردم نگویند، اصحاب را جلوتر از خودشان به میدان فرستادند...»

بنی‌هاشم برخاسته، شمشیرها را کشیدند و گفتند: «ما همه با تو هم عقیده ایم.» اما در سویی دیگر، در خیمه ای اصحاب گرداگرد حبیب جمع شده‌اند، حبیب می‌گوید: «یاران برای چه به این جا آمده‌اید، سخن



خود را واضح بگویند.»

گفتند: «آمده ایم تا غریب زهرا را یاری کنیم.» حبیب گفت: «صبح فردا چه می کنید؟» گفتند: «هر آنچه بگویی گوش می کنیم.» گفت:

«صبح که شد، شما اولین افرادی باشید که به میدان می روید، ما زودتر به مبارزه می پردازیم. مبادا یکی از بنی هاشم خون آلود شود، در حالی که ما جانی در بدن و خونی در رگ داریم، تا مردم نگویند سروران خود را به جنگ فرستادند و از فداکاری دریغ کردند.»

همه شمشیرها را کشیدند و گفتند: «همه ما با تو هم عقیده ایم.»

و آن گاه که دو تن از جوانان غفاری، خدمت امام حسین علیه السلام آمده و اجازه میدان رفتن خواستند، امام به آن دو فرمود: خداوند بهترین پاداش نیک را به شما دهد که این گونه حاضر به یاری و مواسات من هستید.

## آثار مواسات

### الف. تقویت فضائل اخلاقی

انسانهایی که اهل مواسات هستند در یک نقطه‌ی اخلاقی متوقف نمی‌مانند و همین‌طور رشد می‌کنند تا به اوج فضایل اخلاقی می‌رسند. لذا امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

«مَا تَقَرَّبَ الْمُؤْمِنُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ مُوَاسَاةِ الْمُؤْمِنِ، وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا حُبَبْتُمْ»<sup>۱</sup>

مؤمن با چیزی برتر از مواسات نسبت به مؤمن، به خداوند عزّ و جلّ نزدیک نشده است، و این، همان سخن خدای متعال است که: «هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا این که از آنچه دوست دارید، انفاق کنید.»



**ب. استجابت دعا در حق مواسات‌کننده**

امام صادق علیه السلام در روایت مهمی می‌فرمایند:

«ثَلَاثَ دَعَوَاتٍ لَا يُجَبَّنُ عَنْ اللَّهِ (تَعَالَى): دُعَاءُ الْوَالِدِ لِوَلَدِهِ إِذَا بَرَّهُ، وَ دَعْوَتُهُ عَلَيْهِ إِذَا عَقَّه، وَ دُعَاءُ الْمَظْلُومِ عَلَى ظَالِمِهِ، وَ دَعَاؤُهُ لِمَنْ انْتَصَرَ لَهُ مِنْهُ، وَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ دَعَا لِأَخٍ لَهُ مُؤْمِنٍ وَاسَأَهُ فِينَا، وَ دَعَاؤُهُ عَلَيْهِ إِذَا لَمْ يُوَاسِهِ مَعَ الْقُدْرَةِ عَلَيْهِ وَ اضْطِرَارِ أَخِيهِ إِلَيْهِ.»<sup>۱</sup>

سه دعاست که از درگاه خداوند متعال رد نمی‌شود: دعای پدر برای فرزندش، هرگاه که به او نیکی کند، و نفرینش در حق او، آن‌گاه که از او نافرمانی نماید؛ نفرین ستم‌دیده در حق کسی که به او ستم کرده است، و دعایش برای کسی که انتقام او را از ستمگری گرفته است؛ و دعای مرد مؤمن برای برادر مؤمنش که به خاطر ما نسبت به او مواسات کرده است، و نفرینش در حق او که می‌توانسته به وی کمک کند و نکرده، در حالی که وی به آن محتاج بوده است.

**ج. تقویت انس و الفت و مهربانی در جامعه**

یکی از آثار مهم مواسات، ایجاد انس و الفت در میان جامعه است. روایات بسیاری در این زمینه وارد شده است. به عنوان نمونه امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَا حَفِظَتِ الْأُخُوَّةُ مِثْلَ الْمُوَاسَاةِ»<sup>۲</sup>

هیچ چیزی مانند مواسات، پیوند برادری را حفظ نمی‌کند. اگر به مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی توجه کنیم، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این مکتب را این ویژگی تشکیل می‌دهد. که حاج قاسم را هر روز در یک می‌دان مبارزه می‌دیدیم ایران عراق سوریه لبنان.

مرحوم آخوند خراسانی رحمته الله علیه، صاحب کفایه را دیدند که نیمه شب چراغ به دست، در کوچه‌های تاریک و ترسناک نجف می‌رود. گفتند

۱. الأمالی (شیخ طوسی)، ص: ۲۸۰

۲. عیون الحکم و المواعظ (البیہی)، ص: ۴۷۷



آقا کجا می‌روید؟ گفت: زن همسایه ما درد زایمان گرفته است و کسی نیست دنبال ماما برود، شوهر او غریب است و ممکن است ماما دنبال او نیاید، زن من هم نیمه شب نمی‌تواند برود. لذا من دارم می‌روم او را بیاورم.

#### د. فقرزدایی و ترمیم شکاف طبقاتی

مواسات، یکی از راهکارهای مهم برای ریشه‌کنی فقر و برقراری عدالت اجتماعی است. این راهکار، را باید در منظومه‌ی فکری اقتصاد مقاومتی و تمدن‌سازی دینی، تحلیل کرد. به ویژه اینکه یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی، «مردمی بودن» آن است.

وقتی فاطمه زهرا علیها السلام را در شب عروسی به خانه شوهر می‌بردند، فقیری از حضرت پیراهن کهنه‌ای درخواست کرد. فاطمه زهرا علیها السلام به یاد این آیه **«لَقَدْ تَنَالُوا الْبِرَّ...»** افتاد و همان پیراهن عروسیش را به او بخشید.

اگر آحاد جامعه اسلامی به این درجه از محبت اجتماعی برسند که در مهمترین مراسم زندگی خود محبوبترین امکانات خود را به دیگران ببخشند دیگر نه فقری خواهد ماند و نه نیازمندی

البته همه نمی‌توانند در سطح اهل بیت علیهم السلام حرکت کنند اما الگوگیری از آنها در زمینه مواسات می‌تواند ما را به آنها نزدیک کند مانند عبدالله جعفر همسر حرت زینب علیها السلام

#### غلام بافتوت

عبدالله بن جعفر، غلام سیاهی را دید که در باغی کارگری می‌کند، به وقت غذا سگی وارد باغ شد و در برابر غلام نشست. غلام لقمه‌ای به او داد، باز سگ بانگاه خود تقاضای غذا کرد، غلام غذای خود را لقمه لقمه به او داد تا تمام شد.

از او پرسید: خودت چه می‌خوری؟

گفت: من امروز سهمی ندارم. پرسید: چرا این کار را کردی؟ گفت: این



سگ از راه دور آمده و گرسنه بود. عبدالله از فتوت این غلام تعجب کرد. آن باغ و غلام را خرید، غلام را آزاد کرد و باغ را به او بخشید.<sup>۱</sup>

یکی از کاربردهای مهم مواسات در گرفتاری‌هایی است که در دوران جنگ دامان مردم مظلوم را می‌گیرد و یکی از بهترین راهکارها برای انجام وظیفه و رهایی از بی تفاوتی، مواسات است.

عَلَيْهِ السَّلَام  
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

هـ. زمینه‌سازی برای حکومت حضرت مهدی

یکی از آثار مهمی که رهبر انقلاب در ضمن بیان اهمیت و ضرورت مواسات، به آن اشاره فرمودند، این است که:

«ما برای اینکه ارادتمان به امام زمان ثابت بشود، بایستی صحنه‌ها و جلوه‌هایی از جامعه‌ی مهدوی را خودمان به وجود بیاوریم. جامعه‌ی مهدوی، جامعه‌ی قسط و عدل است و جامعه‌ی عزت است؛ جامعه‌ی علم است، جامعه‌ی مواسات و برادری است؛ اینها را بایستی ما در زندگی خودمان تحقق ببخشیم، به قدر امکان خودمان؛ این ما را نزدیک می‌کند.»<sup>۲</sup>

اشاره قران بسیار دقیق است که می‌فرماید: **آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ** به خدا و پیامبرش ایمان آورید، و از اموالی که خدا شما را در آن جانشین خود قرار داده، انفاق کنید؛ پس برای کسانی که شما که ایمان آورده و انفاق کرده اند، پاداش بزرگی خواهد بود. یعنی ایمان بدون عمل کفایت نمی‌کند ایمان همراه انفاق است که اجر عظیم دارد. و چه اجری بالاتر از همراهی با امام و هم‌کابی با او **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُنْتُمْ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا**

۱ تفسیر المنار.

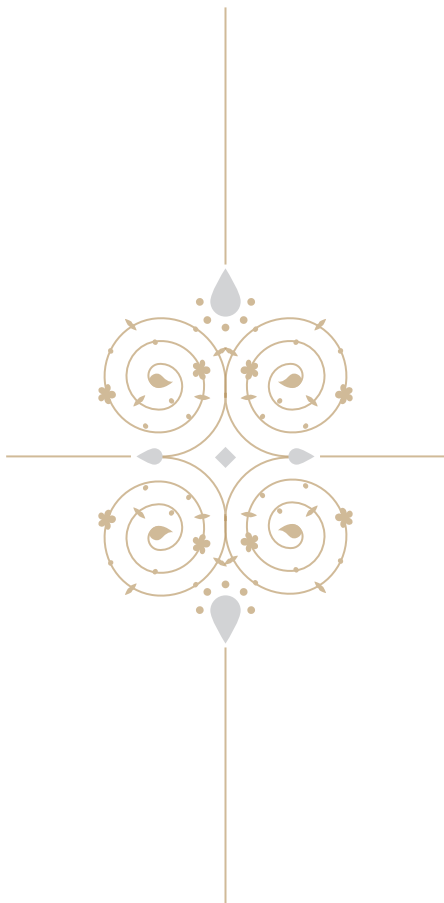
۲ سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت حضرت امام زمان (عج)، ۱۳۹۹/۰۱/۲۷

۳ حدید، آیه ۷



جلسه دهم

مدیریت بحران



## مقدمه

هرگز زندگی انسانها در شرایط یکنواختی طی نمی‌شود بلکه با پستی و بلندی و فراز و فرودهایی همراه است

یک روز دارائی است و یک روز فقر

یک روز سلامتی است و یک روز مریضی

یک روز تولد عزیزی است و یک روز مرگ عزیز دیگر

یک روز تکریم می‌شود و یک روز تحقیر

یک روز جوان است و پیرانرژی و یک روز پیر و ضعیف و افتاده

یک روز روز در امنیت است و صلح و یک روز در ناامنی و جنگ

امیر المومنین علیه السلام این حقیقت را اینگونه بیان می‌کند که: **الْدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ فَإِنْ كَانَ لَكَ فَلَا تَبْطِرُ وَإِنْ كَانَ عَلَيْكَ فَاصْبِرْ فِكِلَاهُمَا عَنَّا يَمَضِي** <sup>۱</sup> روزگار دو روز است؛ روزی به کام تو و روزی به زیان تو. چون به کام تو بود، سرمست مشو و چون به زیان تو بود، غمناک مباش؛ زیرا هر دو مایه آزمایش توست.

بنا بر این باید خود را آماده روزه‌های سخت کنیم و برای مدیریت بحرانها آماده شویم

### مفهوم شناسی بحران

بحران به معنای یک وضعیت ناگهانی و غیرمنتظره است که می‌تواند خسارات جدی و مخاطرات قابل توجهی برای افراد، جوامع و سازمان‌ها ایجاد کند. بحران معمولاً با آشفتگی، تنش، و ناپایداری همراه است و نیاز به اقدامات اساسی و فوری برای حل و فصل آن وجود دارد.

مفهوم بحران در حوزه‌های مختلفی از جمله جامعه‌شناسی، روانشناسی، و مدیریت، کاربرد دارد.

در جامعه‌شناسی، بحران به عنوان یک رویداد یا وضعیتی تعریف می‌شود که نظام‌های اجتماعی و روابط بین افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند منجر به تغییرات اساسی در ساختارها و کارکردهای اجتماعی شود.

در روانشناسی، بحران می‌تواند به عنوان یک وضعیت اضطراب‌آور و پرفشار تعریف شود که توانایی فرد را برای مقابله با مشکلات به چالش می‌کشد.

در مدیریت، بحران به عنوان یک رویداد یا وضعیتی در نظر گرفته می‌شود که عملکرد عادی یک سازمان را مختل می‌کند و نیاز به اقدامات فوری برای کاهش اثرات منفی آن وجود دارد.

### انواع بحران

#### الف: بحرانهای فردی

انسانها در طول زندگی با دو نوع بحران مواجه می‌شوند:

بحران‌های فردی یعنی مصیبت‌هایی که برای فرد اتفاق می‌افتد که می‌تواند فقر یا مریضی و یا داغ از دست دادن عزیزش باشد که در قرآن نیز فهرستی از آنها بر شمرده شده است



«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ»<sup>۱</sup>

(حتماً و حتماً با مشکلات امنیتی و اقتصادی مختصری و نیز با ضررهای مالی و جانی و زراعی امتحانتان می‌کنیم)

### ب: بحرانهای اجتماعی

گاهی اوقات مصیبت فردی نیست بلکه عمومی و اجتماعی است و همه مردم يك جامعه درگیر این مصیبت هستند

سیل، جنگ، زلزله و...

گروه‌های درگیر در بحرانهای اجتماعی

در مصیبت‌های اجتماعی سه گروه درگیرند که عبارتند از:

۱. مصیبت زده‌ها

۲. آحاد مردم

فرض کنید جامعه درگیر مصیبتی مانند سیل شده است که طبیعتاً عده‌ای از دنیا می‌روند. یا نمونه دیگر که در دنیا تجربه شد ویروس کرونا بود که از زمان شیوع و درگیری جوامع انسانی و کشورها عده‌ای از مردم بر اثر درگیری با این ویروس از دنیا رفتند. در این مصائب اجتماعی دسته اول کسانی هستند که خودشان گرفتار می‌شوند.

دسته دوم عموم مردم هستند که بالاخره در همین وضعیت هستند هرچند ممکن است خودشان مبتلا نشده باشند و کسی را از دست نداده باشند

در چنین جایی نسخه‌ای که خدا برای ما می‌پیچد اینست که:

دسته اول صبوری کنند



بلکه علاوه بر صبوری کردن حواسشان باشد که با اتهام زنی به دیگران و حرفهای غیر دقیق باعث ایجاد یک بحران روانی دیگر در جامعه نشده و همسو با رسانه‌های دشمن گامی برندارند

دسته دوم مواظب باشند در تحلیلشان آب به آسیاب دشمن نریزند.

یعنی باعث ایجاد چالش‌های جدید نشوند، کاری نکنند به هم ریختگی زیادتر بشود. به عنوان مثال اگر زمانی در کشور هواپیمایی به اشتباه موشک خورده است و عده‌ای از دنیا رفته‌اند آنهایی که عزادار هستند، صبوری کنند و بقیه مردم مواظب باشند که احیاناً با تایید و عدم تایید شان آب به آسیاب دشمن نریزند

### اقدامات بنیادین و مشترک در بحران‌های زندگی

۱. آمادگی برای مواجهه با بحران:

یعنی تمرین مواجهه با بحران:

آمادگی یوسف برای بحران آینده:

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ<sup>۱</sup>

[یاد کن] آن گاه که یوسف به پدرش گفت: پدرم! من در خواب دیدم یازده ستاره و خورشید و ماه برایم سجده کردند!

خداوند با بشارتها و اندازهای گوناگون اولیاء خودش را برای روزهای سخت آماده می‌کند

یوسف در خواب می‌بیند که چه گرفتاریهایی بر سرش می‌آید لذا خودش را برای رویارویی با آنها آماده می‌کند

آمادگی سیدالشهدا از کودکی برای شهادت:



از انجائی که مصیبت امام حسین علیه السلام و بحرانهائی که پیش روی اوست اعظم مصائب است خداوند بارها و بارها به صورت قطره چکانی او را از این بحرانها آگاه می‌کند

### خبر دادن پیامبر از حادثه کربلا و شهادت امام حسین

ام فضل دختر حارث روایت کرده: حسین در بغل من بود که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم در حالی که حسین را با خود داشتم. پس او را در دامن رسول خدا صلی الله علیه و آله گذاشتم، سپس متوجه شدم که چشمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از اشک لبریز شده اند. به آن حضرت گفتم: ای پیامبر خدا! پدر و مادرم فدای تو باد! تو را چه می‌شود؟ حضرت فرمود: «جبرئیل نزد من آمد و مرا خبر داد که امتم این پسر مرا خواهند گشت».

ام فضل پربیشان گشت و گفت: این کشته می‌شود؟ و به حسین اشاره نمود. حضرت فرمود: آری. و جبرئیل تربتی سرخ رنگ از تربتش را برای من آورد ام فضل به گریه پرداخت و غم و اندوهی فراوان براو دست یافت.

نه تنها پیامبر با اخبار از شهادت امام حسین علیه السلام، او را برای مواجهه با بحران آماده می‌کند

بلکه سعی بر آماده سازی امت با این بحران نیز دارد

در روایت مهمی نقل شده است که: هنگامی که امام حسین علیه السلام دو ساله شد، برای رسول خدا صلی الله علیه و آله مسافرتی پیش آمد، ناگهان در یکی از رهگذرها ایستاد و در حالی که اشک از چشمانش سرازیر می‌شد، گفت: **«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»**. یکی از حاضران از علت ناراحتی پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید، آن حضرت فرمود: «این جبرئیل است که از زمینی در کنار فرات به نام کربلاست، به من خبر می‌دهد که فرزندم حسین در آن کشته می‌شود». شخصی پرسید: ای رسول خدا! چه کسی آن حضرت را می‌کشد؟



فرمود: «مردی که نامش یزید است؛ گویی به قتلگاه و مرقد حسین می‌نگرم.» پیامبر ﷺ به سفر خود ادامه داد و پس از مدتی غمگین بازگشت، مردم در مسجد اجتماع کردند، پیامبر ﷺ بر فراز منبر رفت، در حالی که حسن و حسین علیهما السلام در پیش رویش بودند، خطبه خواند. پس از خطبه، دست راستش را بر سر امام حسن علیهما السلام و دست چپش را بر سر امام حسین علیهما السلام قرار داد، سپس سرش را به سوی آسمان بلند کرد و عرض کرد: «خدا یا! محمد بنده و رسول تو است، و این دو پاک‌ترین خاندان من و برترین افراد خانواده و شجره من هستند، این دو را بعد از خود در می‌ان اتمم به یادگار می‌گذارم. جبرئیل به من خبر داد که این پسرم کشته و واگذاشته می‌شود، خدا یا! کشته شدن در راه خدا را برای او مبارک گردان و او را از سادات و سروران شهیدان قرار بده. خدا یا! به قاتل و خوارکننده او برکت نده؛

اللَّهُمَّ إِنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَنَبِيَّكَ وَهَذَا أَطَائِبُ عِشْرَتِي وَخِيَارُ ذُرِّيَّتِي وَأَرْوَمَتِي وَمَنْ أَخْلَفُهُمَا فِي أُمْتِي وَقَدْ أَخْبَرَنِي جِبْرِيلُ ع أَنَّ وَلَدِي هَذَا مَقْتُولٌ مَحْذُولٌ اللَّهُمَّ فَبَارِكْ لَهُ فِي قَتْلِهِ وَاجْعَلْهُ مِنْ سَادَاتِ الشُّهَدَاءِ اللَّهُمَّ وَلَا تَبَارِكْ فِي قَاتِلِهِ وَخَاذِلِهِ همه حاضران با صدای بلند، زار زار گریستند، پیامبر ﷺ به آنها فرمود: «أَتَبْكُونَ وَلَا تَنْصُرُونَهُ؟ آیا گریه می‌کنید، ولی او را یاری نمی‌کنید؟»<sup>۱</sup>

یادآوری حوادث آینده توسط حضرت زهرا علیها السلام یا خواب امیر المومنین در صفین یا تذکر امام حسن علیهما السلام در آستانه شهادت که فرمود **لا یوم کیومک یا ابا عبد الله** حاکی از همین مطلب است که همگی می‌خواستند اند این بحران را متذکر شوند

## ۲. پذیرش تقدیرات الهی:

هر بحران در زندگی انسان به وجود می‌آید باید این نکات مد نظر باشد:

۱. اینکه تقدیرات الهی قابل تغییر نیست:



## تشرف شیخ حسین آل رحیم

شیخ باقر کاظمی (ره) فرمود:

در نجف شخصی به نام شیخ حسین آل رحیم زندگی می کرد که مردی پاک طینت و از مقدسین و مشغول به تحصیل علم بود. ایشان به مرض سل مبتلا شد، به طوری که باسرفه کردن از سینه اش اخلاط و خون خارج می شد. با همه این احوال در نهایت فقر و پریشانی بود و قوت روز خود را هم نداشت.

غالب اوقات نزد اعراب بادیه نشین در حوالی نجف اشرف می رفت تا مقداری قوت، هر چند که جو باشد بدست آورد. با وجود این دو مشکل، دلش به زنی از اهل نجف تمایل پیدا کرد، اما هر دفعه که او را خواستگاری می کرد، نزدیکان زن به خاطر فقرش جواب مثبت به او نمی دادند و همین خود علت دیگری بود که در هم و غم شدیدی قرار بگیرد.

مدتی گذشت و چون مرض و فقر و ناامیدی از آن زن، کار را بر او مشکل کرده بود، تصمیم گرفت عملی را که در بین اهل نجف معروف است انجام دهد، یعنی چهل شب چهارشنبه به مسجد کوفه برود و متوسل به حضرت بقیة الله علیه السلام بشود، تا به مقصد برسد.

شیخ حسین می گوید: من چهل شب چهارشنبه بر این عمل مواظبت کردم. شب چهارشنبه آخر شد. آن شب، تاریک و از شب های زمستان بود. باد تندی می وزید و باران اندکی هم می بارید.

من در درکه مسجد که نزدیک در است نشسته بودم، چون نمی شد داخل مسجد شوم، به خاطر خونی که از سینه ام می آمد و چیزی هم نداشتm که اخلاط سینه را جمع کنم و انداختن آن هم که در مسجد جایز نبود. از طرفی چیزی نداشتm که سرما را از من دفع کند، لذا دلم تنگ و غم و اندوهم زیاد گشت و دنیا پیش چشمم تاریک شد.



فکر می‌کردم شبها تمام شد و امشب، شب آخر است، نه کسی را دیدم و نه چیزی برایم ظاهر شد.

این همه رنج و مشقت دیدم بار زحمت و ترس بر دوش کشیدم تا بتوانم چهل شب از نجف به مسجد کوفه بیایم با همه این زحمات، جز یاس و ناامیدی نتیجه‌ای نگرفتم. در این کار خود تفکر می‌کردم در حالی که در مسجد احدی نبود. آتشی برای درست کردن قهوه روشن کرده بودم و چون به خوردن آن عادت داشتم، مقدار کمی با خودم از نجف آورده بودم، ناگاه شخصی از سمت در اول مسجد متوجه من شد. از دور که او را دیدم، ناراحت شدم و با خود گفتم: این شخص، عربی از اهالی اطراف مسجد است و نزد من می‌آید تا قهوه بخورد. اگر آمد، بی قهوه می‌مانم و در این شب تاریک هم و غم زیاد خواهد شد. در این فکر بودم که به من رسید و سلام کرد. نام مرا برد و مقابلم نشست.

از این که اسم مرا می‌دانست تعجب کردم! گمان کردم او از آنهایی است که اطراف نجف هستند و من گاهی می‌همانشان می‌شوم. از او سؤال کردم از کدام طایفه عرب هستی؟ گفت: از بعضی از آنهایم. اسم هر کدام از طوایف عرب را که در اطراف نجف هستند بردم، گفت: نه از آنها نیستم.

در این جا ناراحت شدم و از روی تمسخر گفتم: آری، تو از طری طره ای؟ (این لفظ يك کلمه بی معنی است) از سخن من تبسم کرد و گفت: من از هر کجا باشم، برای تو چه اهمیتی خواهد داشت؟ بعد فرمود: چه چیزی باعث شده که به این جا آمده‌ای؟ گفتم: سؤال کردن از این مسائل هم به تو سودی نمی‌رساند. گفت: چه ضرری دارد که مرا خبر دهی؟ از حسن اخلاق و شیرینی سخن او متعجب شدم و قلبم به او مایل شد و طوری شد که هر قدر



صحبت می کرد، محبتم به او زیادتر می شد، لذا يك سبیل (یکی از دخانیات) ساخته و به او دادم. گفت: خودت بکش من نمی کشم. برایش يك فنجان قهوه ریختم و به او دادم. گرفت و کمی از آن خورد و بعد فنجان را به من داد و گفت: تو آن را بخور. فنجان را گرفتم و آن را خوردم و متوجه نشدم که تمام آن را نخورده است. خلاصه طوری بود که لحظه به لحظه محبتم به او زیادتر می شد. به او گفتم: ای برادر امشب خداوند تو را برای من فرستاده که مونس من باشی. آیا حاضری با هم کنار حضرت مسلم علیه السلام برویم و آن جا بنشینیم؟ گفت: حاضرم. حال جریان خودت را نقل کن. گفتم: ای برادر، واقع مطلب را برای تو نقل می کنم. از روزی که خود را شناخته ام شدیداً فقیر و محتاجم و با این حال چند سال است که از سینه ام خون می آید و علاجش را نمی دانم. از طرفی عیال هم ندارم و دلم به زنی از اهل محله خودمان در نجف اشرف مایل شده است، ولی چون دستم از مال و ثروت خالی است گرفتنش برایم میسر نمی شود. این آخوندها مرا تحریص کردند و گفتند: برای حوائج خود متوجه حضرت صاحب الزمان علیه السلام بشو و چهل شب چهارشنبه در مسجد کوفه بیتوته کن، زیرا آن جناب را خواهی دید و حاجت را عنایت خواهد کرد و این آخرین شب از شبهای چهارشنبه است و با وجود این که این همه زحمت کشیدم اصلاً چیزی ندیدم. این است علت آمدنم به این جا و حوائج من هم همینها است. در این جا در حالی که غافل بودم، فرمود: سینه ات که عافیت یافت، اما آن زن، پس به همین زودی او را خواهی گرفت، و اما فقرت، تا زمان مردن به حال خود باقی است. در عین حال من متوجه این بیان و تفصیلات نشدم و به او گفتم: به طرف مزار جناب مسلم علیه السلام برویم؟ گفت: برخیز. برخاستم و ایشان جلوی من براه افتاد.

وقتی وارد مسجد شدیم، گفت: آیا دو رکعت نماز تحیت



مسجد را نخوانیم؟ گفتم: چرا. او نزدیک شاخص (سنگی که میان مسجد است) و من پشت سرش با فاصله ای ایستادم. تکبیرة الاحرام را گفتم و مشغول خواندن فاتحه شدم. ناگاه قرائت فاتحه او را شنیدم به طوری که هرگز از احدی چنین قرائتی را نشنیده بودم.

از حسن قرائتش باخود گفتم: شاید او حضرت صاحب الزمان علیه السلام باشد و کلماتی شنیدم که به این مطلب گواهی می داد.

تا این خیال در ذهنم افتاد به سوی او نظری انداختم، اما در حالی که آن جناب مشغول نماز بود، دیدم نور عظیمی حضرتش را احاطه نمود، به طوری که مانع شد که من شخص شریفش را تشخیص دهم. همه اینها وقتی بود که من مشغول نماز بودم و قرائت حضرت را می شنیدم و بدنم می لرزید، اما از بیم ایشان نتوانستم نماز را قطع کنم، ولی به هر صورتی که بود نماز را تمام کردم. نور حضرت از زمین به طرف بالا می رفت.

مشغول گریه و زاری و عذرخواهی از سوء ادبی که در مسجد با ایشان داشتم، شدم و عرض کردم: آقای من، وعده شما راست است.

مرا وعده دادید که با هم به قبر مسلم علیه السلام برویم. این جا دیدم که نور متوجه سمت قبر مسلم علیه السلام شد.

من هم به دنبالش براه افتادم تا آن که وارد حرم حضرت مسلم علیه السلام گردید و توقف کرد و پیوسته به همین حالت بود و من مشغول گریه و ندبه بودم تا آن که فجر طالع شد و آن نور عروج کرد. صبح، متوجه کلام آن حضرت شدم که فرمودند: اما سینه ات که شفا یافت، و دیدم سینه ام سالم و ابدًا سرفه نمی کنم. یک هفته هم طول نکشید که اسباب ازدواج با آن دختر من حیث لا احتسب (از جایی که گمان نداشتم) فراهم شد و فقر هم به حال خود



باقی است، همان طوری که آن جناب فرمودند.<sup>۱</sup>

چیکار کنیم که با تقدیرات الهی کنار بیاییم:

● اعتماد به خدا:

مقام معظم رهبری:

اگر روز اول انقلاب کسانی می گفتند که این جامعه ی اسلامی، انقلاب اسلامی، می تواند از لحاظ رتبه ی علمی و رتبه ی فناوری و رتبه ی سیاسی و رتبه ی نفوذ منطقه ای و مانند اینها به اینجا برسد، حتماً هیچ کس باور نمی کرد؛ اما شده؛ به خاطر اینکه شما به خدا متکی بودید و کار کردید. البته اتکاء به خدا معلوم است که به معنای بیکاری و بیکارگی نیست.<sup>۲</sup>

اعتماد به خدا در کلام رهبر انقلاب:

بنی اسرائیل یک روزی آن چنان قدرت معنوی ای پیدا کردند که با اینکه مردشان، زنشان، فرزندانشان زیر شکنجه ی فرعون بودند، توانستند فرعون را مغلوب کنند، توانستند ایستادگی کنند، مقاومت کنند تا اینکه خدای متعال راه را برای آنها باز کند و فرج به آن عظمت را با غرق فرعون و فرعونیان به آنها عطا کند. همین بنی اسرائیل بعد از اندکی، **فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ**<sup>۳</sup>؛ یک مقداری که زمان گذشت، با گذشت زمان از آن حالت اولیه خارج شدند، دلها سخت شد، سنگین شد، قسی شد؛ آن توکل، آن اعتماد به خدا، آن حرکت در راه خدا، آن صبر، آن استقامت را از دست دادند، نتیجه این شد که **«وَصُرَّتْ عَلَيْهِمُ الدِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءَ وَبِعَضَبٍ مِنَ اللَّهِ»**<sup>۴</sup>؛ این آیه یکی از آیات است؛ آیات متعدّد دیگری هم [وجود دارد]. حضرت موسی به

۱ برکات حضرت ولی عصر علیه السلام (خلاصه العبقری الحسان) / س

۲۶/۱۱/۱۳۹۸

۳ سوره ی حدید، بخشی از آیه ی ۱۶: «...[عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید و دلهایشان سخت گردید»

۴ سوره ی طه، بخشی از آیه ی ۸۶: «...آیا این مدّت بر شما طولانی می نمود...»



بنی اسرائیل گفت: **أَقْطَالٌ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ**<sup>۱</sup>؛ شما تا دیروز زیر فشار فرعون بودید، حالا زمان خیلی گذشته که فراموش کردید و می‌گویید **«اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ»**؟ اینها درس است؛ این، آن چیزی است که بنده همیشه تکرار می‌کنم. بحمدالله امروز کمیت و کیفیت جوان مؤمن و پایبند و علاقه‌مند در کشور، از اول انقلاب خیلی بیشتر است؛ امروز این جوری است؛ ما ناراضی نیستیم؛ اما مراقب باشید راه، درست طی بشود؛ این درس بزرگ قرآنی و نبوی و الهی را که خدای متعال کمک می‌کند - **وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ** - فراموش نکنیم و دریاد داشته باشیم.<sup>۲</sup>

● اعتماد به رافت الهی:

امام صادق علیه السلام در روایت زیبایی چنین می‌فرماید: **هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ** آیا دین جز محبت و رحمت چیز دیگری است؟! (سپس دلیل کلامش را این‌گونه بیان می‌کند: زیرا) خداوند متعال می‌فرماید: اگر خدا را دوست دارید از دستورات من (پیامبر صلی الله علیه و آله) اطاعت کنید تا محبوب خداوند شوید. یعنی انگیزه عمل به دستورات الهی، عشق و محبت به خداوند است.

● اعتماد به حکمت الهی:

۳.. محافظت در بحران:

● رازداری در بحران:

اسرار نظامی به عنوان زیر بنای امنیت روانی و اجتماعی یک جامعه از اهمیت غیر قابل انکاری برخوردار است به صورتی که همان سان که نابسامانی اوضاع داخلی زندگی شخصی افراد نباید به ملاعام و بر سر



زبان مردم کشیده شود، اوضاع درونی یک نظام نیز جنبه «راز محرمانه» پیدامی‌کند و باید مخفی بماند.

بنابراین برای حفظ اسرار نظامی بایستی مطالب در اختیار کسانی باشد که کاملاً مورد اطمینان و امین باشند و هنگامی که نوبت پیاده کردن نقشه‌های نظامی رسید، مطلب باید به فرماندهان مطمئن درجه بعدگفته شود، ولی در عین حال کاملاً مواظبت شود که از آنها به دیگران سرایت نکنند

#### ● حکایت: رفیق رمز و راز الهی

پس از جنگ حنین [که در سال هشتم هجری واقع شد،] مسلمانان به فرمان پیامبر ﷺ برای سرکوبی شورشیان طائف، به سوی آنها رفتند و سرانجام داخل قلعهٔ مستحکم طائف شدند و بیش از ده روز در درون قلعه بودند. پس از محاصرهٔ قلعهٔ طائف توسط مسلمین، پیامبر ﷺ به امام علی علیه السلام فرمان داد تا با جمعی به سوی «سپاه خثعم که در آنجا بودند، برود، با آنها نبرد کند و بت‌هایی را که در دسترس او قرار می‌گیرد، بشکند. حضرت علی علیه السلام به سوی سپاه آنان رفت. شخصی به نام «شهاب» در صبحگاه از دشمن به می‌دان تاخت و مبارز طلبید. امام علی علیه السلام قهرمانانه به او حمله کرد و او را از بین رفت، سپاه دشمن را پراکنده نمود و شکست داد و بت‌های آنها را فرو ریخت؛ سپس به حضور پیامبر ﷺ آمد و گزارش کار را داد و با هم مدتی خصوصی صحبت کردند. جابر می‌گوید: عمر بن خطاب [از روی اعتراض] به رسول اکرم ﷺ گفت: آیا با علی رازگویی می‌کنی نه با ما؟ پیامبر ﷺ در پاسخ عمر فرمود: «ما انا انتجیته ولكن الله انتجاه؛ من با او راز نمی‌گویم، بلکه خداوند با او راز می‌گوید». یعنی این ویژگی را خدا به علی علیه السلام داده است.<sup>۱</sup>



### آثار و فوائد:

خصلت رازداری و حفظ اسرار که از بُعدی فردی و از بُعد دیگر اجتماعی به حساب می‌آید، لازمه روابط فردی و اجتماعی بوده و آثار و فوائد متعددی آن نهفته است که شاخص‌ترین این آثار عبارتند از:

#### ● آرامش و امنیت:

حفظ اسراری مانند اسرار اجتماعی، نظامی، حکومتی و اسرار شخصی مهم، که از اهمیت ویژه و فوق‌العاده‌ای برخوردارند و صلاح نیست که باقی افراد یک اجتماع از آن آگاهی داشته باشند، موجب تامین آرامش فردی و اجتماعی خواهد بود؛ بدین معنا که فرد با حفظ اسرار آن را از دشمن مخفی نگه داشته و بدین واسطه تهدیدی متوجهش نخواهد بود و امنیتش محفوظ می‌ماند. در همین راستا امام کاظم علیه السلام طی نامه‌ای که از زندان برای علی بن سويد سائی می‌نویسد، سفارش می‌کند که در حفظ و مراقبت از اسرار کوشا باشد؛ چنانچه می‌فرماید: «**لَا تُفْشِ مَا اسْتَكْتَمْتُكَ!**»<sup>۱</sup>

آنچه را که از تو خواسته‌ام مکتوم بداری، فاش مگردان». که مفاد این سفارش حفظ امنیت به واسطه رازداری می‌باشد، چنانچه قرآن کریم با نقل ماجرای برادران حضرت یوسف به قضیه حفظ اسراری که یعقوب نبی به یوسف مبنی رازداری در برابر برادران خود، اشاره کرده و می‌فرماید: «**قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ!**»<sup>۲</sup>

گفت: فرزندم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن، که برای تو نقشه [خطرناکی] می‌کشند؛ چرا که شیطان دشمن آشکار انسان است». تعبیر به «شیطان» در مورد افشای راز، نشان از اهمیت این صفت اخلاقی نزد خداوند متعال دارد.

۱. حر عاملی، ابو جعفر، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۶۴.

۲. یوسف/سوره ۱۲، آیه ۵.



همچنین انسان رازدار با سکوت و محافظت از اسرار خود، موجبات رضایت دیگران و در نتیجه رضای الهی را فراهم آورده و ضمن تضمین سعادت دنیوی و اخروی، از خوشبختی نیز بهره‌مند خواهد بود؛ چنان‌که امیر کلام در تبیین این اثر ارزشمند برای شخص رازدار، می‌فرماید: «الصَّمْتُ حُكْمٌ وَالسُّكُوتُ سَلَامَةٌ وَالْكِتْمَانُ طَرَفٌ مِنَ السَّعَادَةِ»<sup>۱</sup>

خاموشی حکمت است و سکوت [مایه] سلامت و رازداری گوشه‌ای از خوشبختی». فلذا هر کس به دنبال خوشبختی خویش می‌باشد باید به فکر خوشبختی دیگران هم باشد و با افشای اسرار آنها از رسیدن ضررهای غیرقابل جبران نسبت به ایشان بپرهیزد.

۴. محدود سازی بحران:

#### ● جلوگیری از بحران حرف نزنیم:

جنگ یکی از پراسترس‌ترین رویدادهایی است که انسان‌ها می‌توانند تجربه کنند. تأثیرات روانی جنگ نه‌تنها سربازان حاضر در می‌دان نبرد، بلکه غیرنظامیان، پناهندگان و حتی افرادی که از راه دور اخبار جنگ را دنبال می‌کنند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. استرس جنگ می‌تواند منجر به عوارض روانی کوتاه مدت و بلندمدت شود و شناخت و مدیریت آن برای حفظ سلامت روان ضروری است

نخستین و مهم‌ترین اصل، حضور آرام، نگاه مطمئن و صدای مهربان بزرگ‌ترهاست کودکان بیش از آنکه کلمات را بفهمند، حالات چهره، تن صدا و رفتار ما را می‌خوانند کافی‌ست با زبانی ساده و صادقانه، فضای ذهنی آن‌ها را آرام کنیم. مثلاً می‌توان گفت: "گاهی در دنیا کشورها با هم اختلاف دارند، اما ما مراقب تو هستیم."<sup>۲</sup>

دروغله بعد، بزرگ‌ترها باید مراقب خودشان باشند اضطراب، به سادگی از چشمان ما به دل کودک می‌نشیند والدین اگر بتوانند خود را تقویت



کنند و آرام باقی بمانند، پناه روانی مؤثری برای فرزندشان خواهند بود. حفظ برنامه‌های روزانه مثل خواب، غذا، بازی و حتی لحظه‌هایی برای خندیدن، نه تنها مفید بلکه ضروری است این عادت‌ها به کودک پیام می‌دهد که دنیا هنوز قابل پیش‌بینی و نسبتاً امن است.

نکته مهم دیگر، دادن نقش معنادار به کودک است حتی وظایف کوچک مانند بستن کیف اضطراری، نگهداری از وسایل مورد نیاز یا آب دادن به گلدان‌ها، به او حس مشارکت و کنترل می‌دهد؛ حسی که در کاهش اضطراب بسیار مؤثر است.

در نهایت، باید به یاد داشت که بحران، هرچند پیچیده، با عقل و مهربانی قابل مدیریت است ترس و بی‌برنامگی، نه تنها کمکی نمی‌کند، بلکه امنیت روانی کودکان را بیشتر از هر چیز تهدید می‌کند.

پس بیاییم نه بترسیم، نه بی‌تفاوت باشیم نه هیجان‌زده شویم، نه بی‌برنامه، زیرا امنیت جمعی از مسئولیت فردی آغاز می‌شود.<sup>۱</sup>

در لسان ورات هم از ترساندن دیگران نهی شده است وقتی در روایت از ترساندن شخص مومن نهی شده به طریق اولی ترساندن فرزندان و کودکان خواسته یا ناخواسته در شرایط بحرانی مثل جنگ ممنوع است

**من اخاف مؤمناً کان حقاً علی الله ان لا یؤمینه القیامه** «اگر کسی یک مؤمنی را بترساند. اگر کسی یک مؤمنی را بترساند، حق است بر خدا که در روز قیامت به او امان ندهد. پس ترساندن ممنوع!

۵. تغییر زاویه نگاه:

روایت امام عسکری علیه السلام

**الإمام العسکری علیه السلام: ما من بلیةٍ إلا والله فیها نعمةٌ تُحیطُ بها**<sup>۲</sup>

۱ شیرین گل کریم پور دکتر روان‌شناسی سلامت و مدیر مرکز مشاوره و روانشناختی نگین

۲. [بحار الأنوار: ۷۸/۳۷۴/۳۴].



امام عسکری علیه السلام: هیچ گرفتاری و بلایی نیست مگر آن که نعمتی از خداوند آن را در میان گرفته است.

سردار سرلشکر «حاج قاسم سلیمانی» فرمانده نیروی قدس سپاه:

من با تجربه این را می‌گویم که می‌زان فرصتی که در بحران‌ها وجود دارد در خود فرصت‌ها نیست. اما شرط آن این است که نترسید و نترسیم و نترسانیم.

طبیعت ملت باایمان تبدیل تهدید به فرصت است. طبیعت یک ملت باایمان همین است. بله، حادثه برایش پیش می‌آید اما از حادثه که ممکن است تهدید باشد، برای خودش فرصت درست می‌کند؛ از حادثه، از تهدید برای خودش فرصت درست می‌کند.

تا الان هم این جور بوده؛ از صدر اسلام هم همین جور بوده. همین آیه‌ی شریفه‌ای که این برادرمان تلاوت کردند: **وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ**. خب جنگ احزاب، جنگ کوچکی نبود؛ تمام طوائف عرب از قریش و طائف و مکه و همه جا جمع شدند آمدند به جنگ یک شهر مدینه با چند هزار نفر جمعیت. جنگ احزاب بود، این باید دلها را بلرزاند؛ وقتی که مؤمنین این را دیدند، **قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ**؛ [گفتند] این چیز جدیدی نیست، خدا گفته بود که می‌آیند، برایتان دشمن هست، دشمنانها می‌آیند سراغتان، آمدند؛ **وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا**.<sup>۱۱</sup> این «وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا» همان فرصت است؛ تهدید بود، از این تهدید استفاده کردند، ایمانشان بیشتر شد؛ یعنی یک فرصتی برای ازدیاد ایمان پیدا شد.

۱۱) سوره مبارکه الاحزاب آیه ۲۲؛ وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا ترجمه: (اما) مؤمنان وقتی لشکر احزاب را دیدند گفتند: «این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفته اند!» و این موضوع جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود.

